

مسائل بین المللی

شماره ۵ (۲۳)

سال سوم

نشریه " مسائل بین المللی " که هر دو ماه یکبار انتشار
می یابد، به تشریح تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری
اختصاص دارد .

مندرجات این نشریه از میان مقالات مجله " مسائل صلح
و سوسیالیسم " که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست
و کارگری و منعکس کنند نظریات و اندیشه های آنانست ،
انتخاب و ترجمه میشود .

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۹ و ۱۰
(سپتامبر و اکتبر ۱۹۶۶) مجله " مسائل صلح
و سوسیالیسم " بچاپ رسیده است .

حیات داخلی حزب کمونیست اتحاد شوروی

پس از کنگره بیست و سوم

ای. و. کاپیتوف

رشد سریع و همه جانبه جامعه شوروی تکمیل مد اوم شیوه رهبری حزبی، تعمیق دموکراسی درون حزبی و بسط هر چه بیشتر دامنه فعالیت، ابتکار و مسئولیت کمونیست ها را بیک امر ضرور بدل میسازد. خصیصه فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی در سالهای اخیر تحول کامل در چگونگی حل مسائل زندگی درون حزبی است. این تحول که پلنوم های اکتبر و نوامبر (سال ۱۹۶۴) و نیز پلنوم های بهسازی کمیته مرکزی در ایجاد آن نقش مهم داشته اند در کنگره بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی به بسط پیدا کرد و تثبیت شد.

اسناد کنگره ۲۳ تعالیم نئین را در بهره حزب که نیروی رهنمون جامعه شوروی است به نحو سلاقی تکامل میدهد. حزب کمونیست اتحاد شوروی که در فعالیت خود بقوانین عینی تکامل جامعه متکی است به ساختن کمونیسم خصلت متشکل میدهد و آنرا بر پایه علمی استوار میکند. در کنگره یازدهم ساختن سازمان تشکیلاتی حزب و حیات درونی حزب، کمونیست اتحاد شوروی توجه فراوان معطوف شد. کنگره در اسنادنامه تغییرات جذبی وارد کرد که پیدایش شرایط جدید آنرا ضروری میساخت. کنگره خاطر نشان کرد که ارگانهای حزبی و تمام کمونیست ها برای کار تشکیلاتی و باید بطور فعال و خلاق اشکال و اسبابی را جستجو کنند که پاسخگوی توقعات دوران کنونی باشد.

سازمانهای حزبی بهجهتیه قرارهای کنگره فعالیت وسیعی را برای انجام وظائف مقرر آغاز کرده اند.

بالاترین نقش حزب کمونیست اتحاد شوروی و وظائف ناشی از آن

در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی حکمی طرح شده و مستدل گردیده است که از نظر تئوریک و پراتیک اهمیت فوق العاده دارد. بموجب این حکم همراه با توسعه و تحمیق وظائف ناشی از ساختن کمونیسم نقش حزب نیز بالاتر میرود. کنگره بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی این حکم را بر وفق شرایط و وظائف جدید بسط داد. کنگره ضمن درج جزئی سیاست حزب برای دوره آتی و با توجه به عظمت مقیاسها و پیچیدگی وظائف اجتماعی و اقتصادی به تحلیل عمیق این مسئله پرداخت که اشکال موجود سازمانهای حزبی و قواعد و موازین حیات حزبی و اسلوبهای کار حزبی و ارگانهای رهبری حزب تساجه انداز جوابگوی شرایط و خواستههای جدید است و آیا این اشکال به بسط دامنه ابتکار و فعالیت تمام ارتش کمونیست ها را که بیش از ۱۲ میلیون نفر است بطور کامل تامین میکند یا نه. کنگره در برتو این تحلیل برای

تحکیم بیشتر حزب و افزایش قدرت پیکار تمام سازمانهای آن تدابیری اتخاذ کرد که عمیقاً اصولی و از نظر پراتیک بسیار مهم است .

ایدئولوژیک های پرژوا و نیز برخی از رهبران جناح راست سوسیال دموکراسی که از مشی ایدئولوژیک آنها پیروی میکنند در زمان خود تلاش فراوان بکار بردند تا با لاف زدن نقش حزب کمونیست اتحاد شوروی را تمایل حزب به تسلط جزء (حزب) بر کل (جامعه) (اصطلاح آنها) و نیز به افزایش حقوق خود و متحدید حقوق زحمتکشان و از جمله حقوق سازمانهای توده ای آنان جلوه دهند . زندگی و تجربه علی بآردیگر بطلان این ساخته های ذهنی مخالفین مارا که تبلیغات خود را بر پایه تز نادریست و معمول تسلط حزب کمونیست در جامعه شوروی مبتنی کرده بودند . به ثبوت رسانید . نقش حزب بعنوان نیروی رهبر در همون ساختمان کمونیسم واقعه ام با لاف زده و رایند و از اینهم بالاتر خواهد رفت . ولی همراه با آن نقش سازمانهای اجتماعی دولتی و توده ای زحمتکشان یعنی شوراها و اتحادیه مساو سازمانهای جوانان و جمعیت ها و انجمن های حرفه ای و روشنفکران نیز با لاف زده و هجنان با لخواهد رفت . مردم شوروی ساختمان کمونیسم را نه فقط با کار خود که آفرینند . نه نعم مادی و معنوی است ، بلکه همچنین با شرکت فعال در اداره امور دولت و امور اجتماعی و تولیدی سازمانهای خویش . انجام میدهند . در اینجا فقط بذكر چند نمونه اکتفا میریزیم :

در شوراها ی محلی نمایندگان زحمتکشان یعنی شوراها ی روستا ، قصبه ، بخش ، شهر ، شهرستان استان و منطقه که در انتخابات ماه مارس ۱۹۶۵ بیش از نیمی از نمایندگان آنها تجدید شد (۵۶٫۷٪ آنها) ۲۰۱۰۵۴۰ نفر انتخاب گردیدند . در کمیسیونهای دائمی که یکی از رایج ترین اشکال شرکت علی برگزیدگان مردم در کار شوراها است ۱۶۳۸۹۵۸ نمایندند یعنی قریب چهار پنجم مجموع آنها عضویت دارند . شعب وابسته و گروههای بازرسی و وارسی و انواع کمیسیونهای وابسته به کمیته های اجرایی شوراها ، کمیته های خانه ها و برزنهای بخشهای شهرها ، کمیته های اولیای دانش آموزان و وابسته به مدارس و اداره امور خانه ها ، شوراها ی اجتماعی وابسته به بیمارستانها و درمانگاهها ، کمیسیونهای امور بازرسی شهر شوروی ها و دیگر نهاد سازمانهای بازرگانی ، و اشکال دیگر خود کاری اجتماعی زحمتکشان که پیرامون شوراها گرد آمده اند بیش از ۲۰ میلیون نفر را در بر میگیرند .

یکی از اشکال شرکت اعضا ، اتحادیه ها در ادارات و موسسات که از دیر زمان معمول است و صحت خود را در عمل نشان داده است جلسات دائمی مشاوره در امور تولیدی است که اعضای آن از طسرف کارگران و کارمندان موسسات مربوطه انتخاب میشوند . در حال حاضر در موسسات و محوطه های ساختمانی و سوخوزهای بیش از ۱۳۰ هزار جلسه شوروی داشته است که ۵ میلیون نفر برای شرکت در آنها انتخاب شده اند و ضمناً دو سوم آنها کارگر هستند . در سال ۱۹۶۵ در مجموع جلسات مشاوره در امور تولیدی بیش از ۴۰ میلیون کارگر و مهندس و تکنیسین و کارمندان شرکت داشتند و این جلسات بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار پیشهاد را در زمینه توسعه دامنه پیشرفت فنی ، افزایش بازده کار ، بهبود شرایط کار و معیشت و دستزد و غیره بتصویب رساندند که سه چهارم آنها هم اکنون عملی شده است . امروز قریب ۶ میلیون نفر در کار کنترل توده ای شرکت دارند .

از این نمونه ها زیاد است . میتوان گفت که شرکت مردم شوروی در اداره امور جامعه هیچگاه باین اندازه وسیع و واقعا همگانی نبوده است . ولی حزب در اینجا متوقف نمیشود و میداند که هنوز قشرهای معینی از زحمتکشان بفعالیت مجدا نه در امور دولتی و اجتماعی جلب نشده اند . باین جهت یکسی از

مهمترین وظایف کار حزبی آشنا ساختن و مانوس کردن هر فرد شهری با شیوه اداره امر جامعه است • یکی از نمودارهای نقش روزافزون حزب در شرایط کنونی همین فعالیت بسیار دامنه دار است •

کنگره ۲۳ حزب کمونیست اتحاد شوروی بپرتو خاطر نشان ساختن فعالیت سازمانهای حزبی در میان توده ها باید با روح خلاقیت و توانائی سازمانگری توأم باشد و سازمانهای حزبی باید بتوانند از روی نمونه های مشخص افراد را متقاعد سازند و آنها نشان دهند که ذخایر استفاده نشده موجود برای ساختمان کمونیسم در کجاست است و این ذخایر چیست و چگونه میتوان از آنها بهتر استفاده کرد • این سوی دیگر وظیفه ارگانهای حزبی و تمام سازمانهای حزبی عبارتست از بررسی دقیق پیشنهادها و تذکرات انتقادی زحمتکشان و نتیجه گیری از آنها و اتخاذ تدابیر لازم برای رفع نقایص • وقتی افرادی بینند که نظریات و پیشنهاد های آنها مسموع واقع میشود و در عمل اعتقاد حاصل میکنند که ابتکار آنها سودمند است - این امر به اختلالی بیش از پیش فعالیت اجتماعی توده ها کمک میکند • با الیون سطح فعالیت سیاسی توده ها و سخت کوشی آنها در کار توسعه دامنه ابتکار و خود کار بودن آنان گواهی بارز است

پیرا لارفتن نقش حزب •

از چندی پیش مبلغین بورژوا و پانبری خوانها دعوی قدیمی خود را درباره خطری که گویا به مثاسبت با لارفتن نقش حزب کمونیست در انگیر مردم شوروی شده است کمتر تکرار میکنند • اما در میان تئوریسین های بورژوائی مختلف المسلك اباطیل گوناگونی شیوع پیدا کرده است که به موجب آن گویا هر قدر جامعه شوروی بیشتر تکامل می یابد نقش حزب ضعیفتر میشود • ولی در عمل بطوریکه می بینیم در جامعه ای که سوسیالیسم و کمونیسم میسازد و موازات پیشروی جامعه حجم وظایفی که باید برای ایجاد ایسین جامعه انجام گیرد افزایش می پذیرد و بعد افراد ای که با فعالیت روزافزون و بطور آگاهانه در کار ایجساد این جامعه شرکت میکنند بیشتر میشود • بجز حزب مارکسیست - لنینیست هیچ سازمان سیاسی دیگری نیست که بتواند کار توحید مساعی توده های زحمتکش و تمام سازمانهای دولتی و اجتماعی و اتحاد نیروی کلیه سازندگان جامعه نوین را به عهد بگیرد •

حزب از تجارب خلاق و مترقی نتیجه گیری میکند و سپس این تجارب را در دسترس تمام زحمتکشان قرار میدهد • اشاعه نظریات و اندیشه های مترقی و تجارب مترقی در عرصه کار و زندگی محور مهم کار حزبی است • بررسی و تعمیم تجارب توده ها در عین حال مقدمه و مهمترین شرط تکامل خلاق تئوریست • کمونیسم بطور خود بخود پیدا نمیکرد بلکه با فعالیت آگاهانه و پیگیر توده ها بوجود میاید و این بدان معناست که توده ها فعالیت خود را با قوانین عینی شناخته شده تکامل جامعه هماهنگ میسازند •

تئوری و تکامل خلاق تئوری هیچگاه مثل دوران ساختمان جامعه کمونیستی چنین نقش عظیمی را در حیات اجتماعی نداشته است • ضمناً اهمیت اجتماعی روزافزون تئوری گواه مسلمی است بر بالارفتن نقش حزب • زیرا حزب ضمن طرح ریزی مابانی سیاست خود کلیه تغییرات مهمی را که در حیات جامعه روی میدهد تجزیه و تحلیل میکند و تجربه توده ها را مورد بررسی دقیق قرار میدهد • تئوری مارکسیستی - لنینیستی بنیاد علمی رهبری حیات اقتصادی و اجتماعی کشور و نیرومندترین سلاح در مبارزه طبیعی سهرکتیویسم و برخورد های ولونتاریستی • نظیه تمایل به جستن از روی مراحل طی نشده تکامل اجتماعی می اعتنائی به واقعیت عینی و عدم توجه به توقعات آنست •

نمونه بارز این برخورد علمی حزب اصلاحات اقتصادیست که بر وفق قرارهای پلنوم های مارس و سپتامبر (۱۹۶۵) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی انجام میگردد و تصویب کنگره ۲۳ رسیده است •

سازمانهای حزبی پاتوجه با اهمیت عظیم برنامه های مبتنی بر اصول اقتصادی رهبری این کار را بعهده گرفتند و در جریان آن تمام کارگران ، کلخوزیان و کارمندان را در مقیاس وسیع بکار تهیه برنامه ها جلب نمودند و مراقبت کردند که تدابیر عملی در زمینه پیشرفت تولید با در نظر گرفتن پیشنهاد های خود زحمتکشان تنظیم شود و روش برخی از کارکنان اقتصادی را که به نظراین یا آن کلکتیو توجه کافی نداشتند - اصلاح نمودند .

حزب با اتکا^۶ به تئوری فعالیت علی را درستی سوق میدهد که با تکامل عینی و انتیجه با تکامل اقتصادی جامعه مطابقت داشته باشد . این کار تنها به سیاست درونی حزب منحصر نیست بلکه مشی سیاست خارجی حزب را نیز که از منافع پیشرفت جامعه و ضرورت واکتف در قبالی نیروهای ارتجاع و تحساف ناشی میشود شامل میگردد . منافع عمومی خلق تحقق این مشی را ایجاب میکند . نمودن این امر در حال حاضر آمادگی پر شور تمام مردم شوروی برای کمکهای ضروری به ویتنام قهرمان است که به میکیار طبقه تجاوز امپریالیستهای آمریکا مشغولست . سیاست داخلی و خارجی پیگیر و کاملاً مستدل حزب کمونیست اتحاد شوروی که با مقتضیات تکامل اجتماعی مطابقت دارد اعتبار حزب را بالا میرد و نفوذ آنرا در تمام جوانب حیات جامعه شوروی تقویت میکند .

با لارفتن نقش حزب کمونیست اتحاد شوروی ایجاب میکند که حیات درون حزب طوری سازمان داده شود که ابتکار و خودکاری و افزایش استقلال اندیشه و عمل در چارچوب موازین و اصول لئینی که معیار تفکیک حزبیست از غیر حزبیست ، کار با اینزنامه از هرج و مرج ، انضباط آگاهانه از اطاعت کورکورانه است ، مطابقت اعلام امکان فراهم گردد . به همین جهت حزب دقت دارد که کمونیست با تمام خواستهها و حوائج و نیازمندی هایش در مرکز توجه حیات حزبی قرار گیرد .

فعالیت ، ابتکار و تشکل کمونیست ها

کنگره بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از تعیین وظائف عاجل بمسائل مربوط به تشدید فعالیت کمونیستها و بالابردن مسئولیت و تشکل و کاربری آنان توجه فراوان معطوف داشت . حد این مسائل اولاً مستلزم برگزینی صحیح افراد برای عضویت حزب است یعنی فقط کسانی بحزب پذیرفته میشوند که در جامعه شوروی ما واقعا پیشرو باشند ، بتوانند با فداکاری و سخت کوشی در راه تأمین منافع حیاتی مردم یعنی کمونیسم مبارزه کنند ، در میان زحمتکشان کار کنند و آنها را پیرامون حزب متحد سازند . ثانیاً مستلزم آنست که شرکت تمام کمونیستها در کار روزمره حزب تأمین شود و شرایطی فراهم گردد که در هر تو آن بتوان از نیرو و دانش و استعداد هر فرد به بهترین طرز برای پیشبرد امر مشترک استفاده کرد .

کنگره خاطر نشان کرد که زندگی از هر فرد کمونیست روز بروز توقعات عالیتری دارد . اگر در امر برگزینی افراد برای حزب مطمح توقع بهر شکلی پائین آورده شود وقتی کمسبی برای ورود بحزب ابراز تمایل میکند باین امر توجه نمیشود که او کمست ، ارتباطش با توده ها چگونه است ، نقش او در زندگی اجتماعی چیست و آیا با ورود خود بحزب آنرا واقعا تحکیم میکند یا نه - حزب از آن زیان خواهد دید . برخی از رفق باطلت زندگی در جامعه ای که از نظر اجتماعی روز بروز همگون تر میشود و در میان مردم وحدت معنوی و سیاسی برقرار است و در کار عملی خود غالباً بر این بودند که حالا دیگر میتوان هنگام پذیرش افراد به حزب

از طرح این مسائل خود داری کرد . این خطای گمراهی آوری بود که عواقب خطرناک در پی داشت یعنی ممکن بود نقش حزب را در حیات جامعه شوروی تضعیف کند .

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی کمی پیش از تشکیل کنگره با اصلاح جدی کار برخی از سازمانهای حزبی پرداخت . کمیته مرکزی ضمن تصویبنامه مربوطه کار سازمان ایالتی حزبی خارکف در باره پذیرش افراد به حزب و تربیت کمونیستهای جوان این سازمان را بعلت پائین آوردن سطح توقع بهنگام پذیرش به حزب تقبیح کرد و ضرورت بالابردن مسئولیت سازمانهای حزبی و کمونیستها را در امر برگزینی افراد برای قبول بحزب خاطر نشان ساخت . این یاد آوری مهمی بود درباره توجه بضرورت مراعات اکید توصیه لنین که گفته است : " باید عنوان و اهمیت عضو حزب را بالا بالا و بالا برد " (کلیات آثار، جلد ۶، ص ۴۵۹) زیرا " ما اعضای جدید حزب را نه برای شهرت (رکلام) بلکه برای کار جدی لازم داریم " (کلیات آثار، جلد ۳۰، ص ۴۱) .

مسائل مربوط به پذیرش افراد جدید بحزب و کار با کمونیستهای جوان در پلنوم های بسیاری از کمیته های استانیها ، شهرها و بخشها و نیز در جلسات حزبی مورد بررسی قرار گرفت . تمام ایسنا اقدامات نتایج مثبت بیار آورد .

کنگره ۲۳ پس از تایید تدابیر متخذه کمیته مرکزی تمام سازمانهای حزبی را به برخورد جدی تر به مسئله عضویت در حزب موظف ساخت . در قطعنامه مربوط به گزارش کمیته مرکزی به کنگره گفته میشود : " لازمست که کارگران و کلخوزیان و روشنفکران پیشرو آگاه که در ساختمان کمونیسم شرکت فعال دارند با رعایت اکید اساسنامه بحزب کمونیست اتحاد شوروی پذیرفته شوند . ضمنا در آینده نیز کارگران باید در ترکیب اجتماعی حزب جای عده را داشته باشند " .

این رهنمود کنگره با طبیعت حزب ما و نقش و مقام طبقه کارگر در جامعه سوسیالیستی مطابقت دارد و از برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی ناشی میگردد که در آن گفته میشود : " از آنجاکه طبقه کارگر سربشروترین و متشکلاترین نیروی جامعه شورویست نقش رهبری خود را در دوران ساختمان دامن دار کمونیسم نیز ایفا میکند " . این کیفیت ناگزیر در ترکیب حزب حاکم منعکس میگردد . رشد بیش از پیش حزب با ورود کارگران بصوف آن انجام میگردد . اگر در فاصله میان کنگره های ۲۰ و ۲۲ ارتعداد کل اعضای آزمایشی ۴۰ درصد کارگر بودند در فاصله میان کنگره های ۲۲ و ۲۳ این نسبت به ۴۷٪ رسید . بهترین کلخوزیان و کارگران سوخوزها و مکانیزاتورها بحزب وارد میشوند . سازمانهای حزبی در روستا از نظر کمی و کیفی پیوسته در حال رشدند .

طبیعی است که حزب برای شرکت روشنفکران در کار حزب اهمیت بسیار قائل است . بهترین مهند سین و تکنیسین ها مرتب بصوف حزب وارد میشوند . بیش از سه کارمندی که وارد حزب شد فاند متخصص هستند . اینها عبارتند از مهندسان کشاورزی ، پزشکان ، معلمان ، طراحان و دانشوران . بخش حزبی سازمانهای روشنفکران هنرمند تحکیم می یابد و بزرگتر میشود . همه اینها نشان میدهند که روشنفکران توده ای ما پیرامون حزب متحد میگرددند و مردم که حزب کمونیست اتحاد شوروی بهترین مبین منافع آنهاست ، صادقانه و بی مضایقه خدمت میکنند .

سازمانهای حزب کمونیست اتحاد شوروی برگزینی افراد را برای عضویت حزب در جریان کار روزانه انجام میدهند . آنها در فعالیت توضیحی و سازمانی خود افراد را تربیت میکنند و استعداد آنها را بررسی مینمایند و صحیطی از فعالین غیر حزبی در اطراف خود بوجود میآورند و آنها را بحزب نزدیک میکنند و

بسیاری از آنان را بکار خود جلب مینمایند. در نتیجه این امر افراد نیرو و استعداد خود را می سنجند و ضرورت این امر که باید عضو حزب بود و مبارزه در راه آرمانهای آنرا نه در کنار آن بلکه مستقیماً در صفوف حزب انجام داد می بینند.

این تدابیر و آزمایشها وجود محاسن آن هنوز کافی نیست برای اینکه بتوان معلوم کرد که آیا شخص مورد نظر واقعاً در حزب میخورد یا نه. مرحله بعدی تدابیر و آزمایشها باید در داخل خود سازمان حزبی انجام گیرد؛ باید افراد به عنوان عضو آزمایشی در کلکتیو حزبی شرکت کنند و فعالیت نمایند تا بطور مشروح با برنامه و اساسنامه، پاراسوم حزبی آشنا شوند و امکانات خود را بیازمایند و منصفانه ظهور بگذارند. در عمل همیشه دیده شده است که بخشی از اعضای آزمایشی به عضویت حزب پذیرفته نشده اند و این نشان میدهد که دوران آزمایشی چه اندازه اهمیت دارد. سازمانهای حزبی اقدامات لازم بعمل میآورند تا این دوران آزمایشی بهتر ترتیب داده شود.

در همین حال مسئولیت کمونیستها در قبال معرفی اعضا جدید و اعضای آزمایشی حزب کمونیست اتحاد شوروی افزایش می یابد. کنگره ۲۳ حق معرفی افراد برای عضویت حزب را به کمونیستهای داده است که سابقه حزبی آنها بجای سه سال که تا قبل از کنگره معمول بود گسترش پنج ساله باشد. معرفی فرد برای عضویت حزب یک ضمانت سیاسی است و درباره اینکه تقاضا کنند و برای حزب مناسب است میتواند بصوف آن پذیرفته شود. هدف کنگره از این تصمیم آن بود که معرفی افراد از طرف کمونیستهای انجام گیرد که خودشان آید پدگی حزبی لازم را بدست آورده باشند.

کنگره بمنظور بالا بردن سطح توقع از تقاضا کنندگان ورود به حزب کمونیست اتحاد شوروی مقرر داشت که جوانانی که نشان از ۲۳ سال کمتراست فقط از طریق سازمان کمسومول که پسران و دختران شوروی در آن مکتب جدی تربیت کمونیستی و فعالیت اجتماعی را میگذرانند - پذیرفته میشوند. قریب ۴۰٪ اعضای آزمایشی که طی ۶ ماه اخیر سال جاری پذیرفته شده اند عضو سازمان کمسومول بوده اند. در حزب ما سن ۵۳٪ اعضا از ۴۰ سال کمتراست و این امر بیشک نمود اریستیکالی پر شور ضد جوان از شعاعریکارجوانانه روح انقلابی حزب است و نشان میدهد که نسلهای جامعه شوروی این شعاعر و این روح انقلابی را یکی پس از دیگری به میراث می برند.

ترتیب بررسی تقاضاهای ورود به حزب در امر برگزینی افراد برای عضویت حزب اهمیت بسیار دارد. سازمانهای حزبی باید از عقاید و نظریات کسانی که با تقاضا کنندگان عضویت حزب کمونیست اتحاد شوروی کار میکنند اطلاع هر چه دقیقتری داشته باشند و آنها نه تنها از نظریات کمونیستها بلکه ایضا از نظریات افراد غیر حزبی درباره آنها با اینجهت تقاضای پذیرش به حزب علی القاعده در جلسات حزبی عمومی بررسی میشود. برای رای گیری نیز از طرف کنگره ترتیبی مقرر شده است که توجه بیشتری را به ایسین نظریات تأمین میکند بدین معنی که تصمیم سازمان اولیه حزبی درباره پذیرش حزب وقتی تصویب شده محسوب میگردد که بجای اکثریت ساده که قبلاً از این معمول بود حد اقل دو سوم اعضا حزبی حاضر در جلسه بان رای داده باشند.

بهبود عمومی کار در میان توده ها و کار با فعالین غیر حزبی هر چه در جدی تر مسئله پذیرش افراد به بهبود ترکیب کیفی حزب کمک میکند. نمونه آنرا در سازمانهای که تحریر کارشان اخیراً بررسی شده میتوان مشاهده کرد. بعنوان مثال میتوان حزب کمونیست لیتوانی را در نظر گرفت. در سازمان حزبی شهر کائوناس نسبت کارگران در میان کسانی که بعنوان عضو آزمایشی حزب کمونیست پذیرفته شده اند

در نیمه اول سال ۱۹۶۵ برابر با ۰۹٪ و در نیمه دوم سال جاری ۵۳٫۸٪ بود. از کارمندان که در نیمه اول سال ۱۹۶۶ بعنوان عضو آزمایشی پذیرفته شده اند ۸۴٪ کارشناس پرشته های مختلف اقتصاد ملی بودند و حال آنکه در همین دوره از سال گذشته نسبت آنها ۷۸٪ بود.

در یک سلسله از سازمانهای دیگر نیز وضع بر همین منوال است. نسبت کارگران در میان اعضای آزمایشی که در نیمه اول سال جاری پذیرفته شده اند در قیاس با همین دوره از سال گذشته در استان دنپروپتروفسک از ۱٫۲ مه ۵۴، در استان قره غنده از ۱٫۶ به ۵۹٫۹، در استان که مروف از ۵۵٫۲ به ۵۹ و در استان یاروسلاو از ۶٫۷ به ۵۹٫۸ درصد رسید.

سازمانهای حزبی هنگام پذیرش افراد به حزب این نکته را در نظر میگیرند که کمونیست بودن افتخار بزرگی است ولی کمونیست وظایف خطیری هم بعهده دارد. رفیق دیمیتریوف کارگر کارخانه اتومبیل سازی گورکی در این زمینه در روزنامه "پراودا" چه خوب گفته است: "من میخواهم بگیرم؛ اگر مایلی عضو حزب باشی در جستجوی زندگی راحت نباش بلکه در اولی با شریکین ترموستولیت بیشتری در قبال آنچه که در اطراف تو میگذرد بعهده بگیری" ("پراودا" ۱۰ فوریه سال ۱۹۶۶).

برای بالا بردن نقش پیشاهنگ عضو حزب باید شرایطی بوجود آورد که او امکان داشته باشد در حزب فعالانه کار کند و دانش و تجربه خود را بطور کامل در کار عمومی حزب وارد سازد. این مقصود از طریق توسعه همجانبه دموکراسی درون حزبی و متشکل بودن کار هر کلکتیو حزبی حاصل میگردد.

نمودار دموکراسی در حزب بطوریکه بعد از آنیم قبل از هر چیز عبارتست از انتخاباتی بودن مقامات حزبی گزارشدهی و تعویض پذیر بودن تمام ارگانهای رهبری حزبی از پائین تا بالا. ولی مطلب تنها بر سر این نیست که انتخابات بطور منظم و در موعد مقرر در برنامه انجام میگردد بلکه این نکته نیز مهم است که انتخابات در محیطی بعمل میآید که در آن گزارشهای ارگانهای حزبی با برخورد نقادانه و حدی بررسی میشود و نامزد های عضویت در این ارگانها قیامهتد ارزهایی قرار میگیرند. کمونیستها امکان واقعهی داوند هر کس را که با استعداد تر، با معلومات تر و اصولی تهرند اند انتخاب کنند. در این مورد تصمیم کنگره ۲۳ در باره الخا" مقررات مربوط به تجدید و تعویض ترکیب ارگانهای حزبی اهمیت بسیار دارد.

مقررات سابق موجه از کار در نیامد. مثلا در سازمان اولیه حزبی میبایست در هر سال حد اقل نصف اعضا بورژوا تجدید کرد. ولی کمونیست وانمیشد بیش از ۲ بار یعنی بیش از ۲ سال بعنوان دبیر سازمان حزبی انتخاب کرد و المنتیجه سازمانگران خوبی که مورد احترام و اعتقاد کمونیستها بودند مجبور میشدند از کار حزبی فعال کنار بروند و این امر در وضع کار تاثیر منفی میبخشید و علاوه بحقوق کمونیستها لطمه میزد.

کنگره ۲۳ ضرورت توجه و احترام بیشتر به عقاید و پیشهتد های کمونیستها را خاطر نشان ساخت اکنون در اساسنامه فقط حکم اصولی برنامه ای مربوط بضرورت تجدید منظم ارگانهای انتخابی حزبی باقیمانده ولی مسئله انتخاب این یا آن فرد مشخص بعضویت ارگان تمام و کمال در صلاحیت جلسات و کفرانصها و کنگره هاست و این مسئله با توجه بشرايط مشخص محل و خصائل علفی و سیاسی افراد حل میشود.

ارگانهای حزبی از چکسانی ترکیب میشوند؟ برخی از منتقدین بورژوا مدعی هستند که گویا کارگران و دهقانان معمولی در ارگانهای رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و در سازمانهای آن شرکت ندارند. چند رقم برای نشان دادن وضع واقعی در این زمینه. برای نمونه سازمان حزبی یک

استان معمولی مثلا استان اومسک را در نظر میگیریم . از اعضای کمیته ایالتی حزب ۳۱ نفر کارگرسره ، ۶ نفر کلخوزی ، ۲۸ نفر کارشناس صنعت و وسائل حمل و نقل و ساختمان و کشاورزی ، ۸ نفر دانشور و فرهنگی و ۱۰ کارمند حزبی هستند که بسیاری از آنان تا همین چندی پیش در موسسات و کلخوزها و مدارس و آمیزشگاههای حرفه ای کار میکردند . از میان این اعضا ، زمینچکوچویان سوخوز ، دامپرور ماسکالنسک ، کاتراژنکوهرانند ، لوکوموتیو پرتی و انوایانووا کارشناس دامپروری قهرمان کارسوسیا لیستی هستند . از اعضای کمیته شهری اومسک ۳۳ نفر کارگر ، ۲۶ نفر کارشناس اقتصادی ، ۱۳ نفر دانشور و فرهنگی و ۳۶ نفر کارمند حزبی هستند . ترکیب اعضای کمیته های حزبی بخش و شهر و استان سایر مناطق نیز تقریبا همینطور است .

البته برای بالا رفتن سطح فعالیت و مسئولیت کمونیستها تنها مراعات موازین دمکراسی کافی نیست بلکه کارها نیز باید به دانش عمیق مارکسیستی - لنینیستی مجهز باشند . حزب با استفاده از تجارب فراوان علاوه بر اشکال سازمانی تعلیمات حزبی را نیز بهبود میدهد . کمیته مرکزی سیستم جدیدی تنظیم کرده و اکنون بعملی کردن آن مشغولست که در آن اختلاف سطح معلومات تئوریک افراد در نظر گرفته میشود و همعکس امکان داد میشود در راه آموختن مسائل تئوری مارکسیستی - لنینیستی گام بیگام جلو بروند . گمانیکه معلومات سیاسی نداشته باشند مدرسه سیاسی ابتدای دو ساله را میگذرانند . مرحله دوم مدرسه بیانی مارکسیسم - لنینیسم است که دوره آن چهار سال است . عالیترین موسسه آموزشی در این رشته عبارتست از او شهور سیته های مارکسیسم - لنینیسم و نیز مدارس مخصوص فعالین حزبی و اقتصادی شهرها و استانها . کمونیست های با معلومات برای بررسی مستقل موضوع مورد علاقه خویش یعنی تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی ، فلسفه ، اقتصاد سیاسی و غیره امکان وسیعی دارند سازمانهای حزبی پایین کمونیستها از طریق تشکیل جلسات درس انفرادی و تشکیل سمینار و کنفرانسهای تئوریک و جلسات گفتگو که کمونیستها در آنها پیرامون مسائل مبرم تبادل نظر بعمل میآورند ، کمیسسک میکنند .

این سیستم برای آن در نظر گرفته شده است که هر کمونیست معلومات تئوریک بدست آورد و هر فرد کمونیست را به توسعه دائم افق سیاسی خویش تعلقند سازد . این سیستم بیشک به تشدید فعالیت و پختگی بیشتر عضو حزب کمک میکند .

عرصه فعالیت حزبی و اجتماعی هر کمونیست قبل از هر چیز سازمانیست که در آن عضویت دارد . بموجب اصول لنینی سازمانهای اولیه حزبی پایه حزب کمونیست اتحاد شوروی هستند : پیشروان جامعه از طریق آن باید یکدیگر متحد میشوند و در این عرصه است که کمونیست بعنوان مبارز سیاسی فعال حزب تربیت میشود . این سازمانها کارهای روزمره کمونیست ها را متشکل میسازند و نقش بزرگی را در امر کنترل اجرای برنامه و اساسنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی ایفا میکنند .

ما اکنون ۱۶۸ ۳۳۳ سازمان اولیه حزبی داریم . این سازمانها تقریبا در هر کلکتیو یعنی در موسسه در کلخوز و در سوخوز وجود دارند . ضمنا این حوزه های حزبی بسیار هستند . اگر در سال ۱۹۴۶ تعداد کمونیستها بطور متوسط در یک موسسه صنعتی ۳۸ نفر بود اکنون به ۸۱ نفر رسیده است ، در ساختمان بهترین از ۲۷ به ۴۱ ، در سوخوز از ۱۷ به ۷۵ و در کلخوز از ۱۰ به ۴۲ نفر رسیده است . ترکیب این حوزه ها نیز بر مبنای پیشتری پیدا کرده و همه شئون را شامل گردیده است : سازمانهای اولیه حزبی (حوزه ها) دارای شبکه پرشاخه ای از سازمانهای شعب و یا گروههای حزبی در محله های کوچکتر

هستند . این شبکه اهمیت بسیار دارد زیرا حلقات حزبی مزبور قادرند کار فعالانه هر کمونیست را تامین نمایند و به یکایک افراد دسترسی پیدا کنند . مرکز نقل کار سازمانی و سیاسی بیس از پیش یکارگساره به گروه کار و به عرصه مشخص یعنی بمیان توده ها انتقال می یابد .

نقش جلسات حزبی نیز به تناسب آن بالا می رود . جلسات حزبی ارگان عالی سازمانهای حزبی و منتخب تربیت حزبی و شکل سازمانی ایجاد وحدت نظر و عمل کمونیستها هستند . کمونیست در این جلسات نه فقط درباره کار کلکتیو خود بلکه درباره فعالیت مجموع حزب و ارگانهای رهبری آن نیز اظهار نظر میکند .

تجزیه کار کمونیستهای کارخانه شماره یک فرآورد های بدون مسلح در شهر و لگاگراد واحد و دی هشر سطح این جلسات و نقش آنهاست . از جمله مسائلی که آنها بررسی میکنند چنین است : بالا بردن مسئولیت کمونیستها در حوزه کاری که با و سپرده شده است ، نقش مهندسان و تکنیسین ها در بهبود شاخص های اقتصادی ، چگونگی کار تربیتی در میان نوجوانان کارخانه ، مبارزه سازمان حزبی برای اجرای برنامه اشاعه تکلیک نو و اقامت سازمانی در زمینه تکلیک ، وضع فرهنگی کارخانه و تدابیر لازم برای ترفیع سطح فرهنگ . . .

برای تدابیر بحث پیرامون این مسائل عد زیادی کمونیست را بکار جلب میکنند . مثلا مسائل مربوط به برقراری سیستم جدید برنامه ریزی و ایجاد علاقه مندی مادی را کمیونی مرکب از ۲۵ نفر در برابر جلسه بررسی کرد . ضمنا ۲۰ نفر از آنها کارگرسان بودند . در نتیجه این امر سطح فعالیت اعضا حزب نیز در جلسات بالا رفته است .

سازمان اولیه حزبی با مجموعه فعالیت خود به جلب هر فرد کمونیست به فعالیت حزبی هد فمند کمک میکند . کارها را چنانکه باید و شاید تحت برنامه منظم در می آورد و میان افراد تقسیم میکند ، ماموریت میدهد و ضرورت لازم باشد چگونگی اجرای آنها و ارسا میکند و کمونیستها کمک میکند و در زمین حال میکوشد که کمونیست برای هر کاری منتظر دستور نشیند بلکه هر جا که لازم است بابتکار خود عمل کند . سیاست حزب را توضیح دهد ، اشتباه افراد را برطرف سازد و از کسانی که حق بجانب آنهاست پشتیبانی نماید و رفتار همیشه سرمشق باشد . سرمشق افرادی ۱۲ میلیون کمونیست در توده ها تاثیر نیرومندی میبخشد ، آنها را جلب میکند و متقاعد میسازد .

در استان ورونیکلخوزیست بنام " پادگونیوه " در سازمان حزبی این کلخوز ۶۷ کلخسوزی شرکت دارند . کمونیستها در عرصه های اساسی یحی آنجا که سرنوشت برنامه های تولیدی تعیین میشود قرار دارند . ۱۲ نفر از آنها مکانیزاتور و ۷ نفر راننده هستند . ۱۷ نفر در مزرعه و ۱۳ نفر در فرم دامپروری و ۳ نفر در ساختمان کار میکنند . همه آنها در کار خود همواره از کمک سازمانها و گروههای حزبی خود برخوردارند . از جمله مسائلی که اخیرا در جلسات آنها بررسی شد عبارت بود از : " کمونیست چه خصائلی باید داشته باشد ؟ " و " کمونیست پیش از همه باید چه کار کند ؟ " کمونیستها در اینجا بتمام معنی پیشاهنگ کلکتیو هستند . اکثریت مطلق آنها پیشروان عرصه تولیدند و کلخسوز آنها یکی از کلخوزهای پیشرواست .

دامنه فعالیت حزب همراه با پیشروی جامعه بسوی کمونیسم پیوسته و سیاه تروهه گیر ترومیستوان گفت ظرفتر میشود و توانائی تقرب به انسانها و توجه یخصا هر فردی و کمک به تکوین چهره مصنوعی و تکامل نیرو و استعداد آفرینندگی آنها را ایجاب میکند . اصل سوسیالیسم چنین است :

* از هر کس طبق استعدادش به هر کس طبق کارش * رشد و تجلی استعداد هر فرد در کار یکس
 منافع عموم را در بردارد شرط مهم پیشروی تمام جامعه و واحد های جداگانه آنست * فعالیت سازمانهای
 حزبی نیز همین سمت متوجه است *

سبک رهبری : دانش بیشتر ، کاربری و نرمش بیشتر

وظایف و شرایط جدید کار حزب موجب ایجاد توقعات جدیدی از کمیته های حزبی میگردد *
 مرکزیت دموکراتیک که اصل رهبری ساختمان تشکیلاتی حزب کمونیست اتحاد شوروی است برای ارگانهای
 مرکزی و محلی حزب در تمام فعالیت حزب حای مهمی تخصیص میدهد * پیروی از همین اصل است که
 به حزب امکان میدهد شرایط عینی تکامل جامعه را برای تنظیم سیاست صحیح و اجرای موفقیت آمیز
 آن با حد اعلائی وقت در نظر بگیرد * بکمک این اصل میتوان گرایشهای عده تمام جامعه شوروی را
 مشخص کرد ، شرایط ویژه هر محل را در نظر گرفت ، سطح فعالیت کمونیست ها را بالا برد و شکل و انضباط
 ضروری و سطح عالی کاربری را تامین کرد * در این زمینه اشکال و اسالیب و مجموعه سبک فعالیت ارگان
 های حزبی اهمیت عظیم کسب میکند *

کنگره ۲۳ حزب کمونیست اتحاد شوروی باین مسئله توجه فراوان معطوف داشت * قرارهای
 کنگره متضمن رهنمود های بیست و یک باره خصوصیات رهبری حزب در رشته های ساختمان اقتصادی و فرهنگی *
 کنگره با اشاره باین نکته که مبارزه در راه اجرای موفقیت آمیز برنامه پنجساله جدید رشد اقتصاد ملی باید
 در مرکز توجه تمام سازمانهای حزبی باشد نکات زیرین را خاطر نشان ساخت : " ضمناً سازمانهای حزبی
 باید در فعالیت سازمانی و تربیتی اسلوه های ذاتی خود را بکار برند و از قرارداد آن خود برجای ارگان
 های شوراها و ارگانهای اقتصادی بپرهیزند و در هر کار جزئی قیّم آنها نشوند " *

کمیته های حزبی ارگانهای رهبری سیاسی هستند * این نکته را باید بازباز تکرار کرد زیرا
 در آن رشد کنونی جامعه شوروی بویژه ایجاب میکند که فعالیت ارگانهای حزبی بخصوص همین کیفیت
 را داشته باشد * در شرایطی که خواسته های چون هدایت پیشروی بسوی کمونیسم ، هم آهنگ ساختن
 نیروهای متنوع و روزافزون جامعه شوروی ، احتراز از هر اقدام و عمل مخل پروسه عمومی تکامل ، تشخیص
 روشن در برنامه و وظایف بمرم مشخص روز مطرح است بکار بودن شیوه های سطحی در رهبری امور حزبی ،
 اعمال شیوه های اداری در این کار ، قرارداد آن سازمانهای حزبی برجای ارگانهای اقتصادی و ارگان
 های شوراها ، در هر کار جزئی قیّم آنها شدن - پیش از هر زمانی تحمل ناپذیر میگردد ، زیرا در
 چنین صورتی مسائل مربوط بکار سازمانی و ایدئولوژیک ، برگزینی کادرها و آموزش چگونگی اجرای تصمیمات
 که اتفاقاً مهمترین وظایف ارگانهای حزبی است و هیچ موسسه و دایره دیگری نمیتواند آنها تکمیل کند -
 تاگزیر تحت الشعاع قرار نمیگیرد ، مضافاً بر اینکه چنین عملی موجب تضعیف نقش ارگانهای شوراها و
 ارگانهای اقتصادی و متخصصین و کادرهای کثیرالعدد آنان میگردد * خلاصه کلام اینکه چنین عملی
 در آخرین تحلیل از نفوذ حزب در حیات جامعه شوروی میکاهد * کنگره ۲۳ هم با قطعیت تمام خاطر -
 نشان ساخت که کار رهبری کمیته های حزبی انجام وظایف اداری نیست بلکه انجام وظایف سیاسی و
 سازمانی است *

البته از آنجا که حزب کمونیست اتحاد شوروی حزب حاکم و مسئول سرنوشت کشور و مجموعه ساختمان

کمونیسم است ، کمیته های حزبی نمیتوانند از اشتغال به امر اقتصاد و ایجاد بنیاد مادی وقتی کمونیسم انصراف جویند . ولی همانطور که کنگره ۲۲ خاطر نشان ساخته است کمیته های حزبی دارای برخورد و اسلوه های خاص خویش هستند . اکنون با وضوح روز افزون دیده میشود که این مسائل در ارگانهای حزبی از این زاویه مورد بررسی قرار میگردد که سیاست حزب با در نظر گرفتن قوانین عینی تکامل جامعه و شرایط مشخص هاتوجه به عقاید توده ها و از طریق متشکل ساختن افراد برای انجام وظایف مقرر در عین مواظبت از انسانها اجرا شود .

تجربه مشخصی که در این زمینه بدست آمده مطلب را روشن تر میکند . برای نمونه سازمان حزبی استان سوی (اوکراین) را در نظر میگیریم . تا چندی پیش کمیته های این استان بطور عمده بمسائل تولیدی میپرداختند و در تصمیمات متخذه به تفصیل شرح میدادند که چه محصولاتی باید کاشته شود و کشت در چه زمانی باید انجام گیرد ، چه اقداماتی در زمینه کشاورزی و دامپروری باید بعمل آید ، نگاهداری احشام و مواظبت از گوسفند چگونه باید سازمان داده شود و غیره . ولی اکنون مسائلی که در روزی حزبی برگزینی کادرها و نظارت بر رشد آنها و فعالیت آنها روز بروز در جای بیشتری را اشغال میکند . نمونه آن هم گلر خود کمیته ایالتی حزب است . اینک فهرست مسائلی که این کمیته اخیراً در جلسات خود بررسی کرده است : اقدامات کمیته بخش شوستکین حزب کمونیست اوکراین در زمینه تسهیل تحکیم گروههای حزبی ، کار کمیته بخش شوستکین برای بالابردن مسئولیت کمیته ها در امر رعایت خواست های صرحه در اساتمامه حزب کمونیست اتحاد شوروی ، فعالیت کمیته بخش " سره دنیو - بودی " برای تقویت نقش سازمانهای اولیه حزبی در انجام وظایف اقتصادی و فرهنگی ، فعالیت در بخش گلخوسف برای برگزینی و گسترش کادرها و تربیت آنها ، رهبری سازمانهای حزبی گلخوزه از طرف کمیته بخش شوستکین .

در سبک کار کمیته ایالتی و کمیته های شهرها و بخش های استان بیش از پیش این تمایل ابراز میشود که مسائلی مربوط بمسوسات و گلخوزه و سوخوزه عمیقاً مطالعه گردد و رهبری امر تولیدی یاد بدهد اقتصادی انجام گیرد و سازمانهای اولیه حزبی در امر تولیدی و در زندگی و روحیات افراد تاثیر کنند . نمودار این امر از جمله توجه بیشتر است که اکنون کمیته ایالتی و سایر کمیته های دیگر در میان کادرها و همه تربیت آنان معطوف میدارند . سازمانهای اولیه حزبی روز بروز بیشتر تحت توجه قرار میگیرند . مثلاً کمیته بخش شوستکین يك برنامه یکساله برای آموزش فعالین حزبی تنظیم کرد و در آن مقرر داشته است که دبیران سازمانهای اولیه حزبی و سازمانهای کارگاهها هر ماه یکبار و اعضای گروههای حزبی و کمیته های حزبی هر سه ماه یکبار و مسئولین گروههای حزبی هر سال د بار سمینار تشکیل دهند . در این سمینارها مسائل مهم کار حزبی و تجارب حاصله مورد بررسی قرار میگیرد . تکیه بر سازمانهای اولیه حزبی در فعالیت بسیاری از کمیته های شهری و بخش عمومی پیدا میکند .

بالا رفتن پایه علمی کار حزبی اهمیت عظیم دارد . زیرا پائین بودن سطح اطلاع از قوانین اقتصادی و سایر قوانین عینی تکامل جامعه بررسی مدنی واقعیت عینی و شرایط مشخص و اوضاع و احوال مشخص ناگزیر کار را به اتخاذ تصمیمات عجولانه و یکجانبه و اقدامات ناسنجیده میکشاند . بالا رفتن پایه علمی کار حزبی امکان میدهد که حل مسائلی که زندگی پدید میآورد بطور مشخص انجام گیرد نه باشیوه های قالبی . نکته شایان اهمیت در این مورد آنست که کمیته های حزبی و رهبران آنها روز بروز بیشتر درک میکنند که حصول این مقصود فقط از طریق اطلاع منظم از مقتضیات رشد جامعه و از روحیات توده ها و از وظایف مشخص

اقتصادی موسسه و بخش و شهر و استان و نیز از طریق تجزیه و تحلیل وضع سازمانهای حزبی سراسر است .
 دوگذاشته این بررسی همیشه بحد کافی عمیق و منظم نبود . پیش آمد میکرد که برخی کارکنان
 خود پسند از علوم مربوطه فقط اطلاع سطحی داشتند و گاه علاقه ای هم برای آموختن این علوم نشان
 نمیدادند . اینان از ملاحظاتی باب روز بیرونی میکردند و فکر آزمایش صحت و سقم عقاید خود نبودند .
 یگانه برهان آنها اغلب این بود که : " ماهم چیزی را مداد بدست حساب کرده بودیم " . ولی بطوریکه
 میدانیم آنجا که افراد و توده ها عمل میکنند باید کمی پیش از چهار عمل اصلی حساب بلد بود . باید
 شرایط واقعی گوناگون را در نظر گرفت ، از روحیات افراد و از امکاناتشان مطلع بود و میزان اثر بخشی
 اقتصادی و اجتماعی اقدام پیش بینی شده را معین کرد .

در این زمینه خیلی چیزها دستخوش تغییر است . علیه هرگونه مظاهر سوسیالیسم و شورالیسم در
 بررسی واقعیت زندگی و تحلیل مسائل بشدت مبارزه میشود . از اسلوههای آزمون شد هلثینی برای
 تداریک اتخاذ تصمیم بر مبنای دموکراتیک بهتر استفاده میشود . در جنب کمیته های حزبی و در سازمان
 های اولیه حزبی انواع بورها و کمیسیونها : اقتصادی ، فنی ، ایدئولوژیک و مسائل سازمانی حزبی دایر
 است که اعضای آنها بطور افتخاری انجام وظیفه میکنند . مثلا در کمیته ایالتی تولا اعضای شورای کمک
 به پیشرفت فنی بطور افتخاری انجام وظیفه میکنند . در شعب این شورا نزدیک به ۴۰۰ نفر مشغول
 کارند . در کمیسیون ایدئولوژیک ۸۴ نفر و در شورای تعلیماتی جنب باشگاه آموزش سیاسی ۴۵ نفر
 کار میکنند . علاوه بر آن کمیته ایالتی ۹۵ نفر مهربی قرار دادی را نیز بکار جلب کرده است . تمام این
 فعالین با زندگی ارتباط نزدیک دارند و کار سازمانی بزرگی انجام میدهند و در همین حال به کشف و تحقیق
 و حل صحیحتر مسائل مبرم نیز کمک میکنند .

اشکال گوناگون کار افتخاری در این اواخر تحت نظم کامل در میآید . اشکال من در آوردی و زائد
 منسوخ میگردد و از تعداد جلسات کاسته میشود . برای بررسی مسائل مبرم قبل از هر چیز از افکار عمومی
 استفاده وسیع بعمل میآید . اسلوههای خاص پژوهشهای مشخص اجتماعی هر چه بیشتر مورد استفاده
 قرار میگیرد و دانشمندان و پژوهشگران برای تحلیل مقدماتی مسائل مشمول حل بکار جلب میشوند .
 مثلا در اینستاد این کار بطریق زیر انجام میگردد . هنگام بررسی وضع تبلیغات سیاسی شفاهی
 و طرحریزی اقدامات لازم برای افزایش اثر بخشی آن کمک پژوهشگاههای سوسیولوژیک در ۳۶ موسسه
 از افراد پرسش بعمل آمد و بر پایه نتایج حاصله توصیه نامه های مشخص برای سازمانهای حزبی تهیه
 گردید . بمناسبت آماده شدن موسسات برای برقراری پنج روز کار در هفته کمیته شهری حزب با شرکت
 پژوهشگاههای سوسیولوژیک در ۱۲ موسسه به بررسی این مسئله مشغولست که زحمتشان از مسائلی
 فراغت خود چگونه استفاده میکنند . بر پایه نتایج این بررسی تدابیر مشخصی برای بهبود کار ایدئولوژیک
 و فرهنگی در میان توده ها اتخاذ خواهد شد . کمیته شهری حزب سمیناری از کارکنان شعب امور صنایع
 و حمل و نقل کمیته های حزبی بخشها برای بررسی مسائل مربوط به تهیه برنامه های رشد اجتماعی
 کلکتیوها تشکیل داد . این برنامه ها بصورتی تنظیم خواهند شد که نه فقط رشد تولید بلکه رشد همه
 جانبه کارکنان و ایجاد سطح معلومات فنی و سطح فرهنگ و رشد همه جانبه و هماهنگ شخصیت آنها را
 نیز دربرگیرد . استفاده از پژوهشهای سوسیولوژیک در کار حزبی بطرح این قبیل مسائل کمک میکند .
 برای این کار کمیته های حزبی باید زندگی اجتماعی را عمیقاً بررسی کنند ، با گروههای مختلف
 مردم ارتباط دائم داشته باشند و از کلیه تغییرات دقیقاً مطلع باشند . در این زمینه هنوز باید خیلی

کار انجام گیرد . در عین حال میتوان گفت که اکنون رهبران حزبی و اعضای کمیته هاقبل از اینکه بحل مسائل بپردازند آنها را عمیقتر بررسی میکنند . و طلب دیگری که اهمیت بسیاری دارد اینست که ارگانهای حزبی اکنون طرح تصمیمات خود را هر چه بیشتر در سازمانهای پائین و حتی در سازمانهای اولیه حزبی به بحث مقدماتی میگذارند .

کنفرانسهای تئوریک مخصوص بررسی مسائلی که برای سازمان معین جنبه مهم دارد و با کار اصلی مستقیماً مربوط است اشاعه روز بروز وسیعتر پیدا میکند . ما در اینجا ناظر ترکیب بسیار سود مند تئوری و پراتیک و استفاده از حقایق علمی عام برای تحلیل کارهای روزمره و حل مسائلی که زندگی به پیش میکشاند هستیم . این قبیل کنفرانسهای تئوریک برای بررسی مسائل اقتصادی ، فنی و مسائل ایدئولوژیک و سوسیولوژیک تشکیل میگردد . این اواخر برای بررسی مسائل کار سازمانی حزب نیز کنفرانسهای تئوریک تشکیل میشود . از این قبیل کنفرانسهای علمی مثلاً در استان ریازان تشکیل شد . کمیته حزبی بخش راه آهن (ریازان) یک کنفرانس تئوریک تشکیل داد که بمسئله پاکبازی صفوف حزب و طرح توقعات عالییه در برابر اعضای تازه وارد بحزب اختصاص داشت . کمیته حزبی بخش اسکوپیناد موضوع " برگزینی و تربیت کادرهای پیشوایان که لنین آموخته است " یک کنفرانس علمی برگزار کرد که بسیار پر مضمون بود . در کار آن دبیران سازمانهای اولیه حزبی و روسای موسسات و کلوخوزها و سوخوزها و کارکنان شوراهای اتحادیه ها جمعاً به تعداد ۴۵ نفر شرکت داشتند . بحث بسیار پر شور بود و پیشنهادهای مشخص بسیاری در زمینه بهبود کار با کادرها داده شد .

باید گفت که مسائل مربوط به کار با کادر حزبی اکنون جای مخصوصی در فعالیت سازمانهای حزبی دارد . اصول لنینی که بموجب آن برگزینی کادرها باید بر حسب خصائل سیاسی و علمی آنها انجام گیرد در جهت توجه هر چه بیشتر به نظریات سازمانهای اولیه حزب و کارکنان رشته تولید مربوطه تکمیل مییابد و افراد برای تصدی مقامات مختلف رویهمرفته بر اساس این نظریات پیش کشیده میشوند . قبل از اتخاذ تصمیم برای انتصاب فرد بمقام معین بدقت روشن میکنند که این رفیق چگونه از عهد و کار برمیآید ؟ آیا میتواند میان افراد در کارشان هماهنگی برقرار سازد و آیا بحد کافی اصولی هست یا نه . در این بررسی سازمان اولیه حزب و کارکنان رشته تولید مربوطه شرکت میکنند . بدین طریق رهنمود لنین در شماره علمی بودن و رعایت موازین دموکراتیک بهنگام برگزینی و پیش کشیدن کادرها علمی میشود . این امر همانطور که کنگره ۲۳ خاطر نشان کرده است بهبود کار برگزینی و توزیع و تربیت کادرها و هم سطح شدن این کادر با وظایف عمومی حزب و دولت کمک میکند . برای نمونه سازمانهای حزب کمونیست گرجستان را در نظر میگیریم . در این سازمانها و نیز در سایر سازمانهای حزبی اکنون مطالعه بسیار جدی چگونگی وضع افراد را در محل کارشان طلب میکنند . وقتی برای ریاست کارخانه اتومبیل سازی کوتائیس نامزد انتخاب میکردند دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست گرجستان بسازمان حزبی آن موسسه رفت و نظر اعضای آنرا استفسار کرد . نکات مثبت و منفی هر نامزد سنجیده شد و سرانجام که اتخاذ تصمیم بعمل آمد آن تصمیم بعقیده همگان صحیحترین تصمیم بود .

خصیصه مهم دوران کنونی حیات حزب ما آنست که در تمام سازمانهای آن اصل رهبری جمعی بیش از پیش وسط مییابد و نقش مجامع وسیعتر یعنی پلنوم ها و کمیته های حزبی و جلسات حزبی بالا میرود . تمام مسائل مهم را آنها بررسی میکنند نه ارگانهای اجرائی (بوروها) قبل از تشکیل این پلنوم ها و جلسات مسائل با توجه به اطلاعاتی که از محل رسیده است بررسی میشود . در تمام سازمانهای حزبی

اکنون چه از پائین به بالا و چه از بالا به پائین انفرماسیون داد میشود. ضمناً این نکته اهمیت خاص دارد که از این انفرماسیون برای اتخاذ تصمیمات صحیح و تبادل تجربه در زمینه کار حزبی و رهبری استفاده هرچه بهتری بعمل میآید.

اعضای کمیته ها امکان دارند در جلسات مسائل را بهتر روشن کنند. و پیشنهادها و ملاحظات و تردیدهای خود را بیان دارند. * جملات با اصطلاح وسیع سابق هیچ کمکی باینکار نمیکردند. * این جلسات زمانی بحدی " وسیع شده بودند " که اعضای ارگانهای رهبری، که وظیفه رهبری بآنها سپرده شده بود و مسئولیت این رهبری را بعهده داشتند عملاً در جمع عمومی حضار مستحیل میشدند. * این قبیل جلسات بیشتر به میتینگ شبیه بود تا بجلسات واقعی. * این نمونه هائشان میدهد که تنها تعداد شرکت کنندگان نمودار سطح دموکراتیسم نیست. * اکنون تمام شرایط فراهم است برای آنکه اعضای کمیته ها بتوانند مسائل را مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و نظر خود را صریح و مشروح در جلسات ارگان رهبری بیان دارند.

گسترش بیشتر از پیش دامنه انتقاد و انتقاد از خود نیز که ۲۳ ضرورت آنرا خاطر نشان ساخته است به پیشرفت رهبری جمعی و به تثبیت خصلت کاربری کمک میکند. * در دورانی که ارتقاء سطح فعالیت و مسئولیت که ونیستها ضروریست و وجود نقائص در فعالیت حزب و در سازمانهای جداگانه آن ممکن است تاثیر بسیار دردالودی در حیات جامعه داشته باشد زندگی انتقاد و انتقاد از خود را بعنوان یک خواست حیاتی مطرح میسازد. * حزب با توجه باین نکته خواستار آنستکه جریان کارها طوری ترتیب داده شود که کمونیست مطمئن باشد که تذکرات انتقادی او را بررسی خواهند کرد و در نظر خواهند گرفت و پیشنهادهای صحیح را عملی خواهند کرد. * حزب مواردی را که برخی از رهبران بر حرارت اظهار نظرهای صریح و عدم موافقت با این یا آن پیشنهاد را در جریان طرح بحث پیرامون آن بعنوان عسلن ضد حزب کمونیست اتحاد شوروی و مغرب وحدت حزب وانمود ساخته اند تقبیح میکند. * کمونیست ها بدو مبارزه طیه خفقان انتقاد نمیتوانند مسائل حاد را بطرح جدی و شجاعانه مورد بحث قرار دهند.

با توجه ب ارگانهای حزبی بچگونگی انتقاد و انتقاد از خود در سازمانها و به پیشنهادها و تذکرات کمونیستها توجه هرچه بیشتری معطوف میدارند. * مثلاً در این اواخر تقریباً در تمام سازمانها مسئله بچگونگی اجرای پیشنهادها که طی سال گذشته در جلسات حزبی مخصوص گزارش و انتخاب مطرح شده بود بتفصیل مورد بحث قرار گرفت. * از کمونیستهایی که نقائص کار را شجاعانه برملا میسازند و سوء استفاده هارا فاش میکنند با جدیت هرچه بیشتر پشتیبانی میشود. * کسانی که میکوشند بطور مستقیم یا غیر مستقیم انتقاد کنند گان را موعوب سازند و با لطافت الحیل یا با وعده های بوج از انتقاد طفره ببروند یا واکنش هرچه شدیدتر برپا میکنند. * در تمام سازمانها این رسم معمول میگردد که درقبال هر نامه یا اطلاعی درباره خفه کردن انتقاد باید تحقیقات کاملاً دقیق بعمل آید و از آن نتایج لازم گرفته شود.

کنگره ۲۳ با تمام فعالیت خود و تصمیمات خود بطور مقتضی نشان داد که حزب متشی کاری هرچه بیشتر را در کلیه شئون مجدانه علی میسازد. * شهر انقلابی و کاربری چنانچه با هم جمع باشند وثیقتهامین صفتیت هرچه بیشتر کار حزبی هستند. * تعیین حدود کاملاً دقیق مسئولیت فردی کمونیست ها و از جمله رهبران سازمانها و تقویت و ارسی احراء و الابدن مسئولیت هر فرد در قبال کار مشترک باین امر کمک میکند. * در بسیاری از سازمانها گزارش دادن بجلسات حزب و به پانومها و جلسات پرورد رساره بچگونگی اجرای تصمیمات متخذه و ماموریتها و رسیدگی به تذکرات انتقادی و پیشنهادها جزو واجبات

شد ماست .

حزب میکوشد در تمام ارگانها و سازمانهای خود سبکی برقرار کند که عدم اجرای تصمیم جمعی کلیسی غیر ممکن شود . رهبری بتواند موجبات بسط دامنه فعالیت و ابتکار کمونیستها و استفاده از آنها فراهم سازد و در کار خود به توده ها امتکی باشد . آئین زندگی حزب عبارتست از دموکراسی کامل ، آزادی عقیده ، هنگام شور پیرامون هر مسئله و داشتن انضباط عالی در اجرای تصمیماتی که به اراده اکثریت اتخاذ شد میباشد .



بهبود کار رهبری حزبی پروسه ایست دائمی : اشکال و اسالیب کار رهبری حزبی پیوسته راه کمال می پوید . اکنون زندگی از هرچی از اسالیبهای پیشین هیاهوی کمتری دارد ولی جریان آن نیز زور تراست و تاثیر خود را در تمام شئون نمودار میسازد و نتایج درخشان بیار میآورد . مردم پیش از پیش بگرد حزب متحد میشوند . انتخابات اخیر شورای عالی گواه مقنع این مدعا است هیچگاه به نامزد های جبهه متلفه کمونیست ها و غیر حزبی ها و بی پایه پانزدهم انتخاباتی این جبهه که قرارهای کفگیر ۲۳ حزب کمونیست اتحاد شوروی پایه آنرا تشکیل میدهد اینقدر رای داده نشده بود . مردم اکنون با اطمینان ، با آرامش و با جدیت کار میکنند . صنایع کشور و طایف ششماهه اول برنامه پنجساله جدید را ۱۰۴ درصد اجرا کرده اند . محصولات صنعتی این ۶ ماه در قیاس با همین دوره از سال گذشته ۸٪ بیشتر است . زحمتکشان روستا یعنی کلخوزیان و کارگران سوخوزها با از خود گذشتگی کار میکنند . تقریباً در تمام کشتزارهای کشور حاصل خوب به بار آمده است . برنامه ۶ ماهه اول تولید فرآورده های دامی بیش از میزان مقرر اجرا شده است .

ایشها همه گواه باززیست برای توده های متخذه حزب صحیح است و شرایط لازم برای بسط دامنه فعالیت کمونیستها برای تامین ابتکار کلیه سازمانهای حزبی و فعالیت خلاق توده ها فراهم است . حزب قدرتش را دارد که کلیه شئون حیات جامعه را از نظر ایدئولوژیک و سازمانی کاملتر و عمیقتر رهگیری نماید . تسریع نماید .

حزب ما خود را یکی از واحدهای جنبش جهانی کمونیستی میدانند و کادر رهبری خود و تمام کمونیستها و همه مردم شوروی را با روح انترناسیونالیسم پرولتری تربیت میکند . حزب کمونیست اتحاد شوروی در سراسر فعالیت خود از تجربه احزاب برادر و از تجربه مجموعه جنبش جهانی کمونیستی استفاده میکند .

کار و سرمایه

مسائل کنونی سندیگها

بی برژانسوس

نارضایتی روزافزون و تشدید روحیه پیکارجویی طبقه کارگر و رجات بیشتری که در تمام کشورهای سرمایه داری نمود اراست * در گریههایی که در جریان آن زحمتکشان برخی از کشورهای کامیابیها میبینند و از جمله به کامیابی در زمینه دستمزد نائل میگردد از هر دو طرف شدت بسیار دارد * این حدت مبارزات طبقاتی بار دیگر ثابت میگردد (البته اگر با زحم این مطلب نیاز به اثبات داشته باشد) که سرمایه داری کنونی ، اعم از اینکه در هر سطحی از تکامل باشد قادر به حل تضاد های خود نیست * اوضاع و احوال عینی کار را به توسعه دامنه مبارزات طبقه کارگر علیه انحصارات سرمایه داری همبستگی آوردن خواستههایی میکشاند که محتوی آنها روز بروز عمیقتر میشود *

برای مثال کشورهای سرمایه داری رشد یافته و پیروز اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا را در نظر میگیریم * مادر این کشورهای طی سالهای اخیر پیدایش عوامل جدیدی را در سیاست طبقه حاکمه مشاهده میکنیم * طبقه حاکمه این کشورها میکوشد محضلات کنونی نظام سرمایه داری را با توسل به اسلوهایی جدید بزیان طبقه کارگر و زحمتکشان حل کند * سندیکاهائیزد مقابل با آنها خواستههایی را به پیش میکشند که با شرایط امروزی مطابقت هر چه بیشتری داشته باشد * سندیکاهای بنام سبب تشدید مقاومت سرمایه داران و تجاوز آنان بحقوق زحمتکشان ناچار بر شدت مبارزه خود میافزایند * اقتصادیات غالباً طولانی میشود و در گریهها حدت بیشتری بخود میگیرد * پایه این تغییرات را باید در رشد سرمایه داری انحصاری دولتی که برخی اشکال تازه پیدا کرده است جستجو نمود *

برنامه ریزی سرمایه داری
و " سیاست درآمدها " که برای " برنامه ریزی " اقتصاد بعمل میآید چه اهمیتی قائلند * تدابیر متخذه در این زمینه هم از ضرورت توجه بتأثیر رشد و تغییر سریع کنونی نیروهای مولده (انقلاب علمی و فنی) ناشی میشود و هم از تغییرات وارده در آرایش قوای طبقاتی چه در داخل کشورهای مختلف و چه در عرصه بین المللی * محافل حاکمه یکسلسله از کشورهای اروپای غربی باین نتیجه رسیده اند که " برنامه ریزی " برای سرمایه داری معاصرت اهمیت حیاتی دارد *

ولی سرمایه داران برای تامین موفقیت این " برنامه ریزی " باید استقلال سازمانهای کارگری را بشدت متحد و بکنند * تمایلات آنها اینست که بکمک دستگاه برنامه ریزی سرمایه داری و کمک خود اندیشه آن سندیکاهاران در سرمایه داری انحصاری دولتی ادغام کنند * بطور مشخص سخن بر سر جلبت موافقت سازمانهای کارگری با هدفها و اوج برنامه ریزی سرمایه داری بر این اساس تامین شرکت آنها در مکانیسم

این برنامه ریزی است. معنای این سخن هم طبیعاً اینست که سند یکاها باید از اقداماتی که برنامه ریزی سرمایه داری را دچار اختلال کند و عبارت دیگر از آزادی خود دوام پیش کشیدن خواسته های اقتصادی "دوطلبانه" خود داری کنند.

با اصطلاح "سیاست درآمدها" در این زمینه اهمیت قاطع دارد. بموجب این سیاست دولت در چهارچوب برنامه ریزی سرمایه داری برای افزایش دستمزدها در کلیه رشته های اقتصاد حد نصاب معین میکند. تقریباً در تمام کشورهای اروپای غربی (ها که تغییر شکل در امریکا نیز) ما ناظر این تلاشها هستیم.

ولی وقتی حد نصاب و آنهم حد نصاب بسیار ناچیز افزایش دستمزدها دقیقاً معین شده باشد دیگر از استقلال و خود مختاری سازمانهای کارگری چه چیزی باقی میماند؟ "سیاست درآمدها" با چنین توصیفی اگر بطور پیگیر اجرا شود استقلال سند یکاها را از بین میبرد و عملاً بنیان آنها را سست و موجودیت آنها را بی محتوی میسازد. طبقه کارگران از امکانات خود محروم میشود و دیگر نمیتواند با اتکا به نیروی خویش طبقه کارفرمایان مبارزه اقتصادی انجام دهد. و اما سازمانهای کارگری در مقابل همه اینها چه چیزی دست خواهند آورد؟ فقط صورت ظاهر شرکت در کار "برنامه ریزی" و صورت ظاهر محدودیت "دوطلبانه سرمایه داران".

موافقت سند یکاها با "سیاست درآمدها" ی سرمایه داری معنایش آنست که سند یکاها با تقسیم کنونی "حقوق ملی" میان زحمتکشان و سرمایه داران موافقت کنند. علاوه بر این با افزایش قیمتها که علی القاعده سریع انجام میگردد محدود کردن افزایش دستمزدها به "میزان" مقرر در "سیاست درآمدها" موجب افزایش سهم سرمایه خواهد شد.

زحمتکشان و سند یکاها در اکثریت خود "سیاست رسمی" درآمدها را رد میکنند. حتی در مواردی هم که مرکز سند یکائی فی المثل در انگلستان "سیاست درآمدها" را بطور صوری تایید میکنند سند یکاهای عضو آن و کسانی که بر علیه این تایید رای داده اند برخلاف اصول این سیاست مبارزه را قطع نمیکند. سیر حوادث در کشورهای غربی من حیث المجموع گواهی بر آنست که مخالف حاکمه نتوانسته اند موافقت دوطلبانه سند یکاها را برای قبول قید و بند های "سیاست درآمدها" جلب کنند.

ظاهراً خود آنها هم باین کار امید جدی نداشته اند. همزمان با تلاشهایی که طبق گفته امریکائیها برای "فروش" "سیاست درآمدها" پسند یکاها بعمل آمد دولت های سرمایه داری از مجرای قانون گذاری نیز تعرض خود را بحقوق سند یکاها نشاند کردند. در یک سلسله از کشورهای مهم اکنون قوانین محدود کننده حق انحصار و سایر آزادیهای سند یکائی بتصویب رسیده و با بناسیت نقشه هائیکه که بورژوازی دارند برای بتصویب رساندن چنین قوانینی مبارزه بعمل میآید. در بسیاری از موارد ایسین اقدامات قانونگذاری با "سیاست درآمدها" ارتباط مستقیم دارد.

علاوه بر آن مخالف حاکمه به اتخاذ "تدابیر فوق العاده" (اعلام وضع فوق العاده در انگلستان هنگام انحصار ملوانان و نیز اعلام حکومت نظامی و تشکیل "فرماندهی مرکزی" برای حفظ نظم در هلند) و تحقیر سند یکاها از طریق دادگاهها (مثلاً در امریکا بمناسبت انحصار کارگران حمل و نقل نیویورک و انحصارات کارگران راه آهن) متوسل میشوند. در جمهوری فدرال آلمان مخالف حاکمه علاوه بر همه اینها برای تضعیف قدرت سند یکاها و تخریب مبارزات آنها در راه تامین منافع زحمتکشان نیز میکوشند قوانین فوق العاده را از تصویب بگذرانند.

تمام اینها جزئی از اجزای نقشه عمومی مسخ و عقیم ساختن سند یکاها بعنوان سازمانهای طبقاتی مستقل پروتاریا و ادغام آنها در سیستم سرمایه داری انحصاری دولتی است .
سند یکاها در عین مبارزه طبعی این نقشه ها برخلاف آنچه که گاهگاه از طرف مخالفین آنها جلوه داد میشود بهیچوجه با هرگونه برنامه ریزی مخالفت ندارند بلکه خواستار برنامه ریزیهای هستند که با منافع زحمتکشان مطابقت داشته باشد و مواضع آنها را در جامعه تحکیم کند .

انقلاب علمی و فنی

۲ سند یکاها

بسط دامنه مبارزه میان طبقه کارگر و سرمایه داران وسیله و اسلحههایی که هر یک از طرف دردوران مابکاز میبرد از بسیاری جهات ناشی از عواقب اجتماعی پیشرفت سریع علم و تکنیک است .
هم عواقب اجتماعی و اقتصادی مستقیم پیشرفت فنی و هم تغییراتی که در اثر این امر در استراتژی و تاکتیک سرمایه روی داده است مسائل جدید بسیاری را برای طبقه کارگر و سند یکاها بوجود میآورد .

مشکلات ناشی از خودکار شدن تولید کشورهای سرمایه داری در امر یکاها ذات خاص دارد .
جهت بررسی نتیجه گیریهای گزارش کمیسیون که کنگره آمریکا برای رسیدگی به وضع تکنیک و خودکار کردن تولید و پیشرفت اقتصادی تشکیل داده بود شایان توجه است (این گزارش در سال جاری در امریکا انتشار یافت) در این کمیسیون سمنایند سند یکایی از سازمان متحد ه قدراسیون کار آمریکا - کنگر سند یکاهای تولیدی " و ۱۱ عضو دیگر (کارفرمایان ، استادان و دانشیاران دانشگاهها و غیره) شرکت داشتند . البته این گزارش بطور کلی بر اصول سرمایه داری انحصاری متکی است ، ولی برخی از عواقب اجتماعی خودکار کردن تولید را که بدست انحصارات انجام میگردد نشان میدهد .

رئیس کمیسیون در مقدمه گزارش مینویسد : " علت دشواریهایی که بخش بزرگی از اهالی سیاهپو کشور با آن دست پگریانند - انقلاب فنی در کشاورزی است . . . تعطیل موسسات کهنه شده که معلول تغییرات فنی و اقتصادی است - در برخی موارد سراسر اهالی یکسلسله از مناطق را بقره حکومت کرده است . . . در سال ۱۹۶۳ قریب ۳۵ میلیون نفر از زحمتکشان از حد اقل معاش محروم بودند ."
کمیسیون اعلام کرده طی سالهای اخیر افزایش یازده کار بمناسبت انقلاب فنی بحدی زیاد بوده است که " هر سال برای تولید کالا به میزان معادل سال قبل - ۲ میلیون کارگر کمتر از آن سال لازم آمده است . . . با آنکه تقاضا اندکی افزایش یافته است این افزایش برای ایجاد توازن میان افزایش همزمان یازده کار و نیروی کار کافی نبوده است " .

در کشورهای سرمایه داری دیگر بطور یکصد انیم پیشرفت فنی عجلتاد برخی از رشته ها و واحدهای موجب بیکاری شده مضافاً بر اینکه در مورد تامین بودن کار هم عدم اطمینان عمومی بوجود آورده است .
مشکل بیکاری ناشی از پیشرفت فنی بیشتر از پیش آشکار و همه گیر میشود .

نمایند " قدراسیون کار آمریکا - کنگره سند یکاهای تولیدی " و سه عضو دیگر کمیسیون اعلام کردند که : " ما اعتقاد راسخ داریم که شکل معینی از برنامه ریزی دولتی دموکراتیک برای امریکا ضروریست . . . نیروهای کوریازار دیگر قدرت مقابله با مشکلات به رنج جامعه کنونی را ندارند " .
بدینسان نتایج انقلاب علمی و فنی کار را بجای میرساند که حتی رهبران سازمان " قدراسیون کار آمریکا کنگره سند یکاهای تولیدی " ایمان خود را به " کارفرمای آزاد " که تاکنون همیشه مورد پشتیبانی آنها بوده است از دست میدهند .

این مسئله عام که چه تدابیری باید اتخاذ کرد تا انقلاب علمی و فنی برای زحمتکشان و تمام جامعه ایجاد خطر نکند بلکه بمسود آنها تمام شود در ردیف مسائل مشخص قرار گرفته است .
 توسعه پروسه خودکار کردن تولید در برخی از رشته ها چگونگی تاکتیک مبارزه سندیکائی و در درجه اول احتساب را بیک مسئله حادث بدل کرده است . وقتی تعداد کارگران شاغل در یک رشته تولید کاهش میابد جلوه گیری از متوقف ساختن کار برای کارفرمایان آسانتر میشود زیرا چون خلصت کار تغییر کرده است کارفرمایان میتوانند برای ادامه کار از وجود عدد کمی تکنیسین یا کارمند استفاده کنند . مواردی پیش آمده است که کارفرمایان توانسته اند کارگران احتسابی را در موسسات خود کار شده یا شکست مواجه سازند - بخصوص در امر یکای شمالی که پروسه خودکار شدن رشد بیشتری پیدا کرده است . مثلا هنگام احتساب کارگران ^۳ ایروینگ ریفاینر ^۴ در کانادا (که یکی از پالشگاههای کاملاً خودکار شده است) مدیریت کارخانه توانست طی مدت ۶ ماه تولید را بکمک مهندسان و تکنیسین ها بکارمندان ادامه دهد .

جنبش سندیکائی^۱ باید از چنین وضعی در سهای لازم بگریزد . مثلا روشن است که سازمسان سندیکائی با این احتیاج روز افزون روبرو است که شاغلین کارهای غیر جسمانی یعنی اسنادکاران ، تکنیسین ها ، مهندسان و کارمندان را نیز در بر داشته باشد . باید وحدت گروههای مختلف زحمتکشانش را در کلیه اقداماتی که برای برقراری تماس و اتحاد میان آنها در دوران تدارک قرارداد های دسته جمعی و هرگونه فعالیت دیگر در نظر گرفته میشود - تامین کرد .

یکی از مسائلی که انقلاب علمی و فنی بان جنبه بمبارحاح میدهد آموزش حرفه ای و تغییر و تجدید تخصص کارگران و کارمندان است . تبعیض در حقیقت در این زمینه شدید تر از تبعیض در زمینه آموزش عمومی است . در نتیجه محدودیت عرصه آموزش تولیدی بخش بزرگی از جوانان یا بیکار میمانند و یا مجبور میشوند بکارهای فاقد جنبه تخصص تن در دهند (که بموازات پیشرفت فنی خطرات واقعی بیکاری آنها سوارا تهدید میکند) . در همین حال حدود تخصص حرفه ای کسانی که آنها کسب میکنند طی القاعده بسیار تنگ است و پایه تئوریک آن بحدی نیست که موجبات دمساز شدن سریع با تکنیک مدرن را بنحویکه در شرایط کنونی ضروریست فراهم سازد .

خلصت سیستم آموزشی و عملیات حرفه ای روبرو گرفته باید تغییر کنند . باید سیستم دموکراتیکسی بوجود آورد که راه آزادانه تحصیل را بروی تمام جوانان بگشاید و این راه بحد کافی وسیع باشد تا جوانان بتوانند استعداد های خود را تمام و کمال بمنصه ظهور برسانند و از حرفه ای که خود انتخاب کرده اند بهره مند شوند . حصول این مقصود وظیفه جنبش سندیکائی است .

سندیکاهای مناسبت رشد پروسه خودکار شدن تولید خواستار کاهش ساعات کار هستند (این امر خطر اخراج را کمتر خواهد کرد و قسمتی از ثمرات خودکار شدن تولید را عاید کارگران خواهد ساخت) . علاوه بر این سندیکاهای خواستار آنند که خسارت وارده بر کارگران در اثر از دست دادن کار بحد کافی جبران شود . موجبات تغییر و تجدید تخصص آنها بخرج دولت یا صاحب موسسه با حفظ دستمزد کامل تامین گردد . برای دریافت کار جدید یا تهاکمک شود ، هزینه تامین مسکن و مخارج انتقال آنها از یک محل بمل دیگر تامین گردد و غیره . قانون مصوبه در انگلستان در باره جبران خسارت ناشی از اخراج از کار که از دسامبر سال گذشته جاری شده است با وجود برخی نقائص آن موفقیت معینی است که زحمتکشان در این زمینه بدست آورده اند .

بدینسان هدف مبارزه زحمتکشان و سندیکاها در شرایط پیشرفت سریع علمی و فنی ارضاً بسیاری از خواستههای آنهاست . این مبارزه علیه بیکاری و طبعه افزایش شدت کار و فشار جسمی ناشی از آن و مسود بهبود شرایط ایمنی کار و افزایش دستمزد انجام میگردد . در عین حال کارگران و سازمانهای آنها برای تامین شرکت خود در حل مسائل مربوطه به درجه بندی حرفه ای ، تقسیم کار ، اسلحههای کار و تمام سازمان تولید ، استخدا م و اخراج کارگران و کارمندان و غیره یعنی در حل مسائلی که کارفرمایان آنها را صرفاً در صلاحیت خود میدانست ، کوشش بعمل میآورند .

طی سالهای اخیر در اروپای غربی و امریکای شمالی سندیکاها خواستار آن شدند که قرارداد های دستجمعی این مسائل را نیز در برگیرند . یعنی این مسائل مشمول مذاکره یا شدند نه اینکه حل آنها بطور انفرادی انجام گیرد . در امریکا و ایتالیا (اگر بخوایم همین دو کشور را نام ببریم) این مسئله در رشته های کلیدی صنایع موجب درگیریهای بزرگ و شدید با کارفرمایان شد .

مبارزه در راه تامین حقوق کمیته های موسسات (یا ارگانهای مشابه دیگر مثلاً کمیته های شومپ استواردهائی در انگلستان) با این موضوع ارتباط نزدیک دارد . این ارگانها که توسط کارگران در کارگاهها و کارخانه ها انتخاب میشوند میکوشند خود سری کارفرما را محدود کنند و از جمله خواستار آنند که در مورد بیکاری در انواع نوآوریهای فنی یا آنها مشورت شود .

نفوذ سازمانهای کارگری در عرصه های سرمایه داران همیشه آنرا قرق گاه خود میسرند بسبب باعث ترس و دلبره کارفرمایان است . اعلامیه سال گذشته شورای ملی کارفرمایان فرانسوی در باره اینکه در رشته رهبری امور موسسات اختیارات قابل تقسیم نیست * از این لحاظ جالب توجه است . سرمایه داران آلمان غربی و کشورهای دیگر بارها در همین جهت اظهار نظر کرده اند .

طی برای آنکه انقلاب علمی و فنی بمسود زحمتکشان تمام شود تنها مبارزه برای محدود ساختن اختیارات کارفرمایان در موسسات کافی نیست . باید برای انجام دیگر گونیهایی عمیق و اصلاحات دمویکرا ضد مونوپولیستی در یکسلسله از عرصه ها نیرکوشید .

سندیکاها

شاغلین کارهای غیر جسمانی

انقلاب علمی و فنی موجب تغییرات مهمی در ترکیب نیروی کار شده است .

در رشته های جدید صنایع که بسرعت رشد میکنند نظیر رشته های اتمی ، کیهان نوردی ، الکترونیک ، شیمیائی و غیره نسبت شاغلین کارهای غیر جسمانی و از جمله کارکنان علمی و مهندسان و تکنیسینها بیش از سایر رشته ها است . در عین حال در بسیاری از کشورهای در برخی از رشته های صنایع پیک (بافندگی و غیره) و در رشته استخراج زغال راه آهن که نسبت شاغلین کارهای جسمانی زیاد است - میزان اشتغال بسرعت کاهش یافته باید .

تعداد شاغلین کار غیر جسمانی (کارمندان) در قیاس با شاغلین کار جسمانی بسرعت افزایش میپذیرد . در امریکا طبق برخی محاسبات در برابر هر سه شاغل کار جسمانی دو نفر شاغل کار غیر جسمانی وجود دارد . در انگلستان در آغاز سالهای پنجاهم نسبت کارمندان یک چهارم مجموعه زحمتکشان بود . ولی در آغاز سال های شصتم این نسبت به یک سوم رسید . در فرانسه و کشورهای اسکاندیناوی نیز وضع بر همین منوال است . افزایش تعداد مهندسان و تکنیسینها بخصوص خیلی سریع است . در فرانسه از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۲ تعداد مهندسان ۷۴٪ ، تکنیسینها ۸۱٪ و کادرها * (یعنی مدیران طراز یائین) ۶۰٪ افزایش یافته است . در سایر کشورهای سرمایه داری رشد یافته نیز همین

تغییرات روی میدهد .

در عین حال تفاوت میان خصلت کارکارگران و کارمندان نیز کمتر میشود و یکی از علل این امر آشنایی شدن و خودکار شدن روزافزون پروسه تولید است . درآمد و تا اندازه ای وضع اجتماعی توده کارمندان بطور مشهود بحقوق و وضع اجتماعی کارگران نزدیک میشود . امتیازات دیرین کارمندان بتدریج از بین میرود . بالتبع در بسیاری موارد برای آنها هم همان مساعلی مطرح میشود که برای کارگران مطرح است .

رشد شعور اجتماعی شاغلین کارهای غیر جسمانی در سالهای اخیر عمومیت پیدا کرده است . نمونه این تحول اظهاریه اخیر کنگره سندیکای " کادرها " ی عضو سازمان " فرس اووریه " فرانسه است که در آن گفته میشود که " کادرها " ی عضو این سازمان نیز مانند " کادرها " ی عضو کنفدراسیون کل کار و کنفدراسیون دمکراتیک کار در فرانسه طرفدار پیوستن به جنبش کارگری هستند . کارمندان پیش از پیش در مبارزات طبقه کارگر شرکت میکنند . وظیفه جنبش سندیکایی اینست که از مجاهدات آنان پشتیبانی کامل بنماید و آنها را بفعالیت مجموعه طبقه کارگر نزدیک سازد .

و اما خواستههای عدله آنها ن کدامست ؟

این خواستهها قبل از هر چیز عبارتند از برقراری تناسب عادلانه در زمینه دستمزدها بنحویکه در کلیه درجات متناسب با کار آزمودگی و تجربه دستمزدها کافی پرداخت گردد ، تامین امکانات تضمین شد برای ترفیع و نیز تضمین کار ، واگذاری حق کامل برای انجام مذاکرات دستجمعی و متحد شدن در سندیکاهای تضمین شرایط کار بنحویکه قرارداد دستجمعی تصریح شده باشد ، ایجاد سیستم های لازم آموزش تحت نظر سندیکاهای برسمیت شناختن حق ادامه آموزش حرفه ای بمنظور بالابردن سطح تخصص و آشنا ساختن کارگران بانوآوریهای فنی در همان ساعات کار ، کاهش ساعات کار .

تبعیض در حق زنان در رشته های کار غیر جسمانی عمومیت دارد . عده کمی از زنان باین حرفه ها دسترسی دارند . میزان متوسط حقوق زنان از حقوق همکاران مرد آنها خیلی کمتر است . مثلاً در فرانسه فقط ۳۷٪ از همبندسان زن هستند و میزان متوسط حقوق آنها طبق آخرین تحقیق رسمی سال ۱۹۶۳ یک سوم از حقوق مردان کمتر است . علت این امر تا حدودی این است که زنان میتوانند فقط کارهای معینی را انجام دهند (کار در آزمایشگاهها ، برنامه ریزی برای تولید ، حسابداری و غیره) سندیکاهای برای رفع این تبعیض مبارزه میکنند .

مسائل دیگری هم هست که برای کار غیر جسمانی در کشورهای مختلف عمومیت دارد : مثلاً حق کارمندان در مورد دستگاهها شبکه در ساعات کار اختراع کرده اند .

هیچیک از این خواستهها بطور غیرفعال به پیش کشید نمیشود . مهندسان و تکنیسین ها و کارمندان در صورت ضرورت با قدامت فعالانه دست میزنند . نمونه آن مثلاً در فرانسه عبارتست از مطالبه افزایش حقوق در کارخانه های " تامسون هاستون " ، اعتراض به اخراج و مطالبه ملی کردن در موسسات کمپانی " بول " ، مطالبات کارکنان موسسات " شوسون " و " استیکما " و کارخانه های " فورتینگدن " در انگلستان سندیکاهای متحد کننده این گروهها عده زیادی انحصار با مطالبه افزایش حقوق و پرداخت حقوق ایام مرخصی و غیره ترتیب دادند . سندیکاهای طراحان چندی پیش در یک مبارزه انحصاری طولانی علیه رسم معمول کارفرمایان در مورد ارجاع کار به افراد خارج از موسسه به پیروزی رسیدند . در همان حال که در برخی از رشته های صنایع که پیش از همه کارگر و کارمندان دارند تعداد شاغلین

کار جسمانی عضو سند یگاها بموازات کاهش تعد ادکل شاعظین در این رشته هاتقلیل می یابد ، شاعظین کار غیر جسمانی در بسیاری موارد وارد سند یگاها میشوند ، کارکنان علمی ، تکنیسین ها و "کادرها" بخصوص از این زمره اند ، تعد اد سازمانهای آنها بمرعت افزایش می یابد ، مثلا تعد ا اعضای سند یگای تکنیسین های انگلیسی و کارکنان رشته های خویشاوند (شرکت متصدیان کنترل و مدیران و تکنیسین ها) طی پنج سال اخیر دهرتبر شده است .

این گروههای زحمتکشان با ورود به صفوف سند یگاها اجرای سیاست اثربخشتری را مطالبه میکنند . مثلا در انگلستان که کنفدراسیون کار بریتانیا بسیاری از سند یگاها تحت فشار دولت لیبرلیست از "سیاست درآمدها" پشتیبانی کردند ، اتحادیه تکنیسین ها و "کادرها" و کارکنان علمی سازمان مشترکی برای مبارزه با این سیاست تشکیل داده اند . وظیفه این سیاست مجدانه فعالیت میکنند . همین سند یگاها اعتراض خود را به تجاوز امریکا به هتنام و پشتیبانی خود را از توسعه روابط با سند یگاها ی کشور های سوسیالیستی و غیره ابراز داشتند .

البته همه سازمانهای شاعظین کار غیر جسمانی (و نیز اعضای آنها) مواضع مترف ند ارنند . تقزایش نسبتکارند ان مسائل تازه ای برای جنبش سند یگائی بوجود میآورد و دشواریهای صحنی ایجاد میکند و این جنبش را بجهتجوی طرق واسلمهای جدید فعالیت و ادار میسازد . ولی در نتیجه ورود شاعظین کارفکری یعنی دانشوران و فرهنگیان بصفوف جنبش سند یگائی این جنبش قوت میگیرد زیرا قشرهای وسیعتری را در بر میگیرد و اقوی و منافع آن وسیعتر میشود . در مبارزه ای که در شرایط انقلاب علمی و فنی و سرمایه داری انحصاری دولتی و " برنامه ریزی " انجام میگیرد سند یگاها میتوانند به میزان بیشتری به معلومات تخصصی مهندسین و اقتصاد دانان و دانشمندان که اکنون اهمیت بسیار زیاد ا دارند متکی شوند . جنبش کارگری برای ارائه طرق دموکراتیک و ضد مونوپولیستی حل مسائل مرکب کشورهای سرمایه داری و برای مبارزه در راه علمی شدن این طرق امکانات فراوان بدست میآورد .

نقش جدید

از این بحث دید میشود که سند یگاها در مبارزه خود برای

تأمین منافع زحمتکشان اکنون با اوضاع و احوال تغییر یابندهای

رهورهستند ، ما قبلا سه عامل جدید را نشان دادیم :

برنامه ریزی سرمایه داری و " سیاست درآمدها " انقلاب علمی

و فنی و تغییر ترکیب نیروی کار که نسبت شاعظین کار غیر جسمانی در آن افزایش می یابد .

باین تغییرات که در درجه اول به سند یگاها ی کشورهای سرمایه داری در حال رشد مربوط است باید یک تغییر دیگر

را هم افزود و آن تشدید تجاوزکاری امپریالیسم و در درجه اول امپریالیسم امریکاست و این امر حد اقل

باین علت که خطر جنگ جهانی خانمانسوز را شدت میدهد با منافع زحمتکشان و سند یگاها ی تمام کشورها

بدون استثنا تماس پیدا میکند .

مجموعه این تغییرات وارد د اوضاع و احوال علمی که فعالیت سند یگاها درون آن انجام

میگیرد ایجاد میکند که سند یگاها به ایفای نقش جدیدی با دامنه وسیعتر میروند . این تغییرات

به سند یگاها اجازه نمیدهد که سیاست دولت را پدید آید ، ای مستقل از خود تلقی کنند بلکه آنها را و ادار

میسازد که مجدانه تر با پیگیری بیشتری بکوشند تا مشی دولت را در یکمسئله از مسائل بسود زحمتکشان

تفسیر دهند .

در شرایطی که دولتها انجام وظایف وسیعتری را در زمینه تنظیم اقتصاد بسود سرمایه بهمهسد

میگیرند و " سیاست درآمدها " را اعمال میکنند و پیش از پیش در مبارزه کارگران علیه کارفرمایان مداخله مینمایند - مبارزه اقتصادی سند یگاها بطور عمده رنگ سیاسی بخود میگیرد . مراکز مسند یگانی کشورهای اروپای غربی که نسبت به " سیاست درآمدها " نظر منفی ابراز داشته اند با این حال بعرضه سیاست دولت حمله کرده اند . موارد محسوستر این حمله زمانیهست که سند یگاها باتوسل به اعتصاب سیاست اقدامات دیگر میکوشند دستمزد را افزایش دهند و آنرا از " میزان " دستمزدهائی که دولت در " سیاست دولتی درآمدها " مقرر داشته است بالاتر ببرند .

بطور کلی رشد سرمایه داری انحصاری دولتی اکنون کار را بد آنجا کشانده است که سند یگاها ضمن طرح خواستههای مشخص اقتصادی یعنی افزایش دستمزد برای گروه بزرگی از حمتکشان ، جلوگیری از تعطیل فلان یا بهمان موسسه و غیره بعرضه سیاست دولتی (و در درجه اول بعرضه سیاست اقتصادیک دولت) حمله میزنند . در این شرایط سند یگاها روز بروز امکان کثرتی پیدا میکنند به آنچه که اصطلاحات " سند یکالیم خالص " یا " تردیوشینوسیم خالص " نامیده میشود اتفاقا کنند . پیروی از این نظریه امروز بخصوص عرصه فعالیت سند یگاها را محدود میکند و امکان دفاع مجدانه از منافع زحمتکشان را از آنها سلب مینماید .

نکته جالب اینستکه منطبق مبارزه اقتصادی علیه کارفرمایانی که اکنون بیش از هر زمان ازدولست پشتیبانی میکنند برخی از رهبران سند یگانی حتی رهبران جناح راست را وادار میسازد خواه نساخواه سیاست دولت را مورد تردید قرار دهند . نمونه بارز آن جنبش سند یگانی امریکا است که در آن همه و از آنجمله رهبری " قدراسیون کار امریکا - کنگره سند یگاها تولیدی " با میزان حد اکثر ۳٪ افزایش دستمزد که رئیس جمهوری جانسون معین کرده است مخالفت دارند . این نخستین تصادمی بود که پس از چند سال با سیاست دولت پیدا شد . ج . مینی در فوریه سال جاری شخصا اعلام کرده که " سیاست صحت گوری " رانعی هستندیم . . . این سیاست مذکرات دستجمعی را از بین میبرد . "

بطوریکه دیدیم انقلاب علمی وقتی در همین صفت پیش میرود و سند یگاها را چه بخواهند و چه نخواهند در برابر ضرورت مداخله در مسائل سیاست دولتی قرار میدهد . بدیهیهست که سند یگاها نمیتوانند نسبت به تحولاتی که در بعضی از رشته های صنعت انجام میگیرد و نسبت به اسلوب های جدید تکنولوژیک که در این رشته ها بکار میرود بی احتیاط بمانند . مثلا وقتی یکسلسله از رشته های صنایع در معرض خطر قرار میگیرند سند یگاها راه حلهای مثبت برارزشی ارائه میدهند و بطریق نه فقط از منافع اعضای خود بلکه از منافع ملی نیز دفاع میکنند .

دامنه وظائف سند یگا پیوسته وسیعتر میشود و سند یگاها دیگر نمیتوانند بعرضه فعالیتی که تاکنون مرسوم آنها بوده است یعنی مبارزه برای گنجاندن بهترین شرایط ممکن در قرارداد های دستجمعی با کارفرمایان اکتفا هرزند . بمیزان بالا رفتن نقش دولت در عرصه اقتصاد و همراه با توسعه دامنه پیشرفت علمی وقتی بیش از پیش مسائلی پیمان میاید که آنها را نمیتوان در چارچوب قرارداد دستجمعی حل و فصل کرد بلکه حل آنها باید در مقیاس عمومی کشور انجام گیرد . این امر بمسائل صرفا اقتصادی و مثلا به سوق سرمایه گذاری به این یا آن رشته و نیز بمسائلی نظیر آموزش عمومی و خدمات پزشکی و تامین حقوق بازنشستگی مربوط است .

در تمام این رشته ها سند یگاها ی پیشرو میکوشند تصمیمات خود را علیه انحصارات مطرح کنند و دولت را بقبول آنها وادارند . در عین حال برای توسعه اختیارات سند یگاها در موسسات و نیز برای

توسعه اختیارات آنها در مقیاس محلی و منطقه ای و سرمایه کشور مبارزه بعمل میآید .
 ملی مطلب سیاست اقتصادی ورشته های مربوط باین سیاست محدود نمیشود . سند یکاهای
 بسیاری از کشورهای تازه ای ترین سازمانهای زحمتکشان هستند در دفاع از دموکراسی سیاسی و
 حقوق و آزادیهای مردم و در مبارزه برای توسعه دامنه آنها شرکت فعال دارند . کنگره راسیون و
 کل کار فرانسه در پیچ توده ها برای برانداختن رژیم حکومت فردی و استقرار دموکراسی واقعی بطور
 فعال شرکت میورزند . کنگره راسیون کل کار ایتالیا با آنها باتفاق تمام دموکراتهای ایتالیاییه عملیات
 ثغرفراشیستی و دفاع از دموکراسی و توسعه آن مبارزه کرده است . اتحاد سند یکاهای آلمان در کنگره
 اخیر خود بار دیگر مخالفت خود را با " قوانین فوق العاده " ای که دولت پرن می خواهد آنها را
 بمردم آلمان غربی تحمیل کند ابراز داشته اند . در اسپانیا کمیسیونهای کارگری که نیمه مطلق فعالیت
 میکنند و منطقه سند یکاهای طبقاتی آزاد را تشکیل میدهند یکی از نیروهای صده ای هستند که برای
 سرنگون ساختن دیکتاتوری فرانکو برای استقرار دموکراسی در کشور مبارزه میکنند . سند یکاهای
 یونان علیه بند و محنت های دربار سلطنتی و ارتجاع که هدف آن اختناق محدود دموکراسی است مبارزه
 کرده اند .

در زمینه سیاست بین المللی نیز وظایف بسیار مهمی در برابر سند یکاهای قرار دارد ، زیرا وقتی خطر
 جنگ خانمانسوز شدت مییابد و هزاران نفر در رویت نام بدست امپریالیستها و همدستان آنها نابود میشوند
 سند یکاهای نمیتوانند حاشیه نشین بمانند . میلیونها زحمتکش عضو سند یکاهای علیه این عملیات نیز باید
 با قطعیت تمام مبارز کنند .

بدینسان چه در زمینه داخلی و چه در زمینه بین المللی - سند یکاهای وظیفه دارند برای محدود
 ساختن قدرت اقتصادی و سیاسی انحصارات بکوشند و در برابر سیاست انحصارات ، سیاستی را که
 پاسخگوی منافع زحمتکشان و توده های بزرگ مردم است قرار دهند . ششمین کنگره جهانی سند یکاهای
 در اکتبر سال ۱۹۶۵ ضمن نتیجه گیری از تجارب کشورهای مختلف اعلام داشت که : " برای وارد ساختن
 ضربت قاطع بر قدرت اقتصادی انحصارات برای ملی کردن رشته های کلیدی اقتصاد و تامین رهبری
 دموکراتیک در این رشته ها و نیز ملی کردن شرکت های خارجی بعلاوه اهمیت خاصی که این شرکت ها
 برای اقتصاد و پژوهشهای علمی دارند و همچنین برای قبولاندن برنامه های رشد اقتصادی و اجتماعی
 که باید بر پایه دموکراتیک تنظیم گردد و تحت کنترل دموکراتیک بسود زحمتکشان و توده های مردم
 عملی گردد - با سرسختی تمام مجاهدت ورزید " .

وحدت -

حکم زمان است

شرایط کنونی رشد جنبش سند یکایی با قاطعیت هر چه
 بیشتر مسئله وحدت را مطرح میسازد . قدرت انحصارات ،
 تأثیر دائمی افزایش آنها در امور کشور ، تمرکز روز افزون ، ایجاد
 " بازار مشترک " انحصاری دولتی بوحدهت زحمتکشان -
 هم در داخل کشور و هم در عرصه بین المللی مفهوم تازه ای میبخشد .

این شرایط دشوار تر و سفر تجربی مبارزه کارگران تحکیم وحدت را بخصوص برای ارضای مبرمترین
 و عاجلترین خواسته های طبقه کارگر بیک امر ضروری بدل میسازد . ولی بطوریکه دیدیم وجود این
 شرایط تازه ای را مطرح میسازد که عبارتست از طرح و اعلام خواسته هایی که دارای خصلت عمیقتر
 و درجهت نفی قدرت اقتصادی انحصارها باشند .

این ابراز نظر یعنی بنوع خود بمسئله وحدت حدت بیشتری میبخشد . برای آنکه سند یکپا شوند برنامه های دموکراتیکی را که خود تنظیم کرده اند به انحصارات بقبولانند جنبش خود ای باید دامنه وسیع بخود بگیرد و وحدت تشکلی طبقه کارگر از نظر کیفی بمسطحی عالیتر از آنچه که برای ارضای خواست های روزمره لازم است ارتقا یابد . سازمانهای عضو کنند راسیون بین المللی سند یکاهای آزاد و کنند راسیون بین المللی سند یکاهای مسیحی و سند یکاهای مستقل نیز در مقابل سیاست انحصارات خط مشی های دموکراتیک مطرح میسازند .

ولی نمیتوان بطرح این خط مشی های دموکراتیک اکتفا ورزید و از تجسس طرق و وسایل لازم برای تحقق آنها ظفره رفت . در کشورهای که دارای چند مرکز سند یکایی هستند کد امیک از آنها میتواند بعنوان برنامه تنظیمی خود را در مورد اصلاحات دموکراتیک بقبولاند ؟ حصول این مقصود فقط بامساعی مشترک امکان دارد . علاوه بر این باید با سایر کشورهای مردم نیز که تحت استثمار انحصارات هستند اتحاد محکم برقرار ساخت . در چنین صورتی پرتوتازه ای روشنی پیشروا وحدت خواهد شد .

بیش از پیش روشن میشود که این تنها راهی است که برای استقرار دموکراسی وسیع وجود دارد . وظایف جدیدی که در برابر سند یکاهای کشورهای سرمایه داری قرار میگیرد در عین حال انگیزه جدیدی هستند برای تامین وحدت و شالوده ریزی همکاری آیند که ضرورت آن روز بروز بیشتر میشود . هم اکنون کامیابی های ولو اندک بدست آمده است . در فرانسه کنند راسیون کل کار فرانسه و کنند راسیون دموکراتیک کار فرانسه برای نخستین بار بر سر برنامه مشترک مبارزه بموافقیت رسیده اند . در بلژیک جنبه مشترک سند یکاهای مختلف المسلك تحکیم می پذیرد . در فنلاند برای احیای وحدت سند یکایی در مقیاس سراسر کشور کامیابی مهم بدست آمده است . در اسپانیا زحماتشان بیرون نماند و نظریات مختلف و همبزه کمونیستها و کاتولیک ها متحد اد ر کمیونیتهای کارگری فعالیت میکنند .

در زمینه بین المللی نیز کامیابیهای مشهود بدست آمده است . یکی از حوادث مهمی که در مسیر حوادث اروپای غربی تاثیر جدی داشته است موافقتنامه منعقد میان کنند راسیون کل کار فرانسه و کنند راسیون کل کار ایتالیا در باره تشکیل کمیته دائمی مخصوص هماهنگ ساختن وسط دامنه اقدامات برای متحد کردن تمام نیروهای اروپای کارگری علیه اروپای انحصارات است . این اقدام مهم کلیسه زحمتکشان و فعالین سند یکایی کشورهای اروپایی را که در راه تامین وحدت مجاهدت میورزند شاد میکند ولی محافل انحصارات و کسانی را که هنوز از وحدت امتناع دارند نگران میسازد . رهبری کنند راسیون بین المللی سند یکاهای آزاد اروپا بخصوص سعی دارد از این تحول جلوگیری کند . ولی بطوریکه نمونه های اخیر نزدیک شدن سازمانهای سند یکایی کشورهای اروپایی بایکدیگر نشان میدهد این کنند راسیون در تلاشهای خود چند ان موفقیتی ندارد .

سند یکاهای کارکنان راه آهن و کارکنان خدمات علم المنفعه و کارگران چاپخانه های فرانسه و بلژیک ، ایتالیا و انگلستان برای بررسی اسلحههای مشترک مبارزه در راه ارضای خواستهای عمومی چند ملاقات ترتیب دادند . از این پس دیگر سخن بر سر ملاقاتها و دعوتها و تماسها و ابتکارات رهبران جداگانه یا سازمانهای پائین نیست بلکه سخن بر سر اقدامات رسمی است که بابت کار مشترک سند یکاهای سراسر یکرشته از صنعت انجام میگیرد . مبارزه در راه تامین وحدت سند یکایی در اروپا به اوج جدیدی ارتقا مییابد که از نظر کیفی بالاتر از پیش است .

در این زمینه تصمیمات متخذه کنگره اخیر فدراسیون کل کار بلژیک که از خواست کنند راسیون

کل کار فرانسه و کنفدراسیون کل کار ایالتیاد اثر به داشتن هیئت نمایندگی در ارگانهای مشترک اقتصادی واجتماعی " بازار مشترک " پشتیبانی کرده است - اهمیت خاص دارد - این کنگره علاوه بر این ابراز تمایل کرد که کنفدراسیون بین المللی سند یگانه ای آزاد ابتکار نشان دهد و سازمانهای عضو کنفدراسیون بین المللی سند یگانه ای مسیحی و فد راسیون جهانی سند یگانه پیشنهاد کند بر تاسه مشترکی برای شرکشور - اروپای صغیر " تنظیم نماید .

ما در ششمین کنگره جهانی بهبود روابط میان مراکز سند یگانه کشورهای صومالیستی و سازمانها عضو کنفدراسیون بین المللی سند یگانه ای آزاد را مشاهده کردیم . میتوان گفت که با توجه به تصمیم دوسازمان از مهمترین سازمانهای اروپای غربی یعنی کنفدراسیون کار بریتانیا واتحاد سند یگانه های آلمان دافره اعزام هیئت نمایندگی از سطح عالی به اتحاد شوروی و نیز با توجه به تماس های متعدد دوجانبه ای که در سطوح مختلف میان مراکز سند یگانه کشورهای صومالیستی و سازمانهای عضو کنفدراسیون بین المللی سند یگانه ای آزاد با سند یگانه های مستقل کشورهای اروپا و آفریقا و آسیا و امریکای لاتین بعمل آمده - این گرایش تقویت بیشتری یافته است .

با وجود این پیشرفت مهم در کار مبارزه برای تامین وحدت نباید برخی محدودیت ها و موانعی که هنوز باید برای رفع آنها کوشید از نظر در شود .

لیدرهای فد راسیون کار امریکا - کنگره سند یگانه ای تولیدی امریکا البته علیه وحدت گام پسر میدارند . ولی این لیدرها در جهان کار دچار انفراد معینی هستند . پشتیبانی آنها از سیاست جانسون در وهن نام این انفراد را تشدید میکند . در امریکای لاتین رهبران سازمان منطقه ای زحماتشان قاره امریکا نیز که عضو کنفدراسیون بین المللی سند یگانه ای آزاد است مواضع افراطی تفرقه جوینده دارند . از طرف دیگر کمیته اجرائی دبیرخانه سند یگانه ای " بازار مشترک " در جلسه شانزدهم اخیر خود بمناسبت تصمیمات متخذه از طرف کنگره فد راسیون کل کار بلژیک مدتی پیرامون روابط سازمانهای عضو فد راسیون جهانی سند یگانه ای میگردید در پایان بحث پائماستی گرفتن مخالفت کرد و استناد شد در این مخالفت قطعنامه سال ۱۹۶۴ کنفدراسیون بین المللی سند یگانه ای آزاد بود . البته چنین روشی مانع آنستکه کار تامین وحدت جهانی سند یگانه ها با سرعت بیشتری پیشرفت کند . ولی واقعیات نشان میدهند که بسیاری از سازمانهای کنفدراسیون بین المللی سند یگانه ای آزاد از این سمت گیری پشتیبانی نمیکند .

اگر هواداران انشعاب در سواض خود باقی بمانند پیش از پیش با واقعیت معنی که شد بدتر از هر زمان دیگری برقرار همکاری نزدیک میان تمام سازمانهای سند یگانه ای را طلب میکند تصادم پیدا خواهند کرد .

و اما وظایف عده روزگه برقراری نزدیکی میان سازمانهای سند یگانه ای تمام کشورهای پیرامون خط مشی هارا ایجاد میکند کدامند ؟

این وظایف در درجه اول عبارتند از ضرورت همبستگی با مردم و محتام مبارزه برای قطع تجسار امریکایی محتام علیه سایر عطیبات تجاوزکارانه امپریالیسم .
 تجاوز وحشیانه امریکا با مردم و محتام جنبش روز افزونی را برای ابراز همبستگی در کشورهای مختلف جهان موجب گردید . اکنون تامین وحدت عمل سند یگانه ای مختلفی که عزم راسخ دارند بشطح تجاوز واحترام بقرار اد های زمو ناعلم آیند ممکن و ضرور است .

با اتکاء به مقاومت روز بروز موثرتر مردم و تمام جنبش همبستگی جهانی باید توسعه یابد تا اصلیه همبستگی
امریکا را بعقب نشینی وادارد *

امریکا را بعقب نشینی وادارد * جنبش آزاد بیخشن ملل و طبقه کارگر و طبقه صلح و پیشرفت
جهانی تکثیر و تشدید مینماید * از کلیه وسائل - از تجار و مسلحانه آشکار و نظیر تجار و بی تمام وجه عمومی
و همبستگی گرفته تا تدارک کودتاها و اشتیاقی از کودتاها در کشورهای نواستقلال و عملیات دیگری که با
وجود ظرافت بیشتر خطر آن کمتر نیست * تمام نیروهای ضد امریالیستی در مقابل این تعرض عمومی
باید صفوف خود را متحد کنند * سند یگانه ای تمام کشورهای و پیرو تمام خط مشی ها باید از نزدیک با
هم همکاری کنند تا جنبه بین المللی محکم ضد امریالیستی و ضد استثمار بوجود آید *

نظر بر شد انحصارات و تشدید تمرکز سرمایه آنها در عرصه بین المللی اشکال استثمار طبقه کارگر
جنبه بین المللی بخود میگیرد * نمونه بارز آن وضع موجود در اروپای غربی است که بسیاری از کشورهای
آن سیاست یکسانی را در زمینه استثمار بکار میبرند (شاید با تفاوتهای جزئی) - خواستهای
سند یگانه نیز بدین مناسبت مشابهت بیشتری با هم پیدا میکنند * باید تبادل تجربه و همبستگی بین المللی
سند یگانه را بخوبی مرتب کرد *

ضرورت تبادل تجربه و همکاری نزدیکتر میان سند یگانه ای کشورهای در حال رشد افزایش می یابد *
اقدامات تکنوگونی که این کشورها در زمینه های اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی انجام میدهند وظایف
خاصی را در برابر این کشورها قرار میدهند و مسئولیت خاصی را بعهده آنها میگذارد * حملات
امریالیسم ضرورت همبستگی بیشتری را بوجود میآورد *

یک دلیل زمین تر نمیتوان بسود وحدت ذکر کرد *

انحصارات کشورهای مختلف سرمایه داری میکوشند در کشورهای نواستقلال تسلط اقتصاد برود
آورند و در آن کشورها که چنین تسلطی را ندارند در تحکیم آن میکوشند * بنابراین لازم است که زحمات
و سند یگانه ای کشورهای سابقا متروک و کشورهای در حال رشد روابط خود را با یکدیگر تحکیم بخشند تا
بتوانند مبارزه مشترک را علیه استثمارگران مشترک سازمان دهند *

اجبار و نقش روز افزون کشورهای سوسیالیستی و تجاریکه این کشورها در زمینه ساختمان سوسیالیسم
اند وخته اند توجه سند یگانه ای کشورهای دیگر را بخود جلب میکند * در عین حال این سند یگانه
در مبارزه علیه امریالیسم و استثمار نوکهنه از اشتیاقی بیکدیگر همیشه مطمئن سند یگانه ای کشورهای
سوسیالیستی برخوردارند *

چنین است خواستهای اساسی زمان ما * وجود این خواستها چه در زمان حاضر و چه در آینده
ایجاب میکند که تمام سازمانهای سند یگانه ای بین المللی با یکدیگر بگوشه بگوشه از نزدیک با یکدیگر
دهند * با یکدیگر همکاری برود از نزدیک با این همکاری را تقویت کنند ، اسلوهایی لازم را برای تشکیل
جنبه واحد طبقه کارگر جهانی مورد بررسی قرار دهند یا آنها بهبود بخشند *

برخی مسائل

رشد اجتماعی و اقتصادی هند

کین پنواس

اگرچه هند طی سالهای استقلال کامیابیهای کمی بدست نیاورده است، معیناً هنوز باید کارهای بسیار انجام دهد، بخصوص برای ریشه کن ساختن فقر توده های مردم و برانداختن بیعدالتی اجتماعی فاحش. محسوسترین پیشرفتها را هند در زمینه رشد صنعتی و در شالوده ریزی پایه های صنعتی خود بدست آورده است. حجم تولید صنعتی هند در سال ۱۹۶۵ در قیاس با سال ۱۹۵۱، ۲٫۸ برابر شده است. تولید فولاد از یک میلیون تن به شش میلیون تن در سال رسید، استخراج زغال سنگ از ۳۰ میلیون تن به ۷۰ میلیون تن و تولید نیروی برق از ۴ میلیارد کیلووات ساعت به ۲۹ میلیارد کیلووات ساعت افزایش یافت.

در زمینه های آموزش و بهداشت نیز پیروزیهای معینی بدست آمده است. هزاران مدرسه جدید در همدانشگاه و کالج ساخته شده، شماره دانش آموزان دبستانها و دبیرستانها تقریباً باندازه چهل میلیون نفر و تعداد دانشجویان دانشگاهها و کالجها حدوداً از بیست و هفت میلیون نفر افزایش یافته است. بر تعداد تختهای بیمارستانها ۱۲۵ هزار واحد و پرده پزشکان ۳۰ هزار نفر افزوده شده است. طول عمر متوسط که در سال ۱۹۵۰، ۳۲٫۵ سال بود در سال ۱۹۶۵ به ۵۰ سال رسید.

مردم هند حق دارند از کامیابیهایی که در دوران استقلال بدست آورده اند برخوردار باشند. در عین حال هر شخص واقع بین بدون اختیار متوجه میشود که این احساس غرور برای میلیونها مردم هند با تلخکامی توأم است. بسیاری از امیدها و آرزوهای مردم هند برآورد نشده است. توده های مردم که در مبارزه ای طولانی بخاطر استقلال شرکت داشتند، امیدوار بودند که مسائل اجتماعی آنها عادلانه حل شود و وضع مادی آنان بهبود اساسی یابد. ولی پرهیزناظر بیطرفی روشن است که برای حل واقعی این مسائل بِنفع زحمتکشان هنوز عملاً اقدام نشده است. از بیعدالتی اجتماعی نه فقط کاسته نشده است بلکه بگواهی بعضی نشريات رسمی معتبر حتی شدت یافته است. عده کثیری در هند بد رستی معتقدند که طی سالهای استقلال اشخاص ثروتمند غنی تر شده اند و افراد بی چیز فقیرتر.

و اما کدام طبقه و کدام قشر اجتماعی جامعه هند از پیشرفتها حاصله در زمینه رشد اقتصادی کشور بهره مند شده است؟ مطابق آمار کمیسیون مرکزی برنامه ریزی، درآمد ملی کشور از سال ۱۹۵۱ تا سال ۱۹۶۵ بیش از ۶۰٪ افزایش یافته است (بقیمت های ثابت). اکنون چند سال است که در

پارلمان هند و در مطبوعات دمکراتیک کشور پاسخ باین سؤال را از رهبری حزب حاکم خواستارند: افزایش درآمد ملی بکجا می رود و چه کسی آنرا می بلعد؟ نهم، نخست وزیر فقید هند به پشتیبانی از این درخواست در سال ۱۹۶۰ تشکیل کمیته خاصی را برای بررسی دقیق این مسئله به پارلمان پیشنهاد نمود.

در اکتبر سال ۱۹۶۰ کمیته ای بریاست پرفسور ماهالانوبیس اقتصاد دان مشهور هند و رئیس انستیتو

آمار کلکته برای بررسی توزیع درآمد ملی کشور تشکیل شد. پس از گذشت بیش از سه سال بخشی اول گزارش این کمیته در فوریه سال ۱۹۶۵ انتشار یافت. از این گزارش چنین بر می آید که به ۲۰٪ اهالی کشور که از کم درآمدترین افراد جامعه هستند ۸٪ درآمد ملی میرسد و ۵٪ از اهالی کسه ثروتمند هستند ۲۰٪ درآمد ملی نصیبشان میشود. در گزارش خاطر نشان شده است که شاخص دستمزد اسمی کارگران کارخانه ها از سال ۵۱ - ۱۹۵۰ تا سال ۶۱ - ۱۹۶۰ از ۰.۸ به ۱۴۳.۵ و شاخص دستمزد کارگران معادن از ۱۰۵ به ۱۹۵.۷ بالغ شده است. ولی بطوریکه در صفحات محله "اکونومیک ریویو" ارگان مرکزی کنگره ملی هند بدستی خاطر نشان شده است، تحت تاثیر تورم عنان گسیخته در کشور این افزایش دستمزد بی نتیجه بوده است. طبق آمار این مجله طیر غم افزایش دستمزد اسمی و دستمزد واقعی کارگران کارخانه ها طی برنامه های پنج ساله کشور (۱۹۶۱ - ۱۹۵۲) کاهش یافته است. در گزارش اخیر شعبه کار و اشتغال کمیسیون مرکزی برنامه ریزی هند اعتراف شده است که در ظرف ده سال اخیر هیچگونه افزایشی در دستمزد واقعی کارگران هند انجام نگرفته است. نباید فراموش کرد که تا اواسط سال ۱۹۶۶ قیمت های انداز ۸۰٪ افزایش یافته است.

بنا بر آمار کمیته ماهه لانه میس افزایش درآمد شامل ۳۱.۵ میلیون کارگر کشاورزی که تقریباً یک پنجم جمعیت فعال کشور را تشکیل میدهند، نشد. است. در گزارش پروفیسور راتو، عضو کمیسیون مرکزی برنامه ریزی خاطر نشان میشود که با وجود پیشرفت اقتصادی، قشرهای عظیمی از اهالی هند هنوز هم در سطح پائین تر از مرز فقر قرار دارند. شرایط زندگی در مناطق کشاورزی هنوز هم بدتر از شرایطی است که در کشورهای پیشرفته اقتصادی حد اقل ممکن محسوب میشود (۱). مطابق آمار محققین معتبر هندی از ۳۵۰ میلیون نفر اهالی روسهای هند بیش از ۷۱ میلیون نفر دارای چنین وضعی هستند.

وضع مادی و شوار تمام زحمتکشان هند در اثر وجود ارتش عظیم بیکاران و نیمه بیکاران وخیمتر میشود. سانجیوای، وزیر سابق کار و وزیر کنونی صنایع در ژانویه سال ۱۹۶۵ اعلام داشت که بیکاری در هند روز بروز افزایش می یابد. مطابق آماری که وی ارائه داد در سال ۱۹۵۶ در کشور هشت میلیون نفر بیکار کامل و ۱۸ - ۱۵ میلیون نفر نیمه بیکار وجود داشت. ولی در اواسط سال ۱۹۶۶ تنها تعداد بیکاران کامل در حدود ۱۲ میلیون نفر بوده است.

واد هوا اقتصاد دان برجسته هند در تفسیر گزارش کمیته ماهه لانه میس اظهار داشت که ارزش اقتصاد کشور فعلاً بیش از همکاری فرمایان و مقاطعه کاران و صاحبان سرمایه مالی سود برده اند و اختلاف طبقاتی تقریباً دست نخورده باقی مانده است. آمار بانک ذخیره هند درباره توزیع درآمد در کشور موید نتیجه گیری های کمیته ماهه لانه میس درباره تبعیض اجتماعی در هند است.

(۱) - درآمد کمتر از ۵۰ روپیه در ماه برای یک خانوار دهند معمولاً بعنوان "مرز فقر" پذیرفته میشود.

توزیع درآمد (به درصد)

۱۹۶۰ - ۶۱ ۱۹۵۳ - ۵۷

| | | |
|----|----|------------------------------------|
| ۳۷ | ۲۸ | ۱۰٪ اهالی صاحب بیشترین درآمدها |
| ۴۸ | ۵۲ | ۵۰٪ دیگر اهالی |
| ۱۳ | ۲۰ | ۴۰٪ اهالی صاحب کمترین درآمدها |
| ۲ | ۳ | از آن جمله ۱۰٪ شامل فقیرترین اهالی |

علت تشدید بیعدالتی اجتماعی را سخنگویان جناح چپ اپوزیسیون هند چنین توضیح میدهند: رهبری حزب کنگره ملی هند که در آغاز هدف خود را ایجاد "جامعه طبقه نمونه سوسیالیستی" و سپس "سوسیالیسم دموکراتیک" اعلام کرده بود، علا چنان تحولات اجتماعی و اقتصادی عمیق بوجود نیاورد که بتواند وضع ممتاز قشرهای بالای طبقات ثروتمند را از میان بردارد و یا آنها را تضعیف نماید. برخی از ایدئولوگهای حزب حاکم این سیاست کنگره ملی را چنین توجیه میکنند که گویا کنگره کوشش درد بیعدالتی اجتماعی را بطور عمده بکمک "اعمال تاثیر اخلاقی" بر ثروتمندان از میان بردارد.

طی چند سال اخیر درباره این که بیعدالتی از جمله بکمک تدوین سیستم مالیاتی خاصی از میان برداشته خواهد شد، گفتگوی بسیار در میان بود. ولی بطوریکه واقعیات نشان میدهند این قبیل مالیات بندیها بکاهش اختلاف درآمد منجر نگردید. آمار رسمی نیز موید این ادعاست. مطابق آمار رسمی مالیاتهای مستقیم طی سالهای ۱۹۶۵ - ۱۹۵۱ تا سه برابر افزایش یافت، ولی مالیاتهای غیر مستقیم یعنی مالیاتهای که سنگینی آن بطور عمده بردوش زحمتکشان قرارداد پیش از ده برابر شد.

طبیعی است که در کشوری مانند هند که تقریباً سه چهارم اهالی آن در کشاورزی کار میکنند، وضع مالکیت زمین مهمترین شاخص وضع زندگی مردم و مهمترین نمودار مناسبات اجتماعی است. حزب کنگره ملی هند زمانیکه حکومت را بدست گرفت ضرورت صبرم اصلاحات ارضی و تحقق این شعار را که "زمین از آن کسی است که آنرا میکارد" اعلام داشت. در دوران پس از سال ۱۹۴۷ واقعاً نیز در روستای هند تغییرات معینی حاصل شد. سیستم فئودالی "زمینداری" الفاء گردید و بخشی از ازاره داران سابق که قدرت خرید زمین را داشتند، مالک زمین شدند. قانون ارضی همچنین برقراری حد تصاب را برای مالکیت زمین و تقسیمها از زمین مالکان را میان دهقانان پیشینی میکرد. ولی این قانون در عمل بحد کافی ثمربخش از آن در نیامد. بسیاری از مالکان بانواع حیل و مقادیر قابل ملاحظه ای از زمینها را برای خود نگاه داشتند و میلیونها دهقان تاکنون فاقد زمین بوده و یا صاحب قطعه زمین ناچیزی هستند. در گزارشی که از طرف محترم ملی هند در اواخر سال ۱۹۶۵ انتشار یافت، گفته میشود که در زمان حاضر ۳۰٪ اهالی روستا بکلی فاقد زمین هستند، در حالیکه ملاکان و دهقانان ثروتمند که فقط ۵٪ اهالی روستائی را تشکیل میدهند، صاحب ۴۰٪ زمینهای مزروعی میباشند. دولت بمراجعه های فئودال سابق ملاکان بزرگ بحساب روستائیان زحمتکش کمک هزینه و فراموشی هتکفت میپردازد. ج. رام عضو کمیته اجرائی حزب کنگره ملی هند در ژانویه سال ۱۹۶۵ در کنگره این حزب اعتراف کرد که فقط دهقانان ثروتمند از اصلاح ارضی منتفع شده اند.

رشد نیروهای مولده روستای هند بعلمت ناپیگیری و ناتمامی اصلاحات ارضی درحالت رکود باقی مانده است . روستائیان هند در اثر فقر و استثمار و تعدی تجار و باخواران و ملاکان برای افزایش تولید کشاورزی نه امکان مادی دارند و نه مطلقاً تمند باین کارند . هند مجبور است از خارج غله وارد کند و برای اینکار مبالغ هنگفتی بمصرف میرساند که امکان داشت آنرا بمنظور رشد اقتصادی کشور بکار انداخت . جمهوری هند از اوت سال ۱۹۴۷ تا اکتبر سال ۱۹۶۵ باندازه ۲۳ میلیون تن غله بهسای ۲۱۳ میلیارد روپیه وارد کشور نموده است . در سال ۱۹۶۶ در نظر است ۱۰ میلیون تن غله وارد گردد .

واقعیات حاکی از آنست که سیاست ارضی حزب کنگره هند ، بطریق تمايلات و گاه اظهارات قطعی برخی از سران این حزب ، تاکنون بطور عمده در جهت محدود ساختن خود سری و مالکیت و تقسیم جزئی زمین بمنفع دهقانان مرفه ، تضعیف و محو باقیماندگیهای مناسبات ماقبل سرمایه داری درده بمسود رشد نوع معینی از سرمایه داری در روستای هند بوده است .



بسیاری از اطلاعات مربوط به توزیع کلی ناموزون درآمد ملی که در گزارشمکتبه ماهی لانه میس ذکر شده است قبلاً نیز معلوم بود . ولی این اطلاعات هسته گریخته بود و چه بمصاحبت آنها مورد تردید قرار میگرفت . ولی اکنون صحت این واقعیات بوسیله یک کمیسیون رسمی تأیید شده است باینجهت عد عکسری در هند و از جمله محافظ رادیکال حزب کنگره ملی هند که به برنامه حزب خود که ایجاد " سوسیالیسم دموکراتیک " هدف آن اعلام شده بود ، همزمان معتقد بودند ، انتظار داشتند که بلافاصله پس از انتشار این سند رهبر حزب بمنظور جلوگیری از رشد انحصارها و برای بهبود وضع دشوار زحمتکشان تدابیر لازم را اتخاذ خواهد کرد ولی اینکار انجام نگرفت . بعضی از سران حزب کنگره با اصرار پاهم بیشتری از تودمهای مردم خواستار شدند که بآنچه که موجود است قناعت ورزند و " بخاطر تامین پیشرفت سریع اقتصادی کشور " از پیش کشیدن خواستههای " زیاده از حد " و " نسنجیده " درباره بهبود وضع خویش ، خودداری ورزند . مثلاً آشوکامهتا لیدر سابق حزب سوسیالیست ملی هند که امروز وزیر برنامه ریزی است چنین دعوتی بعمل میآورد . وی در سخنرانی خود در دانشگاه حایپور اعلام داشت که " در مرحله کنونی رشد اقتصادی " کوشش اهانی نباید متوجه مصرف " زیاده از حد " باشد . او گفت که مجذوب شدن به اندیشه ارتقا سطح زندگی ، رشد اقتصادی را در معرض خطر قرار خواهد داد . بعقیده وی در مرحله کنونی بطور عمده باید روی " تشدید مساعی " و " تحدید نعم مادی " تکیه نمود . بنا باظهار مهتا این مرحله باید ۲۰ - ۱۵ سال بطول انجامد . سایر رجال برجسته حزب حاکم نیز از زحمتکشان دعوت میکنند که برای تامین مالی برنامه های رشد " کمربند هارا محکمتر کنند " . کوشش میشود که برای تز " فداکاری بخاطر پیشرفت و ترقی " پایه های تئوریک ساخته شود . مثلاً مهتا ضمن آنکه بزحمتکشان پند میدهد که تقاضاهای " نسنجیده " پیش نکنند ، باین مطلب بکیه میکند که در غروب نیز در دوران اولیه رشد سرمایه داری وضع بهتر از این نبوده است . در واقع مهتا خواستار آنست که هنوز خودمهای زحمتکشان در شرایط تاریخی جدید تمام رنج و مشقت ناشی از بدترین طرق رشد سرمایه داری را از سر بگذرانند .

مها تا اعلام داشت که خود آماده است فقط قسمتی از حقوق خود را دریافت دارد و مابقی آنرا بصندوق دولت بپردازد و از دیگران دعوت نمود که از وی سرمشق بگیرند. ولی بخواهی میدانیم که اینگونه دعوتها تا چه اندازه واهی است. از زمان مها تا گاندی و دهها سال است که چنین دعوتهایی بعمل میآید ولی شروتمندان بآن وقعی نگذاشتند. آمار رسمی مربوط به توزیع درآمدها که در بالا ذکر آن رفت صحت این امر را بوضوح تمام نشان میدهد. باین آمار میتوان آمارهای گویای دیگری را درباره تراکم سرمایه در دست عده قلیلی افزود. در سال ۱۹۶۴ زیر فشار افکاسار عمومی برای بررسی گرایشهای موجود در امر انحصاری کمیسیون دولتی تشکیل شد. چندی پیش گزارشی از طرف این کمیسیون انتشار یافت. بنابراین گزارش سرمایه پرداخت شده شرکتیهای سهامی هند طی سالهای ۱۹۶۴ - ۱۹۴۷ تقریباً سه برابر شده و از ۴ میلیارد روپیه به ۱۴ میلیارد روپیه رسیده است. همزمان با این افزایش قدرت انحصارها نیز فزونی گرفته و جریان تراکم و تمرکز سرمایه شدت یافته است. در سال ۱۹۶۴ سرمایه پرداخت شده ۷۵ شرکت تقریباً برابر با نصف سرمایه ۲۵ هزار شرکت خصوصی دیگر بود و است. تراکم سرمایه در امر بانکی نیز مشاهده میشود. در سال ۱۹۶۳ پنج بانک بزرگ هند که از طرف گروههای انحصاری هند کنترل میشوند، بیش از ۸۷ میلیارد روپیه سپرده که ۴۰٪ تمام سپرده های بانکی است، در دست خود متمرکز کرده بودند. بطوریکه در گزارش مذکور قید شده است مسئله تمرکز قدرت اقتصادی، موجب عدم رضایت شدیدی بودهای مردم از سرمایه های بزرگ شده است. کمیسیون معتقد است که این عدم رضایت ناشی از این سوءظن است که سرمایه های بزرگ دموکراسی را در کشور پایمال کرده و در زندگی سیاسی کشور اعمال نفوذ میکنند.



نیروهای جناح راست در هند بمنظور تجدید نظر در سیاستی که سابقاً در مورد سرمایه‌های خصوصی خارجی تنظیم شده بود، مبارزه روز بروز فعالانه تر انجام میدهند. انحصارهای خارجی به پشتیبانی این نیروها و با استفاده از مشکلات هند، بخصوص با استفاده از مشکلات ناشی از کمبود ارز برای حواش سرمایه گذاری، نفوذ خود را در اقتصاد هند بمیزان قابل ملاحظه ای تشدید کرده اند. طی سالهای است قلیل مجموع سرمایه های خصوصی خارجی در کشور از ۲۵۵۸ میلیون روپیه در سال ۱۹۴۸ به ۷۵۰۰ - ۷۰۰۰ میلیون روپیه در سال ۱۹۶۵ افزایش یافت. در سالهای اخیر همکاری میان سرمایه خارجی و سرمایه هندی (اکثراً سرمایه بزرگ خصوصی) توسعه فراوان یافته است. بنا بر آمارهای منتشره در مطبوعات هند تا اواسط سال ۱۹۶۳ درباره اینگونه همکاری ۱۴۹۵ موافقتنامه با امضا رسیده است.

نمیتوان گفت که میان سرمایه بزرگ هندی و انحصارهای خارجی اکنون هیچگونه تضادی وجود ندارد. در میان بهره‌واری بزرگ هند افراد و گروههایی هستند که از یکسوا سرمایه خارجی همکاری میکنند و از سوی دیگر تحت فشار رقابت شدید انحصارهای خارجی قرار دارند. چه بسا آنها در سرمایه های بزرگ سرمایه داری هند در یک رشته صنعتی با انحصارهای خارجی همکاری میکنند ولی در رشته دیگر بشدت با آنها مبارزه میپردازند.

با وجود این اغراق آمیز نخواهد بود اگر بگوئیم که در این اواخر در نتیجه تشدید تضادهای

اجتماعی و تشدید مبارزه باخاطر رانمایند تکامل کشور رفاه‌پرور و آزادی بزرگ هند نسبت به سرمایه خارجی در حال تغییر جدی است . اکنون نمایندگان سرمایه بزرگ هند من حیث المجموعه نه فقط بانفوذ سرمایه خصوصی خارجی در اقتصاد هند مخالفت نمیکنند ، بلکه با تمام نیرو بسط آنها خواستارند . انحصارهای هند در اینکار از هدف عمده خویش یعنی تحکیم مواضع خود مواضع قشرهای بالایی سایر طبقات استثمارگر در تمام رشته های حیات اجتماعی کشور و جلوگیری از ایجاد هرگونه شرایطی مقدّماتی برای افتادن مسیر رشد هند برآه غیر سرمایه داری ، پیروی میکنند .

انحصارهای غرب نیز بنوع خود ، بخصوص پس از مرگ نهر و ماجدیت بیشتر به بسط نفوذ خود در اقتصاد هند پرداختند . هدف آنها علاوه بر بدست آوردن حد اکثر سود ، اعمال نفوذ در خصلت پروسه های اجتماعی و اقتصادی هند و نگاهداشتن آن در چارچوب سیستم جهانی سرمایه داری نیز هست .

هنگام تصادم هند و پاکستان در سپتامبر سال ۱۹۶۵ ، ایالات متحده و تقریباً تمام کشورهای دیگر عضو باصطلاح " باشگاه کمک به هند " قطع وقت کمک به هند را اعلام کردند . اینکار ظاهر این منظور انجام گرفت که هند را " سر عقل بیاورند " ، ولی در اینجا هدف عمده تری نیز چشم میخورد و آن تشدید مشکلات اقتصادی هند بمنظور وادار ساختن آن بعقب نشینیهایی تازه ، تحکیم مواضع سرمایه خصوصی هند و سرمایه خصوصی خارجی در اقتصاد کشور و تحکیم نفوذ دول غرب و در وهله اول ایالات متحده است .

حقایق ایام اخیر مویذ این ادعا است . چندی پیش دولت آمریکا اعلام داشت که بقطع موقت کمک اقتصادی به هند پایان میدهد . ولی اکنون برای واگذاری کمک شرایط سخت تری قائل شده و خواستار تضمین کامل در قبال ملی کردن و " تشنجات اجتماعی " و غیره است .

دول غرب برای تحقق هدفهای خود ، در راه دخالت در امور داخلی کشور هند گام میگذارند . ایالات متحده که نفوذ خود را در اقتصاد هند تشدید کرده است ، چنان برآمار روزنامه هندوی " هندوستان تایمز " صاحب نهی از وجودی است که در هند بجزریان گذارده شده است . این پولساز رنتیجه فروش مازاد محصولات کشاورزی آمریکا در بازار هند ، در دست ایالات متحده متمرکز شده است . در زمان حاضر این مبلغ به میلیارد ها روپیه بالغ شده است . در هند آشکارا میکوشند که سفارت آمریکا بدون آنکه مصالح ملی هند را در نظر گیرد این وجوه را بمصرف میرساند . و راهب اظهار داشته است که يك دولت خارجی (یعنی ایالات متحده) با استفاده از پول هند امکان نامطلوب بدست آورده است که بمیزان قابل ملاحظه ای در امور داخلی هند اعمال نفوذ کند .

انحصارهای آمریکا و انحصارهای سایر کشورهای غربی میکوشند به دولت هند درس میدهند امور خود را چگونه اداره کند . موضوع اصلی سخنرانیهای نمایندگان سرمایه بزرگ کشورهای غربی در بیستمین کنگره اطاق بازرگانی جهانی که در فوریه سال ۱۹۶۵ در دهلی برگزار شد ، مطالباتی بود که آنها از هند و از سایر کشورهای در حال رشد داشتند . آنان خواستار تشویق توسعه بخش خصوصی اقتصاد و خودداری از ایجاد محدودیت و کنترل شدید آن ، واگذاری اختیارات وسیع به محافصل سرمایه داری ، برای شرکت در تعیین سیاست بازرگانی و صنعتی کشور ، محدود ساختن فعالیت بخش دولتی بچنان رشته های اقتصادی که سرمایه داری خصوصی مسایل سرمایه گذاری در آنها نیستند ، ایجاد " شرایط مساعد " تر برای سرمایه گذارانی خصوصی خارجی و اقدامات دیگری از این نوع بودند .

در سال ۱۹۵۵ که حزب کنگره ملی هند هدف خود را ایجاد "جامعه طبق نمونه سوسیالیستی" اعلام داشت، گفته میشد که اقتصاد مختلط ارکان اقتصادی این برنامه را تشکیل خواهد داد. این بمعنا آن بود که هر دو بخش دولتی و خصوصی باید رشد یابند، در عین حال پیش بینی میشد که بخش دولتی بتدریج بخش خصوصی را از میدان بدر کند و در آینده مواضع حساس را در اقتصاد کشور اشغال نماید. ولی حوادث سالهای اخیر نشان میدهد که با وجود آنکه بخش دولتی رشد می یابد، ولی این رشد بان اندازه نیست که بخش دولتی بتواند به عامل قاطع در اقتصاد هند بدل گردد. قشرهای زحمتکش اهالی امکان ندارند تا تاثیر خود را در امور بخش دولتی اعمال کنند. بخصوص در نتیجه همین امر است که امکانات بزرگی که در بخش دولتی وجود دارد از قوه بفعول در نیامد.

در هند نیز مانند بعضی دیگر از کشورهای در حال رشد، رشد و توسعه بخش دولتی بطور عینی نمیتوانست به تحکیم اقتصاد ملی کمک کند. بخصوص در بخش دولتی است که بسیاری از رشته های صنایع سنگین یعنی پایه های صنعتی کردن کشور و استقلال اقتصادی آن بوجود آمده وسط می یابد. اگرچه بعضی از رجال سیاسی و اجتماعی هند کوشش دارند که بخش دولتی را همسان سوسیالیسم جلوه دهند، با وجود این بخش دولتی با هرم تحولات اجتماعی ضیق بدل نشده است. گاهی حتی در صفحات نشریات رسمی حزب کنگره نیز ارزیابی های عینی در مورد گرایشهای موجود در رشد بخش دولتی مشاهده میگردد. راثو در مجلس "اکونومیک ریویو" مینویسد: "در تصورات مربوط به رشد بخش دولتی در هند، سو تفاهات بسیار وجود دارد. برخی معتقدند که رشد بخش دولتی مترادف با جامعه طراز سوسیالیستی است و بدینجهت آنرا تهنیت میگویند. در حالیکه عده ای دیگر بهمان دلیل به رشد بخش دولتی بد میگویند. زیرا رشد بخش دولتی فی نفسه برای رشد بخش خصوصی زیان آور است." راثو چنین ادعا میدهد: "این نقطه نظرها هر دو نادرست است. رشد بخش دولتی خود بخود رشد سرمایه داری خصوصی را در معرض خطر قرار نمیدهد و نیز بمعنای تحقق خود بخود هدفهای جامعه سوسیالیستی نیست."

ایدئولوگ های سرمایه های بزرگ هند این نظریه را به مقیاس وسیع تبلیغ میکنند که "رئیس مقابل بخشهای دولتی و خصوصاً در یکدیگر گویا برای بالابردن اثر بخشی" بخش دولتی و تضعیف بوروکراسی و غیره ضروری است. سرمایه های بزرگ مفت شده اند نفوذ خود را در بخش دولتی تثبیت نمایند.

در صفحات روزنامه های منفذ هند که تحت کنترل سرمایه انحصاری قرار دارند، تبلیغات وسیعی برای بی اعتبار ساختن بخش دولتی انجام میگردد. کوششهای بعمل میآید تا مردم عادی هند این فکر تلقین شود که رشد بخش دولتی پیشرفت کشور را ترمز میکند و وضع مردم فقط زمانی میتواند بهبود یابد که سرمایه داری خصوصی حد اکثر آزادی عمل داده شود.

بسیاری از رجال حزب کنگره ملی هند با این امر موافق هستند که تسریع آهنگ رشد اقتصادی کشور مستقیماً وابسته به احزاب لایق آن و عده های اجتماعی است که حزب آنها پس از دست گرفتن حکومت، اعلام داشته بود و نیز آهنگ رشد اقتصاد ملی فقط در صورتی میتواند با امکانات و نیازمندیها

هند متناسب گردد که از این رشد ثمرات واقعی و محسوس عاید قشرهای وسیع مردم هند گردد *
 ولی قشرهای بالائی طبقات ثروتمند به پیروی از منافع محدود طبقاتی و خود خواهانه خویش
 نمیخواهند چنین تحولی در اوضاع راه دهند * افراد بانفوذ در رهبری حزب حاکمه هند در
 حقیقت یا اجرای تدابیری که بمنافع قشرهای بالائی طبقات ثروتمند لطمه وارد سازد موافق نیستند
 و در توجیه این روش خود میگویند که این قبیل اقدامات بمعنای " اعمال فشار " است و مدموکراسی
 و اندیشه " سوسیالیسم هندی " سازگاری ندارد *

برخی از رهبران حزب حاکمه هند نیز با اعمال فشار و تضییق در حق کمونیست ها و سایر نمایندگان
 زحمتکشان مخالفت میکنند * چنانکه کهاد یلکاریکی از نمایندگان حزب کنگره ملی هند در پارلمان
 ضمن تمییح عمل زندانی کردن کمونیستهای که نمایند پارلمان هستند ، از رهبری حزب خود
 خواستار شد که با مخالفین سیاسی بکمک وسائد ایدئولوژیک و سیاسی مبارزه کند و به بشیوه های
 اداری و پلیسی *

بعضی از رجال حزب کنگره ملی هند تاکید میکنند که در هند " سوسیالیسم دموکراتیک " یعنی
 سوسیالیسم نوام با " دموکراسی وسیع " و امکانات برابر برای همه ایجاد میشود * ولی اینان بهیچ
 وجه از این واقعیت شرمند نیستند که رشد سریع سرمایه خصوصی ملی و نیز رشد سریع سرمایه
 خارجی در کشور در شرایطی انحصار همیگرده که تجزیه طبقاتی عمیقتر گردیده و در نتیجه آن بیعدالتی
 اجتماعی تشدید میشود و درینجهت برای بسیاری از مردم هند دموکراسی و امکانات برابر کلماتی
 هستند که هرچه بیشتر جنبه تحریدی و ریاکارانه پیدا میکنند *

تاها همگی روز افزون میان مفاد اعلامیه های حزب کنگره ملی هند و سیاست واقعی آن بحدی
 آشکار است که حتی نمایندگان رسمی حزب نیز ناگزیرند بآن اعتراف کنند * حکام سینگ ، رئیس
 مجلس ملی هند در ژانویه سال ۱۹۶۵ گفت : " از اینکه یک فرد گرسنه امکان دارد که هر پنجسال
 یکبار رای بدهد ، چیزی عاید وی نمیکرد ، آنچه که واقعا برای او ضرورت دارد بر آوردن حداقل
 نیازمندیهای زندگیست * تمام اینها بهنگام تدوین قانون اساسی کشوری و عده داده شده بود ،
 ولی با وجود ۱۷ سال استقلال ما نتوانستیم این حداقل را برای وی تامین کنیم " *

کمیسیون مرکزی برنامه ریزی هند در گزارشی که چندی پیش در باره برخی از در سهای برنامه
 های پنجساله " انتشار داده ، باین نتیجه رسیده است که میان سیاست رشد اقتصادی کشور و سیاست
 عملی در عرصه تحولات اجتماعی تضاد وجود دارد * در گزارش گفته میشود که در برنامه های ماهد فهای
 اجتماعی فقط بصورت عبارات کلی مطرح میشود ، بدون آنکه شیوه های بکمک آنها باید این هدف
 ها تحقق یابند ، نشان داده شود و یا امکانیسم اثر بخشی لازم برای اجرای آنها بوجود آید *

یکی از عواملی که مانع تحقق مفاد اعلامیه ها میگردد ، اینست که خصالت دستگاه دولتی و اداری کشور
 تا درجه زیادی پنهان وضعی باقی مانده است که از گذشته استعماری بارش رسیده بود * روزنامه
 صاحب نفوذ " امرتیا بازار پاتریکا " مینویسد که زمان تغییر یافته ولی ماشین دولتی و مدموکراسی
 بشکل سابق مانده است * کاملاً طبیعی است که از چنین دستگاهی اجرای بانثر اعلامیه های
 مربوط بسوسیالیسم را بد شواری میتوان انتظار داشت *

این امر نیز که رهبران حزب کنگره ملی هند " سوسیالیسم دموکراتیک " را بانواع مختلف درک
 میکنند ، دارای اهمیت کم نیست * برخی عقیده دارند که در " سوسیالیسم دموکراتیک " مالکیست

خصوصی پرسوئال عده تولید باقی میماند و سرمایه داران بزرگ نوعی " قیم " کارگران خواهند بود . ایدئولوگ های سرمایه های بزرگ اینگونه تعبیر از سوسیالیسم را در مقیاس وسیع تبلیغ میکنند . عده ای دیگر اظهار میدارند که تحقق علی سوسیالیسم کارآیند بسیار دوریست و بدینجهت در ترکیب اجتماعی کنونی کشور نباید تغییرات چند ان حدی وارد ساخت . برخی نیز اصولاً اندیشه ساختمان سوسیالیسم را خیال واهی میدانند ، اگرچه ترجیح میدهند که این فکر را همیشه بطور آشکار بیان ندرند . لذا تصادفی نیست که کاماراج ، رئیس حزب کنگره ملی هند چندی پیش اعلام داشت که برای آنکه برنامه حزب را در مورد سوسیالیسم بمرحله اجرا در آوریم ، خود حزب بایست " نحوه تفکر اجتماعی خود را انقلابی کند " .

ولی آیا خود کسانی که سرنوشت برنامه حزب با آنان وابسته است مایل هستند که نحوه تفکر خود را " انقلابی کنند " ؟ حوادثی که در جریان کنگره حزب در ژانویه سال ۱۹۶۵ در دیرگاپور رخ داد تا حد وندی وضع واقعی را مجسم میسازد . در نظر بود که همزمان با کنگره حزب ، جلسه مجمع اقدام سوسیالیستی " (سازمان جناح چپ حزب کنگره ملی هند) که خواستار اجزای مفاد اعلامیه های حزب درباره سوسیالیسم است نیز برگزار شود . ولی نمایندگان کنگره با حیرت مشاهده کردند که رهبری حزب کنگره ملی هند بصجمع اجازه نداد که جلسه خود را تشکیل دهد . در خود کنگره نیز تمام پیشنهادهای اصلاحی نمایندگانی که رهبری حزب را انتقاد میکردند ، جدأ رد شد . علت این انتقاد آن بود که رهبری فقط در حواله از سوسیالیسم طرفداری میکند ولی برای تحقق علی آن هیچکاری انجام نمیدهد .

در کنگره اخیر حزب کنگره ملی هند که در فوریه سال جاری در جاپور برگزار گردید ، در واقع همین وضع پیش آمد . بسیاری از نمایندگان کنگره رهبری حزب را بعلت آنکه هر چند بی بکار قرارهایی پراز وعده و وعید درباره ساختمان " سوسیالیسم دموکراتیک " در هند صادر میکند ، ولی برای اجرای آنها هیچگونه اقدامی بعمل نمیآورد ، بشدت انتقاد کردند . معیناً این انتقاد در قرارهای مصوبه کنگره منعکس نگردید . این قرارها مانند قرارهای بسیاری از کنگره ها و کنفرانس های قبلی حزب کنگره ملی هند تا حد وندی زیادی جنبه کلی و صورتی دارند . در این قرارها نه طرق مشخصه و نه مسائل اجرای وعده هائیکه درباره ایجاد تحولات اجتماعی و اقتصادی بفتح توده های وسیع مردم هستند داد میشود نشان داده نشده است .

و اما در مورد مجمع اقدام سوسیالیستی باید گفت که این بار سازمان دهان این مجمع اجازه ندادند که جلسات خود را در زمان کار کنگره در مایپور برگزار نمایند . در این جلسات سخنان خشم آگین بسیاری درباره رهبری حزب گفته شد و سیاست این رهبری و " عدم لیاقت " و " عدم تمایل " بسیاری از لیدرهای حزب در امر تحقق مفاد اعلامیه های مربوط بسوسیالیسم دموکراتیک بشدت انتقاد شد . در جلسات این مجمع یادداشتی بتصویب رسیده که در آن ملی کردن بانکهای خصوصی و برقراری کنترل دولتی بر خرید و فروش رغذ طلب میشود . رهبران مجمع همچنین خواستار آن بودند که نمایندگان انحصارها که بحامه اعضا " حزب کنگره ملی هند درآمده اند اجازه داده نشود در انتخابات عمومی آینده سال ۱۹۶۷ در فهرست کاندیداهای این حزب وارد شوند . ولی بطوریکه مطبوعات مختلف - المسلك متذکر شدند ، بعید است که این یادداشت بتواند در سیاست حزب حاکم تاثیری داشته باشد . علت این امر آنستکه با وجود آنکه لیدرهای مجمع گاهگاه در جلسات خود گرد میآیند و قرارهای

بتصویب میرسانند ، ولی این قرارها را با اقدامات مشخصی که بتواند در سیاست حزب بفتح توده های زحمتکش موثر واقع شود ، تقویت نمیکند .

اثرات مبارزه زحمتکشان بخاطر حقوق حقه خود نه فقط در نتیجه انشعاب در جنبش کارگری و ستد یکائی و خرافات مذهبی و صنفی ، بلکه بعزت تضییقات دولت نیز که برای سرکوب مبارزه زحمتکشان اغلب به ترور پلیسی متوسل میشود ، تضعیف میگردد . در این اواخر برای برهم زدن این یا آن احصاب و یا د مونتراسیون از " بازداشت احتیاطی " سازمانگران اینگونه مبارزات عمومی زحمتکشان بطور وسیعی استفاده میشود .

احزاب چپ هند که تعداد آنها زیاد است سالهای متعددی است بطور پراکنده و چه بسا علییه یکدیگر مبارزه میکنند . این احزاب دارای پلاتفرم سیاسی مشترکی نیستند که بتواند پایه وحدت عمل آنها قرار گیرد و سیاست کنونی حزب کنگره ملی هند مقابله کند . باینجهت لیدرهای سازمانهای راستونیز سازمانهای مذهبی و شونیستی اغلب از عدم رضایت توده ها از وضع دشوار اقتصادی خود بفتح هدفهای تنگ نظرانه خویش استفاده میکنند .

بخش پیشرو و محافل اجتماعی هند با توضیح هر چه بیشتر باین نتیجه میرسند که نیروهای دمکراتیک باید درقبال خطر مشترک متحد شوند و نگذارند کامیابیهای حاصله و لوثا چیز باشد از دست ببرد و امکانات موجود برای پیشروی بعدی را از دست ندهند .

باینجهت شگفت آور نیست که در باره تدوین برنامه حد اقل مبارزه مشترک در این اواخر از طرف احزاب چپ پیشنهاد های مبرانه تری مطرح میگردد . ولی بطوریکه وقایع اخیر مخصوص ملاقاتها و مذاکرات اخیر نمایندگان احزاب چپ نشان میدهد در راه تنظیم پلاتفرم مشترک دشواریهای بزرگ وجود دارد . لیدرهای بعضی از احزاب چپ در حالیکه علی الاصول با وحدت عمل موافقت دارند ، بر برای تنظیم و تصویب پلاتفرم سیاسی مشترک متوافق آمادگی از خود نشان نمیدهند .

حزب کمونیست هند معتقد است که چنین پلاتفرمی میتواند شامل نکات زیر باشد :

محدود ساختن فعالیت انحصارهای داخلی ، بسط و دمکراتیزه کردن بخش دولتی ، اقدام با اصلاح ارضی بر پایه واگذاری زمین یکسکه اثر اکتس میزند ، اعطای وام و کمکهای دیگر بد هقانان ، توزیع تحت کنترل کالاهای ضروری (در وهله اول خواربار) در سراسر کشور ، لغو قوانین جا برانه ، محدود ساختن واقعی انحصارهای خارجی و غیره .

نیروهای دمکراتیک جامعه هند بخاطر انجام تحولات مبرم اجتماعی مبارزه میکنند . آنها خواستار بسیج حد اکثر منابع داخلی لازم برای پیشرفت سریع اقتصاد کشور ، تغییر سیستم کنونی توزیع درآمد ملی ، برقراری کنترل بر مالکیت بیگانگان و ازرگانی خارجی و بر بانکها ، محدودیت شدید محیط عمل انحصارات داخلی ، اجزای اصلاح ارضی عمیق و استفاده از ثروت های عظیم راکد فتودال ها و مهابراجها و سایر عناصر بیکاره بفتح جامعه هستند . قشرهای دمکراتیک جامعه هند خواستارند که مبالغ لازم برای اجرای برنامه های رشد اقتصادی نه از طریق تشدید استثمار زحمتکشان و جلب وامهای خارجی ، بلکه از طریق تجهیز کامل منابع داخلی تامین گردد .

یکی از وظایف عمده و شدید فوق العاده دشواریهای اقتصادی هند اینست که محافل حاکمه سعی دارند مسائل بعورتجوی راکه در مقابل رشد کشور قرار دارد بدون انجام تحولات مبرم اجتماعی بفتح مردم ، حل نمایند . اقدام دولت هند در زمینه تضعیف روپیه هند (بنا بر نرخ جدید يك دلار

برابر ۵۷ رپیه است و سابقاً برابر ۷۶ ر ۴ رپیه بود) با مخالفت شدید محافل اجتماعی هند و از جمله کمونیست ها و سوسیالیست ها و حتی بسیاری از اعضا کنگره هند رهبر شد *

محافل دولتی میگویند ثابت کنند که تضعیف رپیه برای تشویق صادرات، تقویت قدرت رقابتی کالاهای هند در بازار جهانی و سلامت وضع اقتصادی کشور ضروری بوده است. ولی این عذر برای بسیاری از اهالی هند موجه نیست. آنان این اقدام را عقب نشینی در مقابل فشار ایالات متحد و همانند جهاننی توسعه و ترمیم میدانند. ایالات متحد همانند جهاننی با وعده کمک به هند در امر برطرف ساختن مشکلات کنونی اقتصادی کشور سعی دارند برای رسوخ بعدی سرمایه خصوصی امریکائی و نیز نفوذ سرما های سایر کشورهای رشد یافته سرمایه داری در اقتصاد هند شرایط مساعدتری بدست آورند و از این راه پنحو فعال تری در خصلت و سمت رشد آتی هند اعمال نفوذ کنند *

نیروهای ترقیخواه د مکرآتیک هند، ضمن مبارزه علیه عقب نشینی در قبال انحصارهای داخلی و خارجی برای انجام تحولات عمیق اجتماعی بنفع مردم و از جمله برای اجرای تمام جنبه های مترقی و د مکرآتیک اعلامیه های برنامه ای حزب کنگره ملی هند مبارز میکنند. آنان با تلاشهای سرمایه انحصاری که درصد بسط نفوذ خود در اقتصاد کشور است و مساعی قشرهای بالائی طبقات شروتمند که میخواهند د شواریهای اقتصادی را بحساب خود و های زحمتکش برطرف سازند، مخالفت میورزند. و اما در مورد سرمایه خارجی، نیروهای د مکرآتیک هند با جلب آن بطور کلی مخالف نیستند، بلکه با شرایط دریافت آن که بمنافع ملی هند لطمه وارد میسازد مخالفند. آنان معتقدند که حلب کمسک خارجی باید مکمل مساعی کشور در امر تجهیز منابع داخلی باشد *

جنبش روز افزون توده های وسیع زحمتکشان و تشدید مبارزه آنان با خطر دفاع از منافع حیاتی خود، زحمتکشان را هر چه بیشتر بدرك ضرورت حیاتی وحدت عمل سوق میدهد. در این اواخر احزاب چپ در یکسلسله از ایالات هند وحدت عمل معینی بدست آورده اند. ولی بطوریکه در قرارهای اجلاسیه شورای ملی حزب کمونیست هند که در ماه ژوئن سال ۱۹۶۶ برگزار شد، خاطر نشان شده است "باید اذعان کرد که وحدت عملی که فعلا بدست آمده است همچنان بطور عمده بمسائل اقتصادی محدود میشود، در حالیکه در زمینه مسائل سیاسی همچنان بجای وحدت عمل اختلاف نظر وجود دارد. - امیرالایسم و نیروهای ارتجاع بخصوص از همین ضعف و تشتت سیاسی نیروهای چپ و د مکرآتیک برای تعرض خود استفاده کامل میکنند. "

احزاب چپ کوششیکار میبرند که در انتخابات عمومی آینده وحدت عمل بدست آورند. در پایان ماه ژوئیه سال جاری ۹ حزب اپوزیسیون چپ در دلهی علی الاصول موافقت کردند که در این انتخابات متقابلاً از رقابت خود داری کنند. آنها کوشش خواهند کرد در تبلیغات انتخاباتی خود بر پیامیه پشتیبانی متقابل از کاندیدها ایجاد هماهنگی نمایند. این کار در ولایاتی انجام خواهد شد که چنین هماهنگی در آنها میسر باشد. ولی این احزاب نتوانستند پلاتفرم انتخاباتی مشترکی تنظیم نمایند و لذا هر حزب با برنامه خاص خود وارد مبارزه خواهد شد. نمایندگان هردو حزب کمونیست هند، حزب سوسیالیست متحد، حزب انقلابی سوسیالیستی، "فوروارد بلوک"، "ماهاگوچرات جاناتا پارشاد" حزب دهقانان و کارگران، مرکز وحدت سوسیالیستی و "بهارایتا ساما جوادی پارشاد" این موافقت نامه را امضا کرده اند *

باید خاطر نشان ساخت که احزاب جناح راست ارتجاع هند برای وحدت عمل و هماهنگ ساختن

فعالیت خود در جریان انتخابات کوششهای فراوان بکار میبرند . آنها کوشش خواهند کرد تعداد نمایندگان خود را در ارگانهای مقننه هرچه بیشتر افزایش دهند تا بدینوسیله نفوذ نیروهای ارتجاعی را در خصلت و سمت رشد اقتصادی و سیاسی کشور تشدید کنند برای اینکار از هیچ وسیله‌ای روگردان نیستند . برای توسل به هرگونه زد و بند پیش از انتخاباتی آماده اند . بعضی از این احزاب برای نیند به هدف خصوصی با احزاب اپوزیسیون چپ بمغازه میبرد ازند .

* * *

در هندوستان میان کسانیکه معتقدند پایان دادن بعقب ماندگی اقتصادی و صنعتی کسردن کشور باید با تحولات عمیق اجتماعی بفتح اکثریت اهالی توأم باشد و کسانیکه سعی دارند بخاطر پیشرفت سریع کشور به انحصارات داخلی و خارجی که سرمایه داری را از طریق تشدید استثمار توده های زحمتکش با سرعت بجلو خواهند راند آزادی کامل داده شود ، مبارزه شدید انجام میگیرد .

نیروهای ترقیخواه هند و از جمله برخی از نمایندگان حزب حاکمه علیه تقویت انحصارهای داخلی و خارجی بمنظور استفاده از منابع داخلی جهت رشد سریعتر اقتصاد کشور و ارتقا سطح زندگی توده های مردم مبارزه میکنند . مثلاً ک . کاماراج رئیس حزب کنگره ملی هند در اوایل دهه سیست سال جاری اعلام داشت که برای جلوگیری از تمرکز قدرت اقتصادی در دست عده قلیل برای محققایای فئودالیسم و انجام تحولات عمیق در روستای هند باید تدابیر جدی اتخاذ گردد .

نیروهای دموکراتیک هند بد رستی بر این عقیده اند که برای نجات کشور از مشکلات کنونی باید راه رشد دیگری اتخاذ گردد که تحولات اجتماعی و اقتصادی عمیق را میسر سازد ، نیروهای مولده را در عرصت و کشاورزی از قید و بند رها کند ، رشد سریع اقتصادی را تامین نماید و سطح زندگی توده های مردم را ارتقا دهد . نیروهای دموکراتیک هند علیه راه رشد سرمایه داری مبارزه میکنند زیرا این راه قدرتگروه بندیهای انحصاری را که در اتحاد با املاکان و عناصر نیمه فئودال و اشرافی سرمایه انحصاری خارجی رشد مستقلانه و دموکراتیک کشور را باخطر روز افزون مواجه میسازند ، افزایش میدهد . نیروهای دموکراتیک ضد سرمایه داری جامعه هند به ضرورت حیاتی تحولات عمیقی که بتوانند کشور را در راه رشد ترقی و دموکراتیک سوق دهد کاملاً واقفند . ولی این نیروها فقط در صورتی میتوانند تاثیر قاطع خود را در چگونگی سیر تکامل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور بسود مردم هند اعمال نمایند که بتوانند بر آکندهگی و شست عمیق کنونی را در صفوف خود بر طرف سازند . ارمانهای برابری و عدالت اجتماعی در میان مردم هند رواج کامل دارد . مردم هند دارای شعاع دموکراتیک پرافتخار هستند . باینجهت قابل تصور نیست که چنین مردمی نتوانند برای مقابله با تعرض نیروهای ارتجاعی داخلی و خارجی برای سوق کشور براه رشدی که پاسخگوی منافع عالی ملت و منافع اکثریت قاطع مردم هند باشد ، نیروی لازم در خود نیابند .

دورنمای همکاری و وحدت نیروهای

ترقیخواه کشورهای عربی

لطیف الحولی

اخبار در حیات سیاسی کشورهای عربی گرایش‌های تازه‌ای پدید آمده که بعقیده ما شیایان مطالبه سرزمین دقیق است * در میان این گرایش‌ها مساعی نیروهای مختلف ترقیخواه برای - همکاری و نیل به وحدت عمل در مبارزه با امپریالیسم، استعمار و نیروهای ارتجاعی عربی و طهر حد و بافتنود الیسم و سرمایه‌های بزرگ دارای اهمیت بسیار است *

یکی از نمودارهای گرایش‌نیروهای ترقیخواه کشورهای عربی، مسوی همکاری برقراری ارتباط میان جریان‌ها و احزاب و سازمان‌های مختلف ضد امپریالیستی و تبادل نظر آید درباره مسائل حاد جنبش انقلابی عربی است * از این لحاظ ملاقات اخیر نمایندگان سازمان‌های مختلف ترقیخواه و رجال جنبش انقلابی جهان عربی در قاهره که برای شرکت در جشن چهاردهمین سالگرد انقلاب ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲ مصر در این شهر گرد آمده بودند، دارای اهمیت خاصی بود * در جریان این ملاقات درباره یکسلسله مسائل مهم جنبش انقلابی عربی و از جمله درباره مسئله وحدت عمل نیروهای ترقیخواه (که رئیس‌جمهور ناصر، سال گذشته بارها آنرا تأکید کرده بود) بحث‌های روشن و مشروحی انجام گرفت * مباحثه درباره این مسئله نشان داد که میل به وحدت عمل اکنون مورد توجه تمام جنبش‌ها و سازمان‌ها و احزاب انقلابی عربی است *

✽

مساعی نیروهای ترقیخواه برای متحد ساختن صف‌های خود پیش از همه نتیجه تحولات اساسی در جنبش آزاد بیخشم ملی عرب در سال‌های اخیر و نیز نتیجه تجاربی است که در این سال‌ها بدست آمده است *

جنبش انقلابی در جهان عرب اکنون در سیر تکامل خود به مرحله نوینی رسیده است * وظیفه آزادی کامل ملی، با وظیفه تأمین آزادی اقتصادی و اجتماعی و حفظ استقلال سیاسی و رشد اقتصادی و تحکیم آن در قبال کوشش مردم امپریالیست‌ها و تکنوکرات‌ها برای بازگرداندن مواضع اقتصادی از دست رفته، هر چه بیشتر با هم در هم آمیخته است * این امر در عین حالی انجام تحولات بنیادی را در زمینه اقتصادی و اجتماعی بسودتوده‌های زحمتکش ایجاد میکند و آنرا به بهترین وظیفه بدل می‌نماید * بطوریکه نمونه جمهوری متحد عربی هم‌اکنون در مبارزه بخاطر آزادی اقتصادی و تحولات اجتماعی و اقتصادی، موجبات لازم را برای درهم شکستن بنیاد اجتماعی کهنه ویرانده‌اش فراهم ساخته است *

(۱) - مؤلف این مقاله عضو بیرونی خانه مسائل آید. عنوان این اتحادیه سوسیالیستی عربی (جمهوری متحد عرب) و سردبیر مجله الطلیعه منتشره در قاهره می‌باشد *

فتوئدال ها، صورثوآزی بزورگ وسایر طبقات وقشرهای استعمارگرکه سعی دارند جلوی پیشرفت اجتماعی واقتصادی کشوررا بگیرند فراهم میسازد و به نفی راه رشنمراهیه داری وگام نهادن درراه سوسیالیسم منجر میگردد . تکامل پیگیرومد اوم انقلاب ملی دراوغاع واحوال کنونی جهان میتواند باین انقلاب محتوی سوسیالیستی بدهد .

چنین دورنمائی مسائل تازه وازجمله این مسئله را درمقابل نیروهای انقلابی مطرح میسازد که اگر طبقهکارگریکه باید جامعه را بسوی سوسیالیسم سوق دهد ازلحاظ سیاسی وسازمانی هنوز بآن درجه از رشد نرسیده باشد که بتواند بطبقه سرکرده مبدل شود درچنین جامعه ای پیشرفت درراه سوسیالیسم تاچه اندازه امکان پذیراست . اگر بخواهیم این مسئله را براساس تحول مشخصی که پس ازانقلاب ۲۳ ژوئیه سال ۱۹۶۲ درجامعه مصر انجام گرفته بررسی کنیم باین نتیجه خواهیم رسید که تحول این جامعه درجهت سوسیالیسم تا همین لحظه حاضر بیشتر از آنکه نتیجه تبدیل طبقه کارگر به نیروی رهبری کننده باشد ، ناشی از ضرورت تاریخی واجتماعی تقویت دستاوردهای ملی ودفاع از آن درقبال امپریالیسم واستعمارنویبده است .

منظور ما نفی این حقیقت نیست که پرولتاریاد رابنده همپای صنعتی شدن ورشد عمومی اقتصادی واجتماعی نقش روزافزونی در تعیین سرنوشت مردم بازی خواهد کرد . ما در اینجا فقط این واقعیت را خاطر نشان میسازیم که نقش رهبری در جمهوری متحد عربی اکنون در دست سران انقلاب ملی است و این رهبری از سیاستی پیروی میکند که هدف آن بسط دامنه تحولات اجتماعی واقتصادی ودفاع از منافع توده مردم است .

بنظر ما در اوغاع واحوال سیاسی بفرنجی که امروز در جهان عرب حکم فرماست ، عدم تطابق مواضع احزاب وسازمانهای مختلف انقلابی در زمینه نقش طبقه کارگر وسایر طبقات وقشرهای اجتماعی در انقلاب آزاد بخش ملی وانقلاب اجتماعی نباید مانع همکاری ووحدت عمل نیروهای ترکیبخواه در مبارزه باد دشمن شده ومیشترک آنها یعنی امپریالیسم گردند . برای دفع تعرض امپریالیسم وار تجماع بسیج تمام نیروهای اجتماعی وسیاسی که برای پیشرفت وترقی مبارزه میکنند ، ضروری است (هر قدر هم که این نیروها از لحاظ ترکیب اجتماعی خود نامتجانس باشند و صرف نظر از مقامی که آنها در جنبش انقلابی اشغال مینمایند) ، بسیج نیروها بر حسب شرایط مشخص وآرایش نیروهای طبقاتی در هر یک از کشورهای عربی میتواند اشکال مختلف داشته باشد . مثلا در جمهوری متحد عربی بسیج نیروها از طریق متحد شدن نمایندگان تمام طبقات وقشرهای اجتماعی (که هر یک از مواضع خاص خود برای احیاء ملی مبارزه میکنند) در یک سازمان سیاسی توده ای یعنی در اتحادیه سوسیالیستی عربی انجام گرفته است .

کارگران ، دهقانان ، روشنفکران ، سربازان ورخی از قشرهای بورژوازی ملی ترکیب طبقاتی اتحادیه سوسیالیستی عربی را تشکیل میدهند . ولی کارگران و دهقانان که نیروی عمده جنبش انقلابی هستند لااقل پنجاه درصد رهبری را در دست دارند . در همین حال در داخل اتحادیه سوسیالیستی عربی ، حزب پیشرو انقلابی بوجود میآید که صرفا از عناصر سوسیالیستی پشتیبان مشوراقد اهلی وهواداراند یسه های سوسیالیسم ملی تشکیل یافته است . این حزب پیشرو موظف است که اتحادیه سوسیالیستی عربی وتام مردم مسررا براه سوسیالیسم سوق دهد . بدین ترتیب وحدت میلی که در جمهوری متحد عربی تحت رهبری حزب پیشرو تحقق می یابد پیش از همه باتحاد

کارگران و دهقانان و روشنفکران انقلابی یعنی بآن طبقات و قشرهای اجتماعی متکی است که در تولید اجتماعی نقش اساسی دارند و اینجبهت همپای پیشرفت اقتصادی و انجام تحولات اجتماعی مسئولیت هرچه بیشتری بآنها محول میگردد .

تشدید جریان رزندی میان نیروهای طبقاتی و سیاسی از خصائص رشد جنبش آزاد بیخشم ملی عرب در سالهای اخیر است . بهر ژوازی بزرگ و صرخه دیگری از طبقات و قشرهای صاحب امتیاز که در مرحله اول انقلاب از منافع آنها دفاع و یا پشتیبانی سسد ، در جریان توسعه و تعمیق بعدی انقلاب بتدریج یا از راه انقلاب منحرف شده اند و یا هدفهای خاص و منفرضانه خود را بالاتر از منافع ملی قرار میدهند . در عین حال قشرهای وسیع مردم و توده های زحمتکش شهر و روستا که بضرورت انجام پیگیر و مداوم تحولات اجتماعی و اقتصادی پی میروند - به نهضت انقلابی جلب میگرددند . جلب توده های زحمتکش سه صفوف مقدم مبارزه ای که بخاطر احیای ملی انحاء پیگیر با مقاومت شدید فتوید آنها و سایر طبقات فرودست صاحب امتیاز برپا میشود و چه بسا به کشفکشها و تصادمات حاد طبقاتی منجر میگردد .

یکی از نمونه های این تصادمات ، حوادثی بود که در کامیش، یکی از دهات مصر رخ داد . دست نشاندگان فتوید الهاد در ماه مه سال جاری یکی از اعضا فعال اتحادیه سوسیالیستی عربی را که مدافع مناقع دهقانان بود ، بقتل رساندند . (پلارو میسوم که پیش از حوادث کامیش برای مصادره تمام زمینهای که از ۱۰۰۰ فدان (۴۲ هکتار) تجاوز میکنند و همچنین برای الغاء پرداخت غرامت در قبایل زمینهای مصادره شده اقداماتی از طرف دولت بعمل آمده بود) ، بدنبال حوادث کامیش علیه سرمایه داران طبیبی و عناصر فتوید الی که در نتیجه اصلاحات ارضی سالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۶۶ از میان رفته بودند ، از طرف دولت اقدامات تازه ای بعمل آمد . هدف این اقدامات محدود ساختن بیشتر فتوید فتوید الی ها و سرمایه داران و از جمله فتوید بازرگانان عمده فروش و پیمانکاران بزرگ بود . در عین حال اقداماتی که جهت توسعه و تحکیم نهضت کثوبراتیفی در میان دهقانان انجام میگرفت ، ادامه یافت . برای اولین بار در جمهوری متحد مهربی اتحادیه کارگران روستائی تشکیل شد . نهضت سندیکائی در شهر تقویت گردید و دسته شرکت کارگران در امور رهبری موسسات دولتی و وسعت یافت . تشدید تضاد های اجتماعی که نتیجه ناگزیر قطب بندی نیروهای طبقاتی و سیاسی است ، برای وحدت توده ها و حزب پیشرو خطرات معینی در بر داشت . ولی این امر در عین حال به اتحاد و همکاری وسیعترین قشرهای جامعه در زمینه انجام تحولات اجتماعی کمک میکند . بخصوص اکنون که پایه توده ای انقلاب در حال گسترش مداوم است ، هدف های سوسیالیستی و خواسته های تحول اجتماعی از طرف محافل وسیع میهن پرستان و انقلابیون ، اعم از مارکسیست های عرب و یا نمایندگان روشنفکران میهن پرست و سایر قشرهای غیر پرولتره مطرح میگردد . در پرتو تکرار عمده زمان ما یعنی در پرتو تأخیر مداوم تناسب قوای سیاسی که در عرصه جهانی بسود سوسیالیسم صورت میگردد ، بعقیده ما میتوان تحولات بنیادی اجتماعی و اقتصادی در جهت سوسیالیسم را در شرایطی انجام داد که نه فقط پرولتاریا ، بلکه تمام طبقات خواهان رستاهیز ملی و پیشرفت اجتماعی نیز به انجام پیگیر آنها عازمند باشند .

البته جمهوری متحد عربی و سایر کشورهای مستقل عربی که از هدف های سوسیالیستی پیروی میکنند ، دارای خصوصیات تاریخی و ملی متمایز از خصوصیات رشد کشورهای اردوگاه جهانی سوسیالیستی هستند ، ولی این تمایز مانع برقراری و توسعه روابط دوستانه و همکاری نزدیک مبتنی بر منافع متقابل

و عدم دخالت در امر داخلی و احترام بحرف حاکمیت ملی میان کشورهای عربی و کشورهای سیستم سوسیالیستی نیست . اگر این را متکامل سوسیالیستی بخش از جنبش جهانی کمونیستی نیست ، در عوض سیاست آنتی کمونیسم را نیز مردود میداند ، زیرا خطاری که کشورهای عربی را تهدید میکند از امپریالیسم ناشی میشود نه از کمونیسم .

پیروزیهای جنبش انقلابی عرب برای امپریالیستها و ارتجاعیون جهان عربی مایه نگرانی و ترس شده است . امپریالیستها برای آنکه بنحوی از پیشرفت جنبش انقلابی جلوگیری کنند و آنرا متوقف سازند ، اخیراً مداخلات خود را در امر داخلی کشورهای عربی شدت داده اند . تعرض نیروهای امپریالیستی در کشورهای عربی قسمتی از سیاست تجاوزکارانه و مداخله جویانه آشکار امپریالیستی را تشکیل میدهند که اکنون در سراسر " جهان سوم " اعمال میگردد و تجاوز امریکا در ویتنام ، حوادث اندونزی ، مداخله مسلحانه در جمهوری دمیتریک و کودتای ضد انقلابی در غنا ، شومترین نمودار این سیاست است .

تلاشهایی که در اواخر برای ایجاد بلوک جدید امپریالیستی تحت عنوان کذایی " پیمان اسلامی " انجام میگردد ، فعالیت روزافزون نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی را در کشورهای عربی بوضوح تمام نشان میدهد . امپریالیستها دوست نشاندگان آنها در جهان عربی ، جمهوری متحده عربی را که در پیشاپیش جنبش انقلابی عربی در حرکت است و نیز سوریه و سایر کشورهای دارای رژیم شرقی را آماج ضربات اصلی خود قرار داده اند .

مبتکرین " پیمان اسلامی " یعنی محافل ارتجاعی عربستان سعودی و ایران ، امپریالیستهای پشتیبان آنها (امریکا و انگلستان و آلمان غربی) در نظر دارند که با ایجاد این بلوک جدید امپریالیستی امکانات لازم را برای ساقط کردن رژیمهای متروقی کشورهای آزاد شده عربی از طریق انواع کودتاها و توسل بعملیات تجاوزکارانه و نیز برای جلوگیری از توسعه اندیشه های پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم در این کشورها و سرانجام وارد آوردن ضربت قطعی به جمهوری متحده عربی و تمام جنبش انقلابی عرب فراهم سازند .

بدینسان همپایزمندهای داخلی تکامل جنبش انقلابی عربی در مرحله کنونی که از گرایش موجود در جهت تحول انقلاب ضد امپریالیستی و آزادبخش ملی به انقلاب اجتماعی ناشی میشود و هم شرایط خارجی که از تشدید فعالیت تخریبی امپریالیستها فاشی میشود - وظیفه اساسی و مهمی را در مقابل تمام نیروهای ترقیخواه قرار میدهد که عبارتست از متحد ساختن صفوف آنان و تأمین وحدت عمل برای دفع تعرض امپریالیسم و دفاع از پیروزیهای تاریخی مردم عرب .
 مبالغه نخواهد بود اگر بگوئیم که تکامل انقلاب عربی که آزادی ملی و سوسیالیسم و به بیان دیگر محور نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی در این منطقه در نهای آنست ، بمیزان زیادی بوحثت عمل نیروهای ترقیخواه وابسته است .



موفقیت نیروهای ترقیخواه در تأمین وحدت عمل با تنظیم پلتفرم معین در زمینه فعالیت این نیروها پیوند ناگسستنی دارد . چه چیزی باید پایه همکاری نیروهای ترقیخواه قرارگیرد ؟ اشکال و شیوه هایی که برای اتحاد نزدیک این نیروها بیشتر قابل قبول است ، کدامند ؟

تجربه سالهای اخیر نشان میدهد که احزاب و سازمانهای انقلابی عربی در رشد بمرحله جدیدی رسیده اند . دور شدن رهبران انقلابی برخی از کشورهای عربی از ائتلی کمونیسم و از زمین رفتن بی اعتمادی بمارکسیست های عرب نمودار این رشد است . در عین حال در زمینه ارزیابی تحولات اجتماعی و اقتصادی جمهوری متحد عربی و نقش مهم و مثبت آن در جنبش انقلابی عربی و همچنین در مورد مسئله اتحاد تمام نیروهای ترقیخواه نیز میتوان تحول معینی را در میان مارکسیست های عربی مشاهده نمود .

اکنون در ارزیابی اوضاع بین المللی و شرایط جهان عربی و نیز در مورد مسئله تنظیم پلانتفورم مشترک برای اتحاد تمام نیروهای ترقیخواهی که طیف امپریالیسم و استعمار نو و ارتجاع داخلی و مخاطرات آن را در راه رشد مرفعی کشورهای عربی مبارز میکنند نزدیک معینی در نظریات احزاب ملی و سازمان های انقلابی بوجود آمد ما ست . پیشنهاد هایی که در قاهره به هنگام ملاقات نمایندگان برخی از سازمانهای انقلابی کشورهای عربی و از جمله نمایندگان مارکسیست های بعضی از کشورهای عربی تنظیم گردید ، میتواند اساس این پلانتفورم را تشکیل دهد . این پیشنهاد ها شامل نکات اساسی زیر است :

۱ - جز وحدت صفتی بر اتحاد و همکاری تمام احزاب و سازمانهای انقلابی عربی ، وحدت دیگری نمیتواند وجود داشته باشد ؛

۲ - این وحدت هرگز بمعنای چنانشین کردن ارگان واحد بجای تمام سازمانها و احزاب انقلابی موجود در جهان عربی نیست ، بلکه بمعنای متشکل ساختن مبارزه واحد است با برنامه معین سیاسی و هدفهای روشن و دقیق زیرین ؛ نجات کامل کشورهای عربی از " حضور " و نفوذ امپریالیست ها و انحصار ها ، انحلال پایگاهها و پیمان های نظامی ، حمایت ترقی ت رژیمهای انقلابی عربی و جنبشهای آزادی بخش ملی موجود در نواحی مختلف جهان عرب ، محور " پیمان اسلامی " امپریالیستی ، ریشه کن ساختن نفوذ فئودال ها و سرمایه داران بزرگ ، برانداختن عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی از طریق انجام تحولات اجتماعی موافق با اصول سوسیالیسم پرنامه ریزی مشترک برای تمام منابع محلی سراسر جهان عربی .

۳ - اگرچه این وحدت تا اندازه زیادی بامر وحدت سازمان ها و احزاب انقلابی در داخل هر یک از کشورهای وابسته است (وحدتی که بر حسب شرایط مشخص هر کشور میتواند شکل سازمان انقلابی واحد و یا جبهه ترقیخواه ملی خود بگیرد) ، معیذ ابرای تأمین وحدت انقلابی در سراسر جهان عربی نباید منتظر ایجاد وحدت در یکایک کشورهای عربی شد . باید بهر سازمان و هر حزب انقلابی در هر یک از کشورهای آزادی داده شود تا این سازمانها و احزاب بتوانند بسهم خود برای تحقق بید رنگ وحدت نیرو های انقلابی سراسر جهان عربی و نیز برای تأمین وحدت داخلی هر کشور مجاهدت ورزند .

۴ - این وحدت نباید فقط بوحدها در بالا که بدست رهبری ها و ولتها تحقق مییابد ، محدود شود ، بلکه باید بکمک وحدت در سازمانهای پایه ای که توده ها را در بر میگیرد ، تقویت گردد و تمام طبقات و قشرهای اجتماعی علاقمند به رهائی کامل از قید تمام مظاهر اقتصادی و سیاسی ستامپریالیستی و پیشروی بسوی سوسیالیسم را نیز در برگیرد ؛

۵ - این وحدت نباید درصدی در حدی نمونه معینی از تکامل اجتماعی و رشد سیاسی بتمام کشورهای عربی برآید و یا برای ساختن سوسیالیسم انتخاب شود ، از پیش تعیین کند . این کار در صلاحیت نیروهای ترقیخواهی است که در داخل هر یک از کشورهای عربی متناسب با شرایط و امکانات خاص خود با استفاده از تجارب انقلابی خویش و تجارب انقلابی جهانی ، مبارز میکنند . وظیفه ای که باید

در زمینه مبارزه مشترک و متحد انجام گیرد عبارتست از تقویت گرایشهای شرقی و دفاع محدانه از ایمن گرایشها در قبال فعالیت تخریبی امپریالیسم ؛

۶ - این وحدت نباید به بحث بر سر مسائل ایدئولوژیک محدود گردد ، بلکه باید موجبات توافق نظر در زمینه مسائل مشخص سیاسی و اجتماعی که با مبارزه کنونی جهان عرب در راه تحقق هدفها و وظایف بسیار ضروری پیشگفته ارتباط دارد - فراهم سازد .

با در نظر گرفتن این ملاحظات وحدت را میتوان بر پایه واقعی متناسب یا آنچنان هدفهای عاجل و روشنی استوار ساخت ، که اختلافات و تضادها ایدئولوژیک نتواند بر روی آنها سایه اندازد . این پیشنهادها امکان میدهند که پایه های لازم برای توافق ایدئولوژیک بوجود آید . برانیک انقلابی

و مبارزه متحد در چارچوب برنامه مشترک موجبات تحکیم این توافق ایدئولوژیک را فراهم خواهد ساخت .

۷ - امروز نیروهای انقلابی عربی کوشش دارند با کنار گذاشتن سوگن ها و روحیاتی که در سالهای اخیر در نتیجه بغرنجی اوضاع جدید و اختلاف در عقاید و تفاوت راههای انتخاب شده بوجود آمده بود ، متفقاً با همین وحدت در مبارزه نائل آیند ، این نیروها بی برده اند که مسئولیت اشتباهات پیش آمده بعهده همه آنهاست و وظیفه ما امروز این نیست که میزان تقصیر هر یک از این نیروها را تعیین کنیم ، بلکه وظیفه ما آنستکه برای تجربه اندوزی از این اشتباهات برای اجتناب از تکرار آنها در آیند و بدون سرکوفت زدن به سازمانها و احزاب ماهیت این اشتباهات را با دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم .

۸ - امروز پیش از هر زمان دیگر برای ایجاد وحدت در کوتاهترین مدت ، شرایط سیاسی مساعد وجود دارد . حوادث و عوامل عینی مشروح در زیر برای این وحدت زمینه مساعد فراهم میآورد :

- ملاقات های شریحتر رهبران و سران دولتی جمهوری متحد عربی ، الجزیره و سوریه ؛
- سیاست جمهوری متحد عربی درباره اعراب که در آستانه چهارمین سالگرد انقلاب مصر بوسیله پرزیدنت ناصر اعلام گردید و مخصوصاً اعلامیه ناصر درباره اینکه جمهوری متحد عربی در چهارمین جلسه مشاوره سران دول عربی در الجزیره شرکت نخواهد کرد و دولت جمهوری متحد عربی تقاضای تعویق این جلسه را دارد تا نیروهای ارتجاعی امکان نداشته باشند از این جلسه برای سیاست ضد عربی خود استفاده کنند ؛

- تجربه انقلابی کشورهای عربی و دستاوردهای مادی و معنوی آنها در زمینه های سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و اجتماعی که در نتیجه جنبش انقلابی بدست آمده است و آن نقش بزرگی که این جنبش میتواند در سرکوب تجاوز امپریالیسم و محافل جنگ طلب صهیونیستی و نیز در امر رشد اجتماعی کشورهای عربی در راه بیوسمیلیسم ایفا کند ؛

- خصوصیت همصردم عرب با اصطلاح " پیمان اسلامی " و الهام گران امپریالیستی و ارتجاعی آن و محکوم ساختن استفاده از مذهب بمنظور فعالیت های خرابکارانه ضد انقلابی .
این شرایط مساعد برای وحدت نیروهای انقلابی عربی ، بعد از در اثر پاسخهای صریحی که در مباحثات قاهره بدو مسئله زبرداده شد ، صورت دقیق تر و مشخص تری بخود گرفتند .

۱ - این اتحاد چه شکل مشخصی باید بخود بگیرد ؟ آیا باید بصورت سازمان واحدی که تمام سازمانها و احزاب ترقیخواه ملی موجود را در خود مستحیل سازد و باید و یا باید شکل جنبه انقلابی طراز زئونین را بخود بگیرد که مبارزه تمام این احزاب و سازمانها را موافق با خط مشی معین و هدف

هسای مشخص متحد میسازد ؟

در این مسئله توافق حاصل شده که در اوضاع کنونی ، جنبه انقلابی بهترین شکل ممکن وحدت است . ولی شرکت کنندگان در مباحثه خاطر نشان ساختند که هسای تحکیم وحدت در مبارزه مشترک بخاطر هدف های مشترک ، در آینده تحول جنبه انقلابی بسازمان واحد امکان پذیر است .

۲ - آیا تجربه انقلابی مصر را که سازمانهای کمونیستی و سایر سازمانهای مترقی ملی آن را و طلبانه از استقلال خود دستکشیدند و اعضا آنها بطور انفرادی وارد اتحادیه سوسیالیستی عربی شدند ، میتوان بعنوان شرط تأمین کننده وحدت عمل ، در مورد تمام کشورهای عربی بکار بست ؟

در این مورد نیز توافق بعمل آمد که گرچه تجربه انقلابی مصر بسیار با ارزش است ، ولی نباید شرا مشخص جنبش انقلابی هر یک از کشورهای عربی را نادیده گرفت و لذا نباید باشاهه شیوه انقلابی مصر در سایر کشورهای عربی که دارای خصوصیات اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی متفاوت هستند ، دست زد .

بدیهی است آنچه که بعنوان پایه و اساس پلاتفورم وحدت نیروهای مختلف ترقیخواه در کشورهای عربی بیان شد ، تمام اشکال و شیوه های همکاری احزاب و سازمانهای انقلابی مختلف و طریق اولی تمام مسائل مربوط به وحدت عمل را در بر نمیگیرد . در این مقاله فقط برخی جوانب این مسئله بیشترنج که تحقیق بعدی را بر اساس تجارب احزاب و سازمانهای مختلف کشورهای عربی ایجاب میکند ، مورد بررسی قرار گرفته است . از جمله جستجوی اشکال مشخص اتحاد تمام جریانهای مترقی و جستجوی تاکتیک جنبه واحد نیروهای ضد امپریالیستی متناسب با پیشرفت حوادث و شرایط مشخص هر یک از کشورهای عربی در آینده نیز ضروریست . بعقیده ما اشکال شرکت نمایندگان احزاب و سازمانهای انقلابی مختلف در تنظیم برنامه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی ، اداره حکومت ، اشکال بسیج توده های وسیع بسورای پشتیبانی از رژیم های انقلابی کشورهای عربی نیز مستلزم تجزیه و تحلیل دقیق میباشد .

معهد ضرورت مبرم ادامه بررسی مسئله وحدت نیروهای انقلابی کشورهای عربی نه تنها از اهمیت پلاتفرمی که نمایندگان سازمان ها و احزاب انقلابی در این زمینه در جلسه مباحثه خود در قاهره تدوین کردند نمیگاهد ، بلکه مهد اهمیت آنست . بعقیده ما این پلاتفورم پایه های وحدت عمل نیروهای انقلابی را بوجود میآورد . این پلاتفورم نخستین گام در راه تبدیل شعار " وحدت نیروهای انقلابی عربی " یا " یگانگی واقعبینی است که بستواند در مبارزه میهن پرستان عرب بخاطر پیشرفت اجتماعی کشورهای عربی ، روح تازه بدعد .

تاخت و تاز ارتجاع در اردن

سالم امین

ارتصوب قانون عمومی در اردن هنوز یکسال هم نگذشته است ، پس ارتصوب این قانون تمام زندانیان سیاسی آزاد شدند و در شهرها و روستاهای اردن آرامش حکمفرما گردید . . .

ولی یگر زندان ها وارد و گاههای کشور از زندانیان سیاسی - رجال اجتماعی و فعالین سندیکائی ، پزشکان و قضات و هندی سین - پر شده است . کمیته‌های برجسته ای مانند رشدی شاهین ، عربی عوض و خالد و بن عبد الحقی از جمله این زندانیانند . زندانیان سیاسی تحت نظارت " متخصصین " امریکائی و آلمان غربی گرفتار غیر انسانی ترین و وحشیانه ترین شکنجه ها هستند . چونتاملی باعث این ترور و اجحاف شدید شده است ؟

هرکس حوادث سال گذشته خاور نزدیک و با اصطلاح مطبوعات اسپرالیستی کشورهای " شرق سوئز " را بدقت تمقیب کرده باشد منظره برایش روشن است .

در داخل منطقه خاور نزدیک ، در خاک بزرگترین کشورهای عربی ، مناسبات جدیدی میان افراد در حال پیدایش است . در جمهوری متحده عربی و الجزیره و سوریه تحولات اجتماعی و اقتصادی انجام میگردد و در جریان این تحولات مناسبات فتودالی و نیمه فتودالی از میان برداشته میشود . طبقات و قشرهای راست ساقط شده اند ، عناصر ارتجاعی از صحنه سیاست خارج میشوند . این تحولات بنیادگرا در نزدیکی اردن انجام میگردد و میتوان گفت تادم مرزهای اردن ادامه می یابد . مثلا در سوریه در فاصله چند متری اراضی اردن که هنوز به فتودال ها تعلق دارد ، زمینیان دهقانان تقسیم میشود . بهبود شرایط زندگی و بالا رفتن نقش طبقه کارگر در زمینه های اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی در جمهوری متحده عربی و سوریه و الجزیره مورد استقبال پر شور تاجران اردن قرار میگیرد .

بدیهی است که این وضع محافل حاکمه اردن یعنی بورژوازی بزرگ و فتودالها را دچار وحشت میسازد . این محافل که تمام وسائل رسمی اعمال تاثیر در افکار عمومی ، یعنی رادیو و مطبوعات و غیره را در اختیار دارند در آغاز علیه تحولات اجتماعی و اقتصادی در برخی از کشورهای عربی به تبلیغات دامنه دار دست زدند و مدعی شدند که گویا این تحولات با مصالح اعراب مغایرت دارد و متناسب حال آنان نیست . آنها مدعی بودند که تنهاراه برای اعراب ، راه رشد سرمایه داری است . این محافل با تفییراتی که در ترکیب دولت اردن بوجود آوردند ، تسلط روز افزون بانگها و نمایندگان گنجهای کمپانیهای خارجی را در کشور تاهمین نمودند راه را برای نفوذ سرمایه های خارجی هموار ساختند . این سیاست که از طرف امپریالیستهای مشرق میشود و حتی بگمک آنان تنظیم شده است با منافع و حقوق توده های مردم مغایرت دارد . محافل حاکمه اردن امیدوارند که بگمک فشار و ترور بتوانند نهضت مردمی را که علیه سیاست ارتجاعی آنان و علیه هواداری آنها از امپریالیسم مبارزه میکنند مختل و ساقط سازند .

بدین ترتیب ترویج و ترویج داد و رد اخل کشور همراه با افزایش نقش دولت اردن در تحریک و توطئه علیه سوریه و جمهوری متحد عربی آغاز گردید . بهیچوجه تصادفی نیست که پورش مامورین پلیس ریخانه های میهن پرستان اردن با زمانی مصادف شد که مواحد های نظامی اردن بمنظور تهدید دولت مرفقی سوریه در مرزهای این کشور متمرکز میشدند .

هیئت حاکمه اردن در عین حال مناسبات خود را با عربستان سعودی که تکیه گاه ارتجاع در جهان عربی است بهبود و توسعه میبخشد . باز دید های متقابل در سطح عالی دولتی و میان هیئت های نظامی افزایش می یابد . ملک حسین چندی پیش برای بازدید رسمی بازم انگلستان و مراکش گردید . تمام اینها با اقداماتی که برای بستن دست و پای عده هر چه بیشتری از کشورهای عربی به " پیمان اسلامی " امپریالیستی انجام میگردد ، ارتباط دارد .

خط مشی ارتجاعی سیاست خارجی دولت اردن یا تشدید ترور اعضا " احزاب و گروه های سیاسی ترقیخواه و هواداران آنها همراه است . حتی دهها افسر با زداشت و زندانی شده اند . زندانیان را با جریان برق شکنجه میدهند ، آنها را اعیان کرد ، و تمام شب وارونه اویزان میکنند و شدت کتک میزنند . محل زندانیان سیاسی بکلی مخفی نگاهداشته میشود . اخباری که از سولولهای زندان ها به بیرون درزمینند ، حاکیست که زندگی کمونیستهای مشهوری چون رشدی شاهین و بسیاری دیگر در معرض خطر است . بسیاری از میهن پرستان بد ادگاه نظامی تسلیم گردیدند و در حالیکه از حق دفاع محروم بودند از ۵ تا ۱۰ سال بزند ان محکوم شدند .

ولی هیچیک از این شیوه های سرکوب و وحشیانه نتوانسته است جلوی مبارزه مردم را علیه سیاست خارجی خطرناک محافظ حاکمه اردن و علیه تاخت و تاز ارتجاع در کشور بگیرد . اتحادیه حقوقدانان طی اعلامیه ای علیه اینگونه اقدامات دولت اعتراض کرده و از اتحادیه های دیگر همچون اتحادیه های کارگران ، پزشکان و صهند سین دعوت میکنند که متقابلاً اعتراض بپردازند . در ناپلوس در محفل سراسیمونی بعنوان اعتراض تحت شعارهای زیرین تشکیل شد :
 " ما خواستار آزاد پهای دموکراتیک هستیم " ، " زندانیان سیاسی را آزاد کنید " ، " مرگ بر امپریالیسم امریکا " و " پیمان اسلامی " .

اکنون تمام مردم ترقیخواه - کمونیستها و سوسیالیستها و ناسیونالیست ها - بخاطر منافع واقعی طبقه کارگر و روستاییان بجارزه دامنه دار مشغولند . این نیروها همبستگی خود را با کشورهای و نهضت های مرفقی جهان عربی و جنبش آزادیبخش ملی و اردو گاه سوسیالیستی اعلام میدارند .

تمام نهضت ها و احزاب ترقیخواه و همصین پرستان واقعی اکنون بهتر از هر زمان دیگر درک میکنند که وحدت آنان ضامن آنستکه کشور اردن بتواند در راه پیشرفت و ایجاد حکومت دموکراتیک گام بردارد . این حکومت با تلاشهای امپریالیستی برای وابسته کردن کشور به پیمان های نظامی مبارزه خواهد کرد و انجام تحولات اجتماعی و اقتصادی متناسب با اراده توده ها خواهد پرداخت .

پیشرفت علمی و فنی و گرایشهای رشد اقتصادی در اتحاد شوروی و آمریکا

والنتین کودروف

مسئله مسابقه اقتصادی دو سیستم جهانی فعلیت خود را هیچوقت از دست نداده است و مانند گذشته توجه زحمتکشان سراسر جهان بان معطوف است. کمونیست ها حکم مشهور لنین را یعنی بر اینکه کشور سوسیالیستی ما تاثیر عمده خود را در انقلاب جهانی از طریق سیاست اقتصادی خود اعمال میکند، ملاک قرار میدهند. کمونیستهای لنینیست این حکم را یکی از پایه های رشد پروسه انقلابی دوران معاصر میدانند. رفیق آریسمندی، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست اوروگوای در بیست و سومین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی گفت: " آهنگ رشد اتحاد شوروی صلح را در سراسر جهان تحکیم میدهد، بقدرت این کشور مدافع ملل آزاد شده میافزاید، دامنه کمک آنها بمللی که در راه آزادی خود قهرمانانه مبارزه میکنند، گسترش میدهد و نفوذ بیش از پیش اندیشه های ما در شعور اکثریت جامعه بشری کمک میکند. هر یک از آمارهای شما ضریبی است بر پیکر امپریالیسم، بر تو الهام بخشی است برای طبقه کارگر برای سراسر جهان متعدد و همسایین کامیابیهای تازه در عرصه دموکراسی، آزادی ملی و سوسیالیسم کمک میکند."

پیشرفت سریع علمی و فنی که اکنون سراسر جهان را فراگرفته است، طی سالهای اخیر در خصلت مسابقه اقتصادی دو سیستم جهانی و مخصوص در مسابقه اقتصادی میان اتحاد شوروی و آمریکا تاثیر عمیق باقی میگذارد. معیارها و ارزیابی کامیابیهای رشد اقتصادی کشورهای مختلف تحت تاثیر این پیشرفت دگرگون میگردد. از این لحاظ تجزیه و تحلیل گرایشهای رشد اقتصادی دو کشور عمده صنعتی جهان یعنی اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا بیشک شایان توجه است.

اتحاد شوروی طی سالهای ساختمان سوسیالیسم جهشی کیفی از عقب ماندگی به پیشرفت انجام داد و در رشد اقتصاد مبتنی بر صنعت به مرحله کاملاً جدیدی گام نهاد. کافیت گفته شود که اتحاد شوروی در زمان حاضر تقریباً ۶۰ بار بیشتر از روسیه تزاری در سال ۱۹۱۳ فر -

آهنگ تولید و میزان تولید

در اتحاد شوروی و ایالات

متحده

آورد. های صنعتی تولید میکند. اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۵ تقریباً یک پنجم محصول صنعتی جهان را تولید نمود و حال آنکه در آستانه جنگ جهانی دوم سهم محصول صنعتی آن کمتر از یک دهم تولید جهانی بود. در همین حال باید در نظر داشت که جمعیت اتحاد شوروی فقط ۷٪ نفوس

جهان را تشکیل میدهد . رفیق برزوف ، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در کنفرانس بیستوسوم حزب ، ضمن یاد آوری این کامیابیها اظهار داشت : " وظیفه ای که از طرف حزب برای سبقت گرفتن بررشد یافته ترین کشورهای سرمایه داری در زمینه تولید سرانه معین شده است ، بطور بکسر انجام میگردد . اختلاف سطح تولید صنعتی میان اتحاد شوروی و امریکا هر چه بیشتر کاهش می یابد " .

این کامیابیها در رهبر تری عظیم نظام اجتماعی نهرین و در نتیجه تامین آنچنان آهنگ سریع رشد اقتصادی ، که از نظر دوام زمانی خود در هیچیک از کشورهای سرمایه داری سابقه داشته است میسر گردیده است . مثلاً تنها در عرض ۱۵ سال اخیر آهنگ متوسط افزایش درآمد ملی اتحاد شوروی برابر ۹٪ و آهنگ افزایش فرآورده های صنعتی آن برابر ۱۰٫۷٪ در سال بود و حال آنکه این شاخصها در امریکا بترتیب برابر ۳٫۵٪ و ۴٫۸٪ بوده است .

هنگام تجزیه و تحلیل جریان مسابقه اقتصادی اتحاد شوروی و ایالات متحد امریکا نباید فراموش کرد که در این مسابقه از لحاظ میدان عظمت میان این کشورها تفاوت فاحش وجود داشت . نیروهای مولده امریکا در امتحان انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر درقیاس نیروهای مولده روسیه تزاری سطح به مراتب عالی تری از رشد رسیده بود . مثلاً در سال ۱۹۱۳ در امریکا برابر روسیه محصولات صنعتی تولید میشد هزاره کار صنایع امریکا ۹ برابر بازده صنایع روسیه بود . بطوریکه صد انیم در حد و ۲۰ سال از ۴۹ سال موجودیت اتحاد شوروی صرف جنگ داخلی و جنگ جهانی دوم و نیز صرف احیاء اقتصاد ملی در سالهای پس از این جنگها گردید . در جنگ جهانی دوم خسارات عظیمی با اقتصاد شوروی وارد آمد . حتی اگر سال ۱۹۵۰ یعنی سالی را که زخمهای زمان جنگ تازه التیام یافته بود ، میدان مسابقه اقتصادی اتحاد شوروی و امریکا در دوران پس از جنگ بگیریم باز برتری بزرگ امریکا در زمینه امکانات بالقوه اقتصادی آن به وضوح دیده میشود . حجم محصولات صنعتی امریکا در سال ۱۹۵۰ بیش از سه برابر محصولات صنعتی اتحاد شوروی بود و در اتصال در ایالات متحده ۳٫۳ برابر اتحاد شوروی فولاد ، ۳٫۸ برابر سیمان ، ۷ برابر نفت و ۴ برابر نیروی برق تولید میشد .

اتحاد شوروی در جریان ایجاد صنایع بزرگ مدرن پیوسته به سطح رشد اقتصادی امریکانزدیک تر میشود . شاخصهای عده رشد اقتصادی اتحاد شوروی (درقیاس با امریکا) برای امریکانزدیک میکند . (به جدول صفحه (۵۵) مراجعه شود) .

ارقام متوسط رشد اقتصادی اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا نشان میدهد که محصول اجتماعی ناهوزه اتحاد شوروی من حیث المجموع ۶۲٪ محصول اجتماعی امریکا را تشکیل میدهد و تولید صنعتی شوروی تقریباً دو سوم تولید صنعتی امریکا است . اگرچه میان رشتههای مختلف صنعتی اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا تناسبات بسیار گوناگونی وجود دارد ، معهذاسه گروه درمیسان این رشته ها یخومی بچشم میخورد :

گروه اول آن رشته ها و اقلام تولیدی است که در آنها اتحاد شوروی حلال دیگر برای ایالات متحده بطور محسوس سبقت بسته است . ده پانزده سال پیش اتحاد شوروی فقط در تولید محصول ۳ - ۲ رشته برای ایالات متحده امریکا پیشی گرفته بود . ولی اکنون اتحاد شوروی بیش از ایالات متحده امریکا سنگ آهن ، زغال کوك ، زغال سنگ ، دستگاہهای فلز تراشی ، لوکوموتیو حرارتی و ترقی ،

| شماره در سال ۱۳۰۰ نسبت به امریکا در سال ۱۳۰۰ (به درصد) | سال | | | |
|---|---------|---------|---------|--------------------------------|
| | ۱۹۶۵ | ۱۹۵۷ | ۱۹۵۰ | |
| ۸۸ | ۶۲ | ۵۰ | ۳۱ | درآمد ملی |
| ۹۷ | ۶۵ | ۴۷ | ۳۰ | محصول ناپیخته صنایع |
| ۱۱۵ | ۷۷ | ۶۵ | ۳۲ | از جمله : گروه " A " |
| ۶۵ | ۴۶ | ۴۲ | ۲۷ | گروه " B " |
| ۸۳ - ۹۰ | ۷۵ | ۷۰ | ۵۵ | محصول ناپیخته کشاورزی (۱) با |
| ۵۵ - ۶۸ | ۴۰ - ۵۰ | ۴۰ - ۵۰ | ۳۰ - ۴۰ | تقریباً بیشتر |
| ۳۵ | ۲۵ | ۲۵ - ۳۰ | ۲۰ | بازده کار : در صنایع |
| | | | | در کشاورزی |
| | | | | شاخص های تولید صنعتی |
| ۱۴۱ | ۱۰۷ | ۸۵ | ۴۴ | زغال (با احتساب زغال سنگ) |
| ۹۱ | ۶۳ | ۲۸ | ۱۴ | نفت |
| ۵۱ | ۴۵ | ۷ | ۳ | گاز |
| ۱۰۵ | ۷۵ | ۴۹ | ۳۰ | پولاد |
| ۱۱۹ | ۸۲ | ۵۱ | ۳۲ | چدن |
| ۷۰ | ۴۲ | ۲۸ | ۲۲ | برق |
| ۱۵ | ۶ | ۷ | ۵ | اقوییل |
| ۹۵ | ۵۴ | ۴۴ | ۱۷ | تراکتور (از لحاظ تعداد) |
| ۱۳۵ | ۱۰۹ | ۷۷ | ۴۲ | دستگاه های فلزشناس |
| ۳۱ | ۱۹ | ۱۷ | ۱۲ | کاغذ |
| ۱۲۶ | ۶۳ | ۴۲ | ۳۱ | کود شیمیایی |
| ۵۳ | ۲۷ | ۲۰ | ۴ | الیاف شیمیایی |
| ۴۲ | ۱۴ | ۹ | ۶ | مواد پلاستیک و صمغ |
| ۱۵۷ | ۱۱۱ | ۵۸ | ۲۶ | سیمان |
| ۲۱۷ | ۱۹۴ | ۱۴۲ | ۸۴ | قند و شکر |
| ۱۲۰ | ۲۵ | ۹ | ۰٫۰۲ | پنجاهال خانگی |
| ۸۰ | ۳۱ | ۱۱ | ۰٫۰۲ | تلوزیون |
| ۱۰۰ | ۷۸ | ۵۳ | ۳۹ | کفش چرمی |

تراکتور (از لحاظ مجموع قدرت) ، کوباین غله ، چوب والوار ، سیمان ، بتون آرمه ، شیشه جام ، منسوجات پشمی وکتانی ، روغن حیوانی ، قند و ماهی تولید میکنند .
 گروه دوم عبارت از آن رشته هائی است که اتحاد شوروی هنوز در آن رشته ها از ایالات متحده عقب است ولی اکنون دیگر بمیزان زیاد با امریکا نزدیک شده است . تولید فلزات سیاه نمونسه ای از این رشته هاست . تولید پولاد در ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۶۵ بهابر ۱۲۱ میلیون تن بود و در اتحاد شوروی ۹۱ میلیون تن و یا ۷۵٪ تولید امریکا ، تولید چدن در امریکا ۸۰ میلیون تن بود و در اتحاد شوروی ۶۶ میلیون تن و یا ۸۲٪ تولید ایالات متحده امریکا .
 گروه سوم رشته هائیست که در آن اتحاد شوروی بطور محسوس از امریکا عقب مانده است . این رشته ها عبارتند از رشته تولید برقی (که در سال ۱۹۶۵ با اندازه ۴۲٪ امریکا بود) ، تولید فرآورده های شیمیائی (۳۳٪ تولید امریکا و از جمله تولید مواد پلاستیک و صمغ های سنتتیک ۱۴٪ تولید امریکا) ، تولید یخچال (۲۵٪ امریکا) ، تلویزیون (۳۱٪ امریکا) و غیره .
 تحلیل جامعتر تولید صنعتی اتحاد شوروی و امریکا نشان میدهد که در تناسبات میان حجم تولید این دو کشور و گرایش موجود است . اولاً عقب ماندگی اتحاد شوروی از امریکا در زمینه تولید محصولات رشته های جدید خیلی بیشتر از عقب ماندگی آن در زمینه تولید محصولات رشته های قدیمی و سنتی است ، ثانیاً به نسبتی که از مرحله تولید مواد خام به مرحله تولید محصول نهائی نزد یکتر میشود این عقب ماندگی افزایش می یابد .

برآورد های ما نشان میدهد که اتحاد شوروی در نتیجه آهنگ هائی که برای رشد اقتصادی کشور در پنجمان آینده در نظر گرفته است ، در سال ۱۹۷۰ از لحاظ درآمد ملی و حجم تولید صنعتی و کشاورزی بمیزان زیادی بسط کمنوی امریکا نزدیک خواهد شد و از لحاظ تولید و مسائل تولید بر آن سیقت خواهد جست . چهار نظر گرفتن این امر که محصولات تولید شده در اتحاد شوروی اکنون تقریباً هم حجم تولید امریکا در سالهای ۱۹۵۳ - ۱۹۵۱ است ، باید اذعان داشت که وظایفی که در زمینه مسابقه اقتصادی مسالمت امیز با امریکا معین شده است گام بزرگی است به پیش ، زیرا اتحاد شوروی طی پنج سال آینده باید همان راهی را بپیماید که اقتصاد امریکا طی ۱۴ - ۱۲ سال اخیر پیموده است .

ولی در مرحله کنونی مسابقه اقتصادی میان اتحاد شوروی و امریکا تنها مقایسه شاخص های حجم تولید کافی نیست . اکنون توجه اساسی را به شاخص های معرف کارائی تولید باید معطوف داشت . این شاخص ها بر اساس ارقام مربوط به استروکتور رشته های تولیدی و بر اساس مقایسه نتایج تولید با مصرف منابع تولیدی تعیین شده است و در آخرین تحلیل معرف سطح تکامل فنی تولید اجتماعی هستند . رفیق کاسیگین در پنجم ماه سپتامبر سال ۱۹۶۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان ساخت که اکنون مرکز ثقل مسابقه اقتصادی مسالمت امیز میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای کاپیتالیستی از جوانب کمی تولید به جوانب کیفی آن منتقل شده است . این نحوه برخورد در شرایط کنونی رشد نیروهای مولده تنها نحوه برخورد صحیح و ملی بمسئله مسابقه اقتصادی است .

بهبود استروکتور رشته های تولیدی یکی از عوامل افزایش کارائی تولید میباشد . تعیین صحیح تناسبات در اقتصاد کشور بر پایه احتساب تمام دستاوردهای پیشرفت

استروکتور رشته های تولیدی

علمی و فنی بخصوص در شرایط کنونی که اتحاد شوروی به سیستم نوین برنامه ریزی و رهبری اقتصاد میپردازد اهمیت بیشتری کسب میکند. رشد آتی اقتصاد شوروی از همین منبع بزرگ فیض میگیرد. طی تمام سالهایی که در گذشته صرف ساختمان اقتصادی کشور گردید، در اتحاد شوروی استرکتور صنعتی اقتصاد ملی پدید آمد و این استرکتور در موقع خود موجبات انجام وظایف اساسی ایجاد اقتصاد سوسیالیستی و تحکیم قدرت دفاعی کشور را فراهم ساخت. ارقامی که بر اساس آمارهای قابل مقایسه بدست آمده است و توزیع درآمد ملی را برحسب رشته های تولیدی نشان میدهد، بهتر از هر چیز میتواند معرف ترکیب رشته های تولید اقتصاد ملی اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا باشد:

| استرکتور درآمد ملی اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا برحسب رشتههای تولیدی (به درصد) | | | | | | | | |
|---|-------|--------|-------|--------|-------|--------|-------|----------------|
| سال | | | | | | | | |
| ۱۹۶۳ | | ۱۹۶۰ | | ۱۹۴۰ | | ۱۹۲۹ | | |
| امریکا | شوروی | امریکا | شوروی | امریکا | شوروی | امریکا | شوروی | |
| ۵۷٫۸ | ۵۴٫۲ | ۵۶٫۵ | ۵۲٫۳ | ۵۴٫۰ | ۵۲٫۲ | ۵۱٫۱ | ۴۲٫۷ | صنایع (۱) |
| ۵٫۹ | ۲۰٫۵ | ۶٫۲ | ۲۰٫۵ | ۱۰٫۸ | ۳۰٫۹ | ۱۳٫۷ | ۳۶٫۰ | کشاورزی |
| ۵٫۴ | ۵٫۵ | ۶٫۵ | ۵٫۳ | ۶٫۱ | ۳٫۶ | ۷٫۸ | ۴٫۷ | نقلیه و ارتباط |
| ۷٫۳ | ۹٫۰ | ۷٫۳ | ۱۰٫۰ | ۴٫۲ | ۵٫۵ | ۵٫۹ | ۶٫۳ | ساختمان (۲) |
| ۲۳٫۲ | ۱۰٫۸ | ۲۳٫۵ | ۱۱٫۹ | ۲۴٫۴ | ۷٫۸ | ۲۱٫۵ | ۱۰٫۳ | بازرگانی |

(۱) - در آمریکا برخلاف اتحاد شوروی شیلات در رشته صنعت وارد نمیشود (جز رشته کشاورزی بحساب میآید) و طی کارهای ساختمانی که بوسیله خود رشته های صنعتی انجام میگیرد جزو صنعت بحساب میآید.

(۲) - در مورد آمریکا فقط کارهای ساختمانی که بوسیله پیمانکاران انجام میگیرد.

ارقام مندرج در جدول استرکتور صنعتی اقتصاد شوروی و آمریکا را منعکس میسازد. وزن مخصوصی زیاد رشته های صنعتی از خصوص هر دو کشور است. سطح رشد نیروهای مولده در هر دو کشور عالی است و اقتصاد آنها پرشاخه و جامع است. ولی وزن مخصوص کشاورزی در اتحاد شوروی به مراتب بیش از آمریکا است و وزن مخصوص بازرگانی در آمریکا بیشتر از شوروی است. مطالب اول نتیجه تعداد بسیار زیاد افراد شاغل در کشاورزی اتحاد شوروی است و مطالب دوم واحد و زیادی زائیده شبکه وسیع واحدهای بازرگانی در آمریکا میباشد.

در مورد استروکتور تولید صنعتی باید گفت که موافق با احتساباتی که در راستی‌توی تحقیقات اقتصاد ملی اداره برنامه ریزی اتحاد شوروی بعمل آمده است ، سهم صنایع فلزسازی و مشتق‌های تولید مواد خام ، ماشین سازی ، تولید مصالح ساختمانی یعنی رشته‌هایی که برای رشد آنها سرمایه‌گذاران کلان لازمست در اتحاد شوروی به‌میزان قابل ملاحظه‌ای بیش از ایالات متحده آمریکا است . در حالیکه وزن مخصوص صنایع شیمیایی و تولید برق در اتحاد شوروی تقریباً برابر کمتر از آمریکاست .

این وضع در استروکتور رشته‌های صنعتی اتحاد شوروی تا حد وند زیاد معلول ایجاد پایه‌های مادی و فنی یک جامعه صنعتی در مدت زمان فوق العاده کوتاهی است . صنعتی کردن سریع کشور محتاج توسعه فوق العاده کارهای ساختمانی ، بسط منابع مواد خام و افزایش تولید ماشین و ابزار بوده است .

وظایف کنونی در زمینه ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسم و گرایش‌های تازه در زمینه پیشرفت علمی و فنی در جهان تغییرات عظیم تازه‌ای را در استروکتور رشته‌های صنعتی اتحاد شوروی ضمیمه می‌سازد . یکی از وظایف اساسی برنامه ریزی سوسیالیستی عبارتست از هدایت سرمایه‌گذاری و تشویق اقتصادی بنحویکه تحولات در استروکتور رشته‌های صنعتی پیوسته‌تر و مترقی‌ترین گرایش‌های انقلاب علمی و فنی متناسب باشد . کنگره ۲۳ حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز همین وظیفه را مقرر داشته است . باید خاطر نشان ساخت که اتحاد شوروی به‌هیچوجه در صد نیست استروکتور تولید صنعتی آمریکا را که خود هرگز مرحله کمال نرسیده است تقلید کند . در عین حال ما نمیتوانیم نسبت به تجارت سود مند کشورهای خارجی بی‌اعتنا باشیم بلکه باید هر آنچه را که با ارزش است و میتواند با افزایش کارایی تولید ما کمک کند ، بحساب آوریم .

هنگام تجزیه و تحلیل استروکتور رشته‌های تولیدی اتحاد شوروی و آمریکا کافی نیست که کار به بررسی استروکتور کلی اقتصاد (ماکرو استروکتور) محدود شود . تجزیه و تحلیل کاملاً دقیق استروکتور جزئی (میکرو استروکتور) یعنی استروکتور درونی هر رشته تولیدی نیز که تا حد وند زیادی معرف سطح فنی تولید من حیث المجموع میباشد ، ضرورت دارد . در این مورد نیز پیش از همه در باره ماشین سازی یعنی محور صنایع باید سخن گفت .

استروکتور رشته‌های ماشین سازی اتحاد شوروی طی سالهای ۱۹۶۵ - ۱۹۶۰ بهبود اساسی یافت یعنی سهم ابزار سازی و تجهیزات صنایع شیمیایی و صنعت نفت و صنعت الکترونیک و میکروالارفت . در عین حال سهم ماشین سازی عمومی و نیز سهم ماشین سازی سنگین و ماشین‌های مولد نیرو و وسایل حمل و نقل کاهش یافت . طی این مدت استروکتور رشته‌های تولید انواع جرثقیل و وسایل بارگیری تقریباً تغییری نیافت .

تجزیه و تحلیل استروکتور پارک دستگاه‌های فلزکاری نشان میدهد که اتحاد شوروی در این عرصه بطور جدی از آمریکا عقب مانده است . مثلاً سهم دستگاه‌های آهنکاری و پرسکاری در اتحاد شوروی برابر ۱۵٪ است ولی در آمریکا ۲۴٪ . تناسب حجم تولید دستگاه‌های آهنکاری و پرسکاری در اتحاد شوروی و آمریکا از سال ۱۹۶۰ تقریباً تغییر نیافته است . وزن مخصوص دستگاه‌های مدرن (دستگاه‌های خودکار و نیمه خودکار) دستگاه‌های تیرکاری و دستگاه‌های اختصاصی جهت تراش‌دهی (تراش‌دهی) ۲۸٫۷ درصد مجموع دستگاه‌های فلز تراشی اتحاد شوروی را تشکیل میدهد و در

امریکا ۴۳٫۷ درصد °

اتحاد شوروی برای بهبود میکرو استروکتور صنایع و بهبود وضع بعضی رشته های مهم صنعتی هنوز کارهای زیادی باید انجام دهد ° در اتحاد شوروی به میزان کمتری از امریکا پولاد مرغوب تولید میشود ° در سال ۱۹۶۴ فقط ۴٫۲٪ تولید پولاد شوروی از طریق استفاده از اکسیژن که بهترین طریق تولید پولاد است ، انجام گرفت ولی در امریکا ۷ درصد ° در اتحاد شوروی سهم گاز طبیعی در تولید سوخت اکنون برابر ۱۵ درصد است و در امریکا ۳۴ درصد ° مهم تولید الیاف سنتتیک در اتحاد شوروی ۲٪ مجموع الیاف کشور است ولی در امریکا ۱۴ درصد ° استروکتور رشته های تولید مواد مصرفی نیز به بهبود جدی نیازمند است °

بهبود تولید صنعتی از لحاظ میکرو استروکتور و ماکرو استروکتویکی از وظایف مهم برنامه پنجساله جدید می باشد ° در برنامه پنجساله جدید برای رشته های برق و ماشین سازی و شیمیائی و اکثر ونیک که معرف پیشرفت فنی در تمام اقتصاد کشور هستند ، آهنگ سریعتر رشد پیش بینی شده است ° در نظر است که طی سالهای ۱۹۷۰ - ۱۹۶۶ عقب ماندگی اتحاد شوروی از امریکا در تولید محصولات این رشته ها به حد اقل رسانده شود و در استروکتور داخلی این رشته ها ورشته های دیگر اصلاحات اساسی بعمل آید ° مثلا در آخرین سال برنامه پنجساله میزان مطلق افزایش تولید برق و مسود پلاستیک و سایر محصولات مهم که ماتاکنون در تولید آنها از امریکا عقب ماند ° ایم ، از حد اکثر میزان افزایشی که امریکا در گذشته بدست آورده است ، تجاوز خواهد نمود °

در برنامه پنجساله جاری پیش بینی شده است که تولید دستگاههای آهنکاری و پرسکاری تولید دستگاههای مدرن تر تراشکاری ، بخصوص دستگاههای تراش سیار دقیق و دستگاههای اختصاصی و مختلط و نیز تولید ماشین های خودکار و نیمه خودکار جهت صیقل دادن و تراش نهائی و همچنین تولید زنجیره دستگاههای خودکار با سرعت بیشتری توسعه یابند ° بالانس سوخت در آینده نیز بهبود خواهد یافت و سهم گاز و نفت در مجموع تولید سوخت تا ۶۰٪ افزایش خواهد یافت ° سطح تکنیکی ذوب فلزات سیاه به میزان قابل ملاحظه ای بالا خواهد رفت ° مثلا در سال ۱۹۷۰ بیش از یک پنجم تولید پولاد از طریق استفاده از اکسیژن انجام خواهد گرفت ° تا آخر برنامه پنجساله ۶ میلیون تن چدن و ۹۰ میلیون تن پولاد با استفاده از اکسیژن تولید خواهد شد °

اجرای این قبیل تدابیر معنای بهبود جدی ماکرو استروکتور و میکرو استروکتور تولید صنعتی اتحاد شوروی و بالابردن سطح تکنیکی آن به میزان زیاد خواهد بود °

استروکتور مصرف محصولات

در بررسی تولید اجتماعی نه فقط تولید محصول در ارای

اهمیت است ، بلکه مصرف معقول و مشران نیز اهمیت دارد °

این امر که يك تن نفت در کوره خواهد سوخت و یا اینکه برای تهیه مواد سنتتیک بکار خواهد رفت ، برای جامعه هرگز بی تفاوت نیست ° اگر از نفت برای تهیه مواد سنتتیک استفاده شود ارزش يك تن نفت ۱۵ - ۱۰ برابر افزایش خواهد یافت ° بنابراین وظیفه ای که محصول باید انجام دهد و نیز اثر بخشی استفاده از محصول باید مورد توجه قرار گیرد °

بطوریکه میدانیم وظیفه اقتصادی وسایل تولید عبارتست از تولید محصول نهائی و از جمله تولید

مواد مصرفی ° در صورت برابری سایر شرایط ، تولیدی که بخش تر است که در آن برای واحد محصول نهائی وسائل تولید کمتری مصرف شده باشد °

از آمارهای موجود میتوان چنین نتیجه گرفت که در صنایع اتحاد شوروی در مقابل تولید هر واحد مواد مصرفی تقریباً سه واحد وسائل تولید فرآورده میشود ولی در امریکای واحد و اتحاد شوروی در تولید وسائل تولید بصطح تولید امریکا بسیار نزدیک شده است و ولی در زمینه تولید مواد مصرفی بمقدار زیاد از امریکا بازمانده است و علت آن چیست ؟

پیش از همه باید متذکر شد که طی مدت طولانی سیاست حزب ما آگاهانه متوجه توسعه شدید تولید وسائل تولید بود . چنین سیاستی بما امکان داد که در مدت زمان بسیار کوتاه يك بنیاد صنعتی رشد یافته و نیز صنایع نیرومند نظامی در کشور بوجود آوریم ، از دستاوردهای سوسیالیسم در مقابل تجاوز فاشیسم دفاع کنیم و فاشیسم را منهدم سازیم . چنین سیاستی بما امکان داد که استقلال اقتصادی اتحاد شوروی را تأمین کنیم و کشور خود را در شمار کشورهای صنعتی پیشرو جهان قرار دهیم . این توفیقهای موجود در حجم و تناسبات تولید وسائل تولید و تولید مواد مصرفی از طرف دیگر بمصرف بیشتر مواد خام برای تولید واحد محصول نهائی و همچنین با استفاده ضعیف تر از ماشینها و ابزارها در اتحاد شوروی نیز مربوط است . میزان مصرف نسبی مواد خام در اتحاد شوروی اکنون طی - القاعده از میزان مصرف امریکا بیشتر است . مثلاً برای تولید يك کیلووات ساعت نیروی برق در اتحاد شوروی ۴۲۸ گرم سوخت مصرف میشود و در امریکا ۳۵۵ گرم . در اتحاد شوروی در مقابل هر تن پولاد ۳۷ تن آهن تولید میشود و در امریکا ۶۷ تن و در مقابل يك تن آهن نورد به ترتیب ۵۱ و ۱۴ تن پولاد تولید میشود . مصرف محصولات فلزی همانند (آهن نورد و آهن ریختهگری) برای تولید واحد محصول در رشته صنایع اتحاد شوروی تقریباً ۴۰٪ بیشتر از مصرف امریکا است . تمام اینها میزان احتیاج بمواد خام میافزاید . فزونی در میزان مصرف وسائل تولید و ضعف انگیزه مدی برای تقلیل آن باعث شده است که در اتحاد شوروی سهم وسائل تولید لازم برای تولید مواد مصرفی از ۲۸٪ در سال ۱۹۵۰ به ۱۸٪ در سال ۱۹۶۴ کاهش یابد . اکنون بیش از چهار پنجم وسائل تولید صنعتی برای تجدید تولید خود صنایع بکار میروند .

البته صحیح نخواهد بود اگر فکر کنیم که در اتحاد شوروی میزان نسبی مصرف مواد خام در مقیاسی است . از میزان نسبی مصرف مواد خام کاسته میشود . در امریکا نیز میزان نسبی مصرف مواد خام کاهش مییابد ، مثلاً باید در نظر داشت که در آنجا این کاهش با سرعت بیشتری انجام میگردد . علاوه بر میزان بیشتر مصرف مواد خام ، میزان بیشتر انباشت سرمایه مولد در اتحاد شوروی نیز در اختلاف میان تولید وسائل تولید و تولید مواد مصرفی اتحاد شوروی و امریکا موثر است . هرگاه میزان کلی انباشت (سهم انباشت در درآمد ملی) در اتحاد شوروی تقریباً دوبرابر میزان انباشت در امریکا باشد ، میزان انباشت سرمایه مولد در شوروی ۳ برابر میزان انباشت سرمایه مولد در امریکا است . طبیعی است که انباشت بیشتر سرمایه مولد موجب افزایش آهنگ رشد تولید نیز میگردد ، و لیس آهنگ رشد تولید در اتحاد شوروی سه برابر آهنگ رشد امریکانموده و از این رقم کتر است (بخصوص در سالهای اخیر) لذا قسمت معینی از انباشت در اتحاد شوروی بظرف ناقص عمل میکند . این وضع پیش از همه مربوط به استروکتر انباشت و انحصار کتر سرمایه گذاری ، مدت ساخته ان و مهلت بکار انداختن ظرفیت کامل واحد های جدید و همچنین مربوط به کیفیت ماشین های مورد بهره برداری است . در مورد حجم سرمایه گذاری و انباشت باید گفت که حجم سرمایه گذاری اتحاد شوروی کاملاً با امریکا نزدیک شده است (حجم سرمایه گذاری در شوروی ۹۰٪ مسرمایه گذاری در امریکا است) ولی میزان

سرمایه‌گذاری مولد و حجم انباشت در شوری اکنون به‌عنوان قابل ملاحظه‌ای بیشتر از آمریکا است * از آنجاکه این فزونی در میزان سرمایه‌گذاری‌های مولد و حجم انباشت شوری نسبت به آمریکا در چنان شرایطی است که حجم درآمد ملی شوری ۶۲٪ درآمد ملی آمریکا را تشکیل می‌دهد لذا در اقتصاد شوری فشار معینی بوجود می‌آید که باید از طریق افزایش کارایی تولید از میان برداشته شود * این فشار از کمبود وسائل برای سرمایه‌گذاری ناشی نمی‌شود بلکه نتیجه آنست که از وسائلی موجود بنحویه معقول استفاده نمی‌شود و این وسائل اغلب میان واحدهای ساختمانی زیاد پراکنده میگردد و مدت ساختمان این واحدها بیشتر از اندازه طول میکشد *

نارسائی‌های موجود در استفاده از انباشت سرمایه مولد و ابزار کار باعث میشود که نیاز به تولید آنها افزایش یابد * در این زمینه حلقه‌مسدودی بوجود می‌آید * هرچه از مواد خام و ماشین‌ها بنحویه تری استفاده شود، بهمان میزان نیز احتیاج بآنها افزایش می‌یابد * چنین است یکی دیگر از ظلمت‌های میان تولید وسائل تولید (گروه " ه ") و تولید مواد مصرفی (گروه " B ") * در سال ۱۹۶۵ سهم گروه " ه " در صنایع شوری به ۷۵٪ میرسد و حال آنکه در صنایع آمریکا رقم آن ۶۸٪ را تشکیل می‌داد *

در برتوقرارهای کنگره پیوست و رسوم تغییرات زیادی در اقتصاد اتحاد شوری حاصل خواهد شد * نزدیک کردن کامل آهنگهای رشد تولید وسائل تولید و تولید مواد مصرف یکی از مهمترین وظایف اقتصادی و سیاسی خواهد بود * محصولات گروه " ه " باندازه ۵۲ - ۴۹ درصد افزایش خواهد یافت و تولید مواد مصرف ۴۶ - ۴۳ درصد * نزدیک کردن این آهنگها بکلی سرمایه‌گذاریهایی مغفول و از لحاظ اقتصادی مستبدل * افزایش سهم انباشت سرمایه‌های غیرمولد، صرفه‌جویی حدی در مصرف مواد خام میسر بود، بهره‌برداری از سرمایه‌های اسامین مولد عملی خواهد شد * مثلاً تا سال ۱۹۷۰ از میزان مصرف فلز در ماشین‌سازی باندازه ۲۵ - ۲۰ درصد، از میزان مصرف سوخت در صنایع باندازه ۱۰ - ۸ درصد، از میزان مصرف برق باندازه ۸ - ۶ درصد کاسته خواهد شد *

آنچه که در پیش‌گفته شد تا حدودی عمل عقب‌ماندگی سطح تکنیک در تولید ساخت تکنیک در تولید موقت شوری را از آمریکا از لحاظ سطح عمومی تکنیک در تولید صنعتی و همچنین عقب‌ماندگی موقت آنها در بازده کار و روشن می‌سازد * بطوریکه خاطر نشان ساختیم بازده کار در شوری فعلاً ۵۰ - ۴۰ درصد بازده کار در آمریکا است *

مقایسه بازده کار رشته‌های مختلف صنعتی نشان میدهد که اگرچه شکاف موجود میان اتحاد شوری و آمریکا در رشته‌های استخراج نفت و گاز، باید بپولاد و دستگاههای تراشکاری و غیره چند آن بزرگ نیست ولی در رشته‌های مانند استخراج زغال و صنایع کاغذ سازی و شیمیایی و صنایع گوشت این شکاف بسیار بزرگ است *

عقب‌ماندگی شوری از آمریکا در زمینه بازده کار معلول سطح نازل مصرف سرانه برق در تولید و سطح نازل سرمایه سرانه شاغلین، نقایص موجود در کار نو سازی پارک ماشین و ابزار و مکانیزه کردن کارهای کمتی و اختصاصی کردن تولید و سازماندهی کار و نیز معلول استرکتور نامناسب صنایع و یکسلسله عوامل دیگر است * مثلاً در سال ۱۹۵۰ مصرف سرانه نیروی برق در صنایع اتحاد شوری

۳۶٫۳ درصد مصرف سرامت نیروی برق در صنایع آمریکا بود و در سال ۱۹۶۴ - ۳۶٫۵ درصد و ۳۰٪ تناسبات میان بازده کار این دو کشور نیز در این مدت بدو تغییر مآبند . در همین حال میزان سرامت سرمایه‌برای هر فرد شاغل در اتحاد شوروی در همین مدت از ۳۱ درصد به ۵۵ درصد میزان آن در آمریکا افزایش یافت . فقط طی سالهای اجرای برنامه هفتساله بیشتر از یک میلیون ماشین تراشکاری ، بیش از ۲۰۰ هزار ماشین های آهنکاری و پرسکاری و تعداد زیادی زنجیره دستگاههای خودکار کارآفرین اخته شد ، ولی سطح بازده ماشین های جدید به حد کافیه بالا نبود . اگرچه پارک ماشین های شوروی از لحاظ سن حواناتر از پارک ماشین های آمریکا است (نسبت ماشین های تاد هساله در شوروی ۵۶٪ است و در آمریکا ۳۵٪) ، ولی از لحاظ تکنیک کهنه تر از آنست . پایین ترتیب اتحاد شوروی تاکنون از لحاظ میزان سرمایه سرامت شاغلین زودتر از میزان بازده کار واقعی توانسته است با آمریکا برسد .

تمام این عوامل باعث شده است که وظیفه بهبود کیفیت ماشین ها و تجهیزات با حدت بیشتری مطرح گردد . این وظیفه اکنون در درجه اول اهمیت قرار دارد و در برنامه پنجساله جاری توجه جدی بانجام آن مینماید . در برنامه پیشبینی شده است که قدرت دستگاههایی که ساخته میشود و همچنین میزان مصرف سرامت برق در تولید بشدت افزایش یابد . مثلا قدرت متوسط تراشورهای پشمال از ۱۵۰ هزار کیلووات به ۳۰۰ هزار کیلووات خواهد رسید . در سال ۱۹۷۰ در اتحاد شوروی ۳۰ کارخانه برف با قدرت بیشتر از یک میلیون کیلووات مشغول کار خواهد شد و حال آنکه در سال ۱۹۶۵ تعداد آنها ۱۲ واحد بوده است . در پنجساله آینده مصرف سرامت نیروی برق در صنایع ۱٫۵ برابر و در کشاورزی تقریباً ۳ برابر افزایش خواهد یافت .

هنگامیکه از عقب ماندگی اتحاد شوروی از آمریکا در زمینه سطح تکنیک بازده کار سخن میرود نباید فراموش کرد که جنگ های مخرب و بعد از آنها سالهای احیاء اقتصاد بشوروی امکان ندادند که بسینه جنبه های کیفی تولید اجتماعی توجه لازم مبدول گردد . اصولاً با لایردن سطح عمومی تکنیک در عرض یکی دو سال امریست غیرممکن . این کار فقط بکمک اقدامات جدی و طولانی میسر خواهد بود . افزایش ذوب پولاد با نده ۱۰ میلیون تن ، از تجدید تجهیزات کارخانه های ذوب آهن بمنظور تولید پولاد بشیوه توریک و تولید آلیاژهای مختلف و از یاد انواع مختلف پولاد و بهبود کیفیت آنها بمراتب سهلتراست . در هر یک از این میزان تولید لاستیک اتومبیل راحت تر از آنست که بمیزان سابق لاستیک تولید کنیم ولی استحکام لاستیک ها را در برابر افزایش دهم .

حوانای کیفی پروسه تولید به فرهنگ عمومی تولید وابسته است . لنین بمسئله فرهنگ توجه خاصی داشت و در یکی از آخرین آثار خود بنام " کمتر اما بهتر " مینویسد : " من در اینجا بویژه مسئله فرهنگ را مطرح میکنم ؟ زیرا در این قبیله امور فقط آنچه براباید بکف آمده شمرده جزو فرهنگ و معیشت و عادات شده باشد " .

مسئله ارتقاء سطح فرهنگ عمومی تولید بامسئله تقلیل تاثیر عوامل تصادفی و ذهنی در اداره اقتصاد رابطه تنگاستنی دارد . باینجهت همراه بارشد نیروهای مولده و افزایش میزان تن و کیلووات ساعت و متر و غیره باید مناسبات تولیدی سوسیالیسم و شرایط اقتصادی تولید را نیز بهبود بخشید . این امر بزحمتکشان امکان میدهد تا خود را دیگر فقط کارگر احساس نکنند ، بلکه صاحب اختیار و مشغول پروسه تولید و ذینفع در ثمرات آن بدانند . در کنگره ۲۳ شیوه های جدید رهبری اقتصاد تنظیم شد و اصول سیاست اقتصادی حزب در مرحله کنونی رشد جامعه شوروی معین گردید . رفیق پرزف ، دبیر

کد کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی میگوید: " این اصول برای آنستکه نقش شیوه ها و انگیزه های اقتصادی در رهبری اقتصاد ملی تقویت گردد، کار برنامه ریزی دولتی بهبود اساسی یابد، استقلال اقتصادی و ابتکار موسسات و کلخوزها و سوخوزها توسعه یابد و مسئولیت و علاقه مادی گروههای تولیدی نسبت به نتایج کارشان افزایش یابد."

طی سالهای ۱۹۷۰ - ۱۹۶۶ در اثر استفاده همه جانبه از دستاوردهای علم و فن در کار تولید بهبود مناسبات تولیدی موسیالیم، تقویت نقش انگیزه های اقتصادی در امر تولید و نیز رتبه تشویق مادی زحمتکشان - بازده کار در صنایع شوروی ۳۰ - ۳۳ درصد افزایش خواهد یافت و تقریباً به ۶۰٪ سطح بازده کار آمریکا خواهد رسید. صنایع شوروی برای انجام وظیفه ای که در این امر از طرف کنگره ۲۳ حزب کمونیست شوروی مقرر شده است، تمام شرایط لازم را در اختیار دارد.

مختصری درباره کشاورزی
طی سالهای ۱۹۶۵ - ۱۹۶۱ میزان متوسط فرآورده های کشاورزی اتحاد شوروی تقریباً برابر ۷۵٪ فرآورده های کشاورزی آمریکا بود. ارقام زیر میزان تولید مهم ترین فرآورده های کشاورزی را در سال ۱۹۶۵ نشان میدهد (به میلیون تن)

| کشور | شوروی | آمریکا |
|-----------------------|-------|---------|
| غله | ۱۲۰۵ | ۱۸۸۱ |
| شیر | ۷۲۶ | ۵۷۶ |
| گوشت | ۹۹ | ۲۰۴ |
| پنبه | ۵۷ | ۱۰۱ (۱) |
| تخم مرغ (میلیارد عدد) | ۲۹۰ | ۶۴۵ (۱) |

(۱) - سال ۱۹۶۴

تجهیزات تکنیکی و بازده کار در وضع تولید کشاورزی تاثیر بسیار دارد. اتحاد شوروی از لحاظ این شاخصها هنوز هم میزان زیاد از آمریکا عقب است. مثلاً در شوروی بهر هزار هکتار زمین مزروعی ۱۲۷ تراکتور می رسد ولی در آمریکا ۴۰۸ تراکتور، تعداد کوبهای نیز در هر هزار هکتار به ترتیب ۳۹ و ۱۵۷ دستگاه است. بازده کار در کشاورزی آمریکا بمرابر بیش از بازده کار در شوروی است.

در پنجساله جاری برای رشد کشاورزی شوروی مبالغ هنگفتی تخصیص داده خواهد شد تا بتوان تجهیزات تکنیک را در کشاورزی بطور جدی افزایش داد. تنها سرمایه گذاریهای مستقیم کلخوزها و دولت طی پنجسال برابر ۷۱ میلیارد رول خواهد بود. در ظرف پنجسال ۱۷۹۰ هزار تراکتور (از جمله ۷۸۰ هزار تراکتور شخدار) و ۱۱۰۰ هزار اتومبیل بارکش، ۵۵۰ هزار کوبهاین غله و بسیاری وسایل تکنیکی دیگر بکشاورزی تحویل خواهد شد. مصرف نیروی بومی در کشاورزی تقریباً سه برابر افزایش خواهد یافت. تمام این اقدامات همراه با بهبود سیستم برنامه ریزی رهبری تولید کشاورزی امکان خواهد داد تا بازده کار در کلخوزها و سوخوزها بحد ۴۵ - ۴۰ درصد افزایش یابد.

تجهیز کشاورزی با تکنیک مدرن و بالا رفتن بازده کار بر پایه این تکنیک آهنگ پیش بینی شد. برای رشد کشاورزی (۲۵٪ افزایش نسبت به پنج سال گذشته) را کاملاً میسر میسازد. این امر امکان خواهد داد که سطح کشاورزی شوروی در سال ۱۹۷۰ تا اندازه زیاد به سطح کنونی رشد کشاورزی آمریکا نزدیک گردد.

تکامل علم و مسئله

رشته های غیرمولد

قانونمندیهای رشد اقتصادی معاصر نشان میدهند که فقط با استفاده سریع و کامل از امکانات انقلاب علمی و فنی میتوان در مسابقه اقتصادی با سرمایه داری پیروز شد. استفاده سریع و کامل از امکانات انقلاب علمی و فنی افزایش حادی کارآیی تولید اجتماعی را میسر میسازد. افزایش بازده کار و کارآیی تولید یکی از وظایف عمده رهنمودهای کنگره بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره برنامه پنجساله ۱۹۷۰ - ۱۹۶۶ می باشد. این وظیفه بر ضرورت تسریع در کار پیشرفت علمی و فنی بر اساس توسعه همه جانبه، پژوهشهای علمی و استفاده سریع از نتایج این تحقیقات در امر تولید و کار بستن سریع اختراعات مبتنی است. اتحاد شوروی در عرصه پژوهشهای علمی و آموزش و پرورش موفقیت های عظیم بدست آورد است. طی ده سال اخیر هزینه های مربوط به پژوهشهای علمی در اتحاد شوروی ۶ برابر افزایش یافت. در سال ۱۹۶۵ اتحاد شوروی بیش از چهار برابر مهندسان فارغ التحصیل آمریکا در این سال بود و تعداد آنها به ۱۷۰ هزار نفر بالغ میشد. در زمان حاضر یک چهارم مجموع کارکنان علمی جهان در اتحاد شوروی متمرکز شده اند. در آمریکا نیز هزینه های علمی با سرعت افزایش مییابد. صنعت اختراعات از لحاظ میزان هزینه ها مقام اول را در میان سایر رشته ها اشغال نموده است. مجموع هزینه های پژوهشی ایالات متحده اکنون بیش از ۲ میلیارد دلار در سال می باشد. هزینه های پژوهشی آمریکا در سالهای اخیر بحدی افزایش یافته است که سرمایه گذاری های این کشور هم حجم شده است. حالاً گاه بد شواری میتوان گفت که چه چیزی در رشد اقتصادی بیشتر موثر است: سرمایه گذاری و یا صرف مبالغی برابر آن برای پژوهشهای علمی. میزان هزینه های علمی در صنایع استحصالی آمریکا دو سوم میزان سرمایه گذاری در این رشته است. میزان این هزینه ها در صنایع الکترونیک و هواپیما سازی اکنون ۳ تا ۶ برابر میزان سرمایه گذاری در این صنایع می باشد. بهره برداری سریع از اختراعات در کار تولید عامل مهمی است در مبارزه میان رقبا بخاطر بازار فروش. باین جهت اقلام محصولات جدید در آمریکا با سرعت زیاد در افزایش است. موافق آمارهای موجود ۱۴ درصد محصولات صنایع استحصالی آمریکا را در سال ۱۹۶۴، محصولات جدیدی تشکیل میدادند که چهار سال پیش از آن تولید نمیشدند. در سال ۱۹۶۰ میزان این قبیل محصولات ۱۰ درصد بود. کمپانیهای صنایع الکترونی حساب کرده اند که ۷۵ درصد فروش آنها را محصولاتی تشکیل میدهند که ده سال پیش حتی نام آنها ناشناخته بود.

اتحاد شوروی نیز این وظیفه را در پیش خود قرار داده است که هر چه بیشتر محصولات جدید تولید نماید. در کشور ما ارتش عظیمی از کارمندان علمی و مخرمین و مهندسان این وظیفه را با موفقیت انجام میدهند. ما شاهد سبکی از اختراعات و پیشنهاد های بهسازی هستیم. تعداد این اختراعات و پیشنهادها در سال ۱۹۵۰ بالغ بر یک میلیون و ۲۴ هزار بود. در سال ۱۹۵۵ بیش از دو میلیون

و در سال ۱۹۶۵ بیشتر از ۴ میلیون * در حدود ۳ میلیون از این اختراعات و بیسشهادها در تولید مورد استفاده قرار گرفته است که در نتیجه ۱۸۸۰ میلیون رول در اقتصاد ملی صرفه جوئی گردید * مجموع صرفه جوئیها در ۷ سال اخیر بیش از ۱۱ میلیارد رول بوده است *

بسط همجانیه دامنه پژوهشهای علمی ، افزایش جدی ثمر بخشی این تحقیقات و تسریع در بهره برداری از نتایج آنها در کار تولید - وظائفی هستند که در رهنمودهای کنگره ۲۳ برای برنامه پنجساله جدید پیش بینی شده اند * برای انجام این وظائف نیروهای علمی و منابع مالی باید برای حل آن مسائل اساسی در نظم و فن متمرکز شوند که حد اکثر نتایج اقتصادی از آنها بدست می آید *

خرید و فروش گواهی نامه های اختراعات و پروانه های امتیاز تولید نقش بزرگی در تسریع تکامل علمی و فنی ایفا میکنند * اطلاعات منتشره درباره اختراعات ، آخرین پیشرفتهای تکنیک و تکنولوژی را مهندس میسازند و امکان میدهند که بتوان گرایشهای را در پیشرفت تکنیک که در آینده ممکن است به گرایش بعدی بدل گردند " در چنین " مشاهده نمود * تصادفی نیست که طی ده سال اخیر حجم بازرگانی جهانی در مورد تکنولوژی جدید تقریباً سه برابر سریعتر از حجم بازرگانی عادی جهان افزایش یافته است * ایالات متحد و در ظرف هفتسال اخیر از بابت فروش گواهینامه های اختراعات بیش از ۴ میلیارد دلار بدست آورده است *

در اتحاد شوروی مدتی باین مسئله مهم توجه کافی نمیشد و اکثر از مزایای آشکار بازرگانی تکنولوژی استفاده نسنگردید * این وضع در کنگره ۲۳ حزب کمونیست اتحاد شوروی مورد انتقاد شدید و عاذا لانه قرار گرفت * بازرگانی خارجی اتحاد شوروی موظف شده است که در بازرگانی جهانی پروانسه های امتیاز تولید مقام شایسته ای اشغال نماید *

زمانیکه از مسابقه اقتصادی شوروی و آمریکا سخن میرود ، اغلب عرصه این مسابقه را بچهارچوب تولید ملدی محدود میسازند * ولی در مرحله کنونی رشد نیروهای مولده این کافی نیست * رشته های غیر مولد که برای تولید معاصر ، بخصوص در مرحله ای که نیروی کار تا حدودی از وسائل تولید اشباع شده است ، ضرورت " پشت جبهه " را دارد ، در تولید مادی سازد کار تاثیر عظیم باقی میگذارد * باین مناسبت عده روز افزونی از اقتصاد دانان افزایش هزینه های غیر مولد را تا حدی عامل عمده پیشرفت میدانند * مثلاً اقتصاد دان امریکائی ، دانیلسون معتقد است که ۷۵٪ افزایش درآمد سرانه شاغلین آمریکا در سالهای ۱۹۵۷ - ۱۹۶۹ نتیجه پیشرفت آموزش و علم بوده و فقط ۹٪ آن در اثر افزایش سرمایه خصوصی حاصل شده است * اقتصاد دان مشهور شوروی ، آکادمیسین استرومیلین در اثر خود درباره اقتصاد آموزش میگوید که ۲۳٪ درآمد ملی اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۰ در نتیجه بالا رفتن سطح تخصص کارکنان بدست آمده است *

بعضی از رشته های غیر مولد مانند آموزش و پزشکی در اتحاد شوروی پیشرفت جدی داشته است * اتحاد شوروی از لحاظ تعداد دانشجویان مقام اول را در جهان اشغال میکند (۳۸۵۹ هزار دانشجو) ، در مورد تعداد پزشکان نیز شوروی جای اول را دارد (۵۵۵ هزار نفر) * معهدا سهم مجوع رشته های غیر مولد در اتحاد شوروی هنوز هم در سطح نازل قرار دارد : در این رشته ها فقط ۲۰٪ تمام کارکنان اقتصاد ملی مشغول کارند ولی در امریکه تقریباً ۵۰٪ بدیهی است که حجم و استرکتور رشته های غیر مولد آمریکا هرگز نمیتواند برای شوروی ملاک قرار گیرد *

باید بخاطر داشت که بسیاری از رشته های غیرمولد در امریکا تحت تاثیر عوامل اجتماعی بوجود آمده و در رشد و توسعه آنها مثلث معادل شیوه تولید سرمایه داریست . مثلا رکلام در امریکا بیشتر از اندازه توسعه یافته و هزینه های مربوط بان از حدود معقول تجاوز کرده است . رشته های غیرمولد در شرایط سوسیالیسم طبق برنامه و پریایه های علمی رشد می یابند و باید برای مردم همه گونه وسائل راحتی فراهم آورد و نیازمندیها و تقاضاهای آنها را کاملتر برآورده سازد .

رشته های غیرمولد در پنجاه ساله جاری رشد سریع و همه جانبه ای خواهد داشت . برای این کار بهالرح روز افزون در نظر گرفته میشود . طی برنامه پنجاهه خدمات بازرگانی بهبود اساسی خواهد یافت . ساختمان مسکن توسعه پیدا خواهد کرد . خدمات پزشکی و فرهنگی بسط بیشتری خواهد داشت . خدمات معیشتی برشته بزرگ مکانیزه شده اقتصاد ملی مبدل خواهد شد . حجم خدمات معیشتی تا سال ۱۹۷۰ تقریباً ۲۰ برابر افزایش خواهد یافت (از آنجمله در مناطق روستایی پیش از سه برابر) .

در اتحاد شوروی پایه های صنعتی نیرومندی ایجاد شده است که مقام دوم را در جهان اشغال میکنند . امکانات توسعه و تحکیم پایه های صنعتی و منابع لازم برای آن در آینده با زحمات بیشتر خواهد بود . شوروی از لحاظ منابع انسانی غنی تر از امریکا است . اتحاد شوروی از لحاظ آموزش همگانی و علوم مقام برحسته ای در جهان دارد . از نظر منابع طبیعی اتحاد شوروی نه تنها از امریکا باز نمیماند ، بلکه در بسیاری موارد بر آن برتری دارد . زمینهای مزرعی شوروی تقریباً دو برابر زمینهای مزرعی امریکا است و مناطق پوشیده از جنگل آن نیز سه برابر مناطق جنگلی امریکا است . ذخائر نفت ، گاز ، سنگ آهن و سایر مواد معدنی بسیار مهم در اتحاد شوروی بیش از امریکا است .

ولی برتری در منابع طبیعی مهمترین عامل موثر در نتیجه مسابقه اقتصادی میان شوروی و امریکا نیست . عامل عمده عبارتست از ترقی بودن نظام اجتماعی سوسیالیستی و برتری آنکارناپذیر بر آن نسبت سرمایه داری . سراسر تاریخ تکامل جامعه سوسیالیستی در اتحاد شوروی ، خروج سوسیالیسم از چارچوب کشور واحد و تبدیل آن به سیستم جهانی سوسیالیسم و عامل قاطع رشد جامعه بشری ، ساختمان موفقیت آمیز پایه های مادی و فنی کمونیسم در اتحاد شوروی — برای ضرورت تاریخی پیروزی سوسیالیسم در مسابقه اقتصادی با سرمایه داری و ضرورت تبدیل شیوه تولید سرمایه داری بشیوه تولید سوسیالیستی اعتقاد عمیق و علمی بوجود میآورند .

اقتصاد اتحاد شوروی در برنامه پنجاهه ای که آغاز شده است به مرحله تازه و عالی تر رشد گام خواهد نهاد . طی سالهای ۱۹۷۰ - ۱۹۷۶ وظایف دشوار در زمینه رشد عقی تمام تولید اجتماعی ، افزایش کارایی آن بهبود جدی در امر استفاده از منابع موجود انجام خواهد گرفت . برنامه پنجاهه جدید دوران افزایش سریع رفاه مردم خواهد بود .

هنگامیکه از برنامه مسابقه اقتصادی میان شوروی و امریکا سخن میروند ، باید در نظر داشت که سه همراه با آهنگ رشد و افزایش کمی حجم تولید — بهبود تمام شاخص های کیفی ، برداشت حد اکثر محصول از حداقل هزینه های تولیدی و ارتقاء سریعتر سطح زندگی مردم نیز باید ملاک پیروزی در این مسابقه باشد .

لنین میگوید که بدون بسط امنه ابتکار مردم و فعالیت مبتکرانه زحمتکشان بدون بسط همه جانبه دموکراسی موسیالیستی نمیتوان در زمینه بازده کار و سطح زندگی بر کشورهای رشد یافته سرمایه داری پیشی گرفت . فعالیت توده ها ، علاقمندی مادی آنان و شرکت وسیعشان در اداره اقتصاد - عامل نیرومندی است برای رشد اقتصادى کشور . برقراری سیستم جدید رهبری برنامه ریزی در کشور و اجرای قرارهای کنگره بیست و سوم حزب کمونیست شوروی امکانات وسیعی در لنین زمینه بوجود میآورد ، موجبات تسریع رشد اقتصادى و فرهنگی کشور را فراهم میسازد ، برتری شیوه تولید موسیالیستی را آشکارتر میگرداند و پیروزیهای تازه ای را در مسابقه اقتصادى مسالمت آمیز با سرمایه داری موجب میگردد .

نظریات تکنوکراتیک در اقتصاد سیاسی بورژوازی

بل آبی بر

در سلسله نشریاتی که تحت عنوان "مسائل" از طرف بنگاه مطبوعاتی "ادیسون سوسیال" انتشار مییابد اخیراً مقاله ای بقلم م. ریوی درج شده که در آن برخی از جوانب تحول نظریات اقتصادی کنونی محافل دانشگاهی غرب تجزیه و تحلیل میگردد. نویسنده هدف خود را ترسیم یک منظره عمومی از تئوریها و تعالیم رایج در دانشگاههای بورژوازی قرار داده بلکه فقط کوشیده است ماهیت و جریان بزرگ آیدئولوژی رنگارنگ بورژوازی را که غیرمظاهر آنها جریان واحدی هستند نشان بدهد.

لب مطلب اینست که اگر نقطه نظر اساسی یک جریان از دو جریانیکه مؤلف آنها را برجسته میکند پیشرفت فنی است (دعوی میشود که سیرتکامل جامعه کنونی بوسیله پیشرفت فنی هدایت میشود) جریان دیگر از احکام تئوریک در اقتصاد سیاسی روی بومی تأیید و تائیدیه برواقیعیات "مشخص" - علم اقتصاد را به تکنیک اقتصادی بوسیله مؤثر برای مداخله سرمایه داری انحصاری دولتی در حیات اقتصادی بسدل میسازد. این تغییر و تحولات علم اقتصاد از طریق طرح مجدد مسائل متدولوژی صورت میگردد. اکنون که میان سوسیالیسم و سرمایه داری مسابقه اقتصادی بعمل میآید اقتصاد دانان در برابر مسئله خصولت بنیاد دوسیمت و تحول آنها قرار دارند و میکوشند برای سیستم بعنوان یک کل بهم پیوسته مفهوم عمیقتری پیدا کنند. هدف آشکار آژند وین این نظریات جدید تبدیل علم اقتصاد به یک علم تطبیقی است. برقراری ارتباط میان تئوری ویراتیک و روش جدیدیست که اقتصاد دانان دانشگاهی غرب اتخاذ کرده اند. پس کاملاً طبیعی است وقتی می بینیم که آنها مایلند اقتصاد را نه فقط برای یک دوره نزدیک بلکه برای یک دوره طولانی "برنامه ریزی کنند" و بدینسان رشد مہنتی بر برنامه را برای اقتصاد تضمین نمایند. نفوذ بی چون و چرای مارکسیسم و استفاده از آنکه هم در زمینه عمومی تئوری و هم در زمینه متدولوژی از برخی فکاهیمارکسیسم بعمل میآید همه جا مشهود است. ولی م. ریوی بر جنبه ناقص و تحریف آمیز و یکجانبه کشف حقیقی را که مارکس مدتها پیش کشف کرده بدرستی خاطر نشان میسازد. این تغییرات صوری در بینشها و اسلوبها برفع بحران کنونی علم اقتصاد بورژوازی کمک نخواهد کرد.

در هر دو جریان آیدئولوژیک که مورد بررسی روی بر راست گرایش تکنوکراتیک در تحلیلها کاملاً با چشم میخورد. و اما اگر راه حلهای "پیششهادی هر دو" مکتب "جنبه آشکارا منفی و خطرناک دارد در مورد خود مسئله ای که آنها بررسی میکنند وضع برهنه شود. این مسئله جنبه عینی دارد. دقیق است و تحلیل جدی را ایجاب میکند، بخصوص در لحظه ای که در فرانسه حزب کمونیست فرانسه سعی دارد تمام نیروهای را که علیه گلیسم مبارزه میکنند برای استقرار دموکراسی طراز نوین در کشور یعنی در عین حال هم دموکراسی اقتصادی و هم دموکراسی سیاسی برامون یک برنامه مشترک متحد سازد. م. ریوی بر در کتاب خود جانب مهم این مسئله را روشن میکند و نشان میدهد که جریان "تکنوسیست"

(تکمیل یافته امیز روی پیشرفت فنی) بجه صورتی عرضی اندام میکنند و مفهوم صیق آن چیست .
 نقش عمده را در این زمینه بیشک ژان فرامستیه استاد آموزشگاه عالی حرفه ای ملی و رئیس
 شعبه دروس آموزشگاه عالی کار ملی ایقامیکند . " اثر بزرگ او نام " امید واری عظیم قرن بیستم "
 بلافاصله پس از پایان دومین جنگ جهانی پدید آمد و اگر نگوییم در خود دانشگاه (زیر نظر بیه ایکه
 فرامستیه وضع کرد . با اندیشه های کهنه که آن زمان مسلط بود از نظر ظاهر تفاوت داشت) - لااقل
 در موسسات از یک طرف و در عرصه آموزش دبیرستانی و حرفه ای از طرف دیگر بلافاصله تاثیر بی چون و چرا
 بخشید . فرامستیه که تخصصش مهندسی بود اهمیت تکنیک را که دانشگاه عد ای آن بی احتیاسی
 نشان میداد بشبوه تازه ای مطرح ساخت . بطوریکه م . روی پر نشان میدهد این تلاش برای طبقه
 حاکمه بسیار وسوسه انگیز بود . زیرا " امید واری عظیم " که از آن سخن میرفت قبل از هر چیز میدی
 بود باینکه حل " مسئله اجتماعی " طوری انجام خواهد گرفت که در مورد خود سیستم سرمایه داری
 تردید بوجود نیارد . طبق دعوی فرامستیه این حکم که سرمایه داری راه حل دیگری جـــــ
 سوسیالیسم ندارد گویا بعلمت پیشرفت فنی کهنه شده و گویا راه چاره اصلی عبارتست از یک تمسـ
 " ثالث " و آینده واقعی جامعه بشری همین تمدن خواهد بود .

شوری فرامستیه بزودی یکی از پایه های نظریه ایدئولوژیک علمی کاتاب " جامعه صنعتی "
 بدل شد . بسیاری از جامعه شناسان و اقتصاد دانان و از جمله کسانی چون ریمون آرون و آندره فیلیپ
 و سایرین آنرا قاپیدند . مثلا ریمون آرون بر پایه این دعوی که اتحاد شوروی و ایالات متحد ه امریکا
 قبل از هر چیز نزاع دو " جامعه صنعتی " هستند (یعنی صنعت و تکنیک در آنهاست فوق دارد) و
 سپس یکی سوسیالیستی و دیگری سرمایه داری است میخواست ثابت کند که هر دو رژیم بمقصد واحدی
 خواهند رسید یعنی یکی " آزاد منتر (لیبرال تر) میشود " و دیگری " سوسیالیستی میگردد " (۱)
 چه خواب تشنگ و چه تکیه گاه تئوریک راحتی برای نظریات رفرمیستی !

فرامستیه هم بر آنست که کشور نمونه ایکه باید به تمام کشورهای دیگر امتشان دهد ایالات متحد ه
 امریکا است . بعقیده او " انقلاب " واقعی - " انقلاب " بی غوغا و رغب صورت گرفته و در این شرایط
 منطق حکم میکند که کار بدون انقلاب واقعی از پیش برود . بهینچوجه جای تعجب نیست که جرالوئی
 آرمان تکنیکرات تمام عیار و نمایند ه جامع سرمایه داری انحصاری دولتی در فرانسه بهمان مباحث توجه
 کرده و سایه روشن آنها را برجسته تر ساخته است . کتاب او تحت عنوان " دفاعیه ای بسود آینده "
 در واقع مدح سرمایه داری انحصاری دولتی و دفاع آشکار از انحصارات و نموداری از تمایل به برقراری
 کنترل بر مجموعه اقتصاد است . او خصوص در مسائل رفرفرم آموزش و پرورش که خصلت بکنی ضد دموکراتیک
 دارد هیچ تزلزلی از خود نشان نمیدهد . از اینرو هیچ تعجبی ندارد که چرا نظریات آرمان نظریات
 و نیز کنونی آموزش و پرورش فرانسه شده است . رفرفرم فوشه بیشک تکنوکراتیک ترین و ضد دموکراتیک ترین
 رفرفرمی است که تاکنون در این زمینه پیشنهاد شده است .

اگر چه غیر عادیمست ولی شاید چند ان تعجب آور نباشد که فرامستیه یعنی مهندسی که به ارتباط
 نزدیک با براتیک خو گرفته است در استدلالات خود مائریالیست ناپیگیر و پوزیتیویست از کار درمیآید . او
 ضمن ابرازی اعتمادی به احکام نظری شوریمین های پایان قرن نوزدهم (مارژنیالیست ها) میخواهد

فقط با نظریات مشخص و قابل اندازه گیری مبتنی بر پدیده های عینی سروکار داشته باشد و همین جهت شاخص های عدد در نظر او عبارتند از اندازه کار و سود آوری . لذا همانطور که م روی پرورشان میدهد او برای احتساب بازده کار ناچار میشود تلویحا تصدیق کند که تنها عنصری که در تمام کالاها مشترك است کار است ، اگرچه خود کار را اخصرت دستمزد (دستمزد سناچی) در نظر میگیرد . روی پران عکاس تحریف شده و مغلوب و مخدوشی از نظریات علمی مارکس را در سرا سرا اثر فرستاییه مشاهده میکنند .

به همین جهت هم عریان ساختن پایه های تئوری او اهمیت بیشتری کسب میکنند . روی پر نشان میدهد که فوراستیه فقط يك جانب پروسه تولیدی را آنهم بطور محدود درك میکند . اوقسط این را میداند که تولید عبارتست از تبدیل مواد طبیعی به ارزش مصرف و خاطر نشان میسازد که این مواد طبیعی را فقط يكك وسائل د اثما تکمیل شوند . تولید میتوان تغییر شکل داد . طی او انسان هاراکه عوامل محرکه اصلی اقتصاد هستند به هیچ میگیرد و دینسان نیروهای مولد و رابه تکنیک منحصر میسازد و در درجه اول مناسبات تولیدی جامعه را که بحکم قوانین عینی در جریان تولید میان انسانها برقرار میگردد مسکوت میگذارد . او که در پیشرفت فنی فقط اشیا را می بیند نه رابطه اجتماعی را ناچار بر سر اثبب فتیشیسم فنی درمی غلند .

همین فتیشیسم است که فوراستیه را وامیدارد پیشرفت فنی را بمنزوی محرکه رشد اقتصادی جامعه کنونی تبدیل نماید و حان آنکه پیشرفت فنی در نظام سرمایه داری جز خادش که بلصداقت پیشتر با کمتر باستان سود گردن نهاده چیز دیگری نیست . همین دور نما است که او را مجبور میکند حل مسائل اجتماعی را بحل فنی آنها منحصر سازد .

برای فوراستیه تمدن آینده (اینهم مفهوم دیگری که مخلصیت اید غولوریک کاهلا روشن دارد) تمدن فنی خواهد بود . او در این زمینه با خوشبینی بآینده مینگرد و به پیشرفت و ترقی ایمان دارد . م روی پر در تحلیلی هم که لوئیز مفرد جامعه شناس مشهور امریکائی انجام داده است همین خوشبینی را مشاهده میکنید . این جامعه شناس در یکی از آثار خود بنام " تکنیک و تمدن " که به چند زبان و از جمله به فرانسه ترجمه شده است تئوری ای بسیار نزدیک به تئوری فوراستیه پیشنهاد میکند بموجب تئوری مفرد عاطفی که تمدن فرمان میدهد و رخت آنرا معین میکند تکنیک است . او معتقد است که فازهای تکنیکی (فاز پالئو تکنیک و فاز نئو تکنیک) معرف مراحل تمدن هستند . تکنیک در آغاز نتیجه صفتی بیمار آورد (فقر کارگران و تخریب محیط اطراف ، فرار دستجمعی اهالی روستا ، پرولتریزه شدن) و سپس نتیجه مثبت ازان عاید گردید (تشکل ، انسان دوستی ، کاهش میزان کاری که بصرف تولید محصول معین میرسد و غیره) . روی پر معتقد است که این تحلیل با وجودیکه دقیق و در بسیاری از موارد صحیح است روی نکته ای که از نظر تاریخی اهمیت عمده دارد یعنی روی شرایط و عواقب ناشی از شیوه سرمایه داری انباشت سرمایه پرده میکشد و این واقعیت را که استثمار انسان از انسان در چارچوب اصطلاح " نئو تکنیک " اد امسی یابد و صوب امتناع جدی از طرح گذار به سوسیالیسم میگردد پنهان میکند . در این مورد تئوری مفرد اعم از اینکه نیات واضح آن هر چه باشد از نظر عینی همان هدف تئوری کنونی امریکائی درباره " سرمایه داری خلق " و سایر تئوریهای نظیر آنرا تعقیب میکند . واقعا هم راه دوزخ بنیات حسنه سنگرش شده است . م روی پر میگوید تئوری کسانیرا که بخواهند بآن بی اعتنائی کنند سخت ریشخند خواهد کرد . برای حل مسائل اجتماعی يكك به

انسانها باید وضع واقعی عینی آنها را درک کرد و از برداشتن سرپوش شهیدانه از روی خرافات ایدئولوژیک و وابستگی ظاهری و غیره نترسید * بمسخر دیگر قبیل از هر چیز نباید پدیده عده واقعیت سرمایه داری یعنی مبارزه طبقات را عریان کرد * در غیر اینصورت ایدئولوژی مستورد رزیر سرپوش تفحصات انسان - دوستانه فقط به تشدید استثمارگرک خواهد کرد * در فرانسه در شرایط وجود گلیسم چنانچه اولسویت اتخاذ راه حل " فنی " در کلیه شئون حیات اجتماعی تثبیت گردد اهمیت سیاسی این راه حل ها و خصیصه عینیقا ضد دموکراتیک آنها بکلی در پرده خواهد ماند * م * رویی یرمعه قد است که باید هم از نظر تئوریک و هم از نظر پراتیک نشان داد که دموکراسی و تکنیک نه فقط با هم تضادی ندارند بلکه عاملی که میتواند رشد اقتصاد نوین را تامین کند و انقلاب علمی و فنی معاصر محدود اعلی کتک نماید - همان دموکراسی نوین است *

طبیعی است که ماركسیست ها به پیشرفت فنی با نظر مثبت مینگرند * م * رویی یر میگود آنچه که صورت مخالفت آنها است اهمیت این پیشرفت نیست بلکه نحوه استفاده ایستکه اقلیت صاحب ثروت در جهت معین یعنی در جهت افزایش سود از آن بعمل میآورد * با پیشرفت فنی انسانها امکان خواهند داشت به " صاحب اختیار و فرمانروای واقعی طبیعت " بدل شوند ولی برای این کسار قیلا باید بر مناسبات اجتماعی خویش مسلط گردند * یعنی سوسیالیسم را مستقر سازند *

سوسیولوژی تکنوگراسی

ای . نوویک

یکی از خصایص اساسی آید تئولوژی بورژوازی معاصر بطوریکه میز انیم کوشش برای استفاد ه از تفسیر تحریف آمیز برخی از گرایشهای پیشرفت علمی و فنی بمنظور انصراف توجه کارگران از هذ قها و وظا ک طبقاتی است . علت رواج این قبیل شیوه های جدید فریب آید تئولوژیک زحمتکشان ، قبل از هر چیز شکست نظریات سنتی لیبرال - دموکراتیک بورژوازی است که یکی از خصایص میز بهر ان صعیق آید تئولوژی کنونی بورژوازی را تشکیل میدهد . در کشورهای سرمایه داری که دوران تشدید بیش از پیش پروسه انحصاری شدن اقتصاد و ملیتاریسم روز افزون و مد اخله آشکار دولت در اقتصاد را میگذرانند اثبات این دعوی که در جوامع آنها " امکانات برابر " و " شرایط مساعد برای همگان " وجود دارد و حتی اثبات اصول " کارفرمایی آزاد " که اینهمه آنها میستودند - روز بروز شوار تر میشود . بجای این دعاوی انواع نظریات التقاطی (اکلکتیک) پدید میآید که در آنها میکوشند اند بهود والیسم سنتی را با امکان ایجاد " تمدن فنی " و " همگانی " که بسط دامنه رهبری دولت در اقتصاد را ایجاب مینماید - دم مساز کنند . این نظریات بیش از همه رنگ آمیزی تخیلی خاص نخبگان را بخود میگیرند . اگر زمانی بورژواها به روشنی ذهن خود می بالیدند در عوض اکنون درید تئولوژی بورژوازی بکنوع صنعت ویژه پند اربافی بوجود میآید .

در میان افسانه های جدیدی که فابریک سوسیولوژی بورژوازی بیرون میدهد پند ارتکنوکراتیک جای خاصی را میگیرد . کتب و نشریات بورژوازی بشمارای باین پند اختصاص داده شده است . برای بررسی نقادانه این پند اربجا ست به کتاب پروفیسور او " اربی تیژ استاد دانشگاه شفیلد تحت عنوان " تکامل تکنوگراسی . تاریخ اجتماعی " مراجعه شود . این کتاب که سال گذشته در شمار سلسله " پژوهشهای تاریخ اجتماعی " انتشار یافته خصوصیات اساسی این جریان سوسیولوژی بورژوازی را در خود جصع دارد .

در این کتاب تنها به تشریح منشا پیدایش های تکنوکراتیک اکتفا نشده بلکه مجموعه از عقاید و نظریات اکثریت نمایندگان این جریان نیز مورد تحلیل قرار گرفته است . خود اندیشه تکنوگراسی به اوریکه مید انیم - ازمیست . ولی از چندی باینطرف این اندیشه دیگر بشکل مستقل عرضه نمیشود بلکه بعنوان یک برهان فرعی و طاری اقامه میگردد که تابع نظریه آید تئولوژیک دامنه در ارتریعنی ناگزیری نزدیکی سوسیالیسم و سرمایه داری و نیز تابع نظریه رواج یابنده ایست در ساره " مطلوب بودن . . . سیستم اقتصاد مختلط و کثرت اشکال سیاسی (پلورالیسم سیاسی) " (این نظریه را د . بل در کتاب خود بنام " پایان آید تئولوژی " در سال ۱۹۶۴ اعلام کرده بود) .

بعنوان صغری این حکم رشد گرایشهای که جامعه سرمایه داری در جهت کنترل و رهبری مینتی بر برنامه از خود نشان میدهد مورد استفاده قرار میگیرد . مد عیند که گویا این گرایشها باید کار را به برانداختن نهاد هرج و مرج آخرین این جامعه منجر سازد . در ایام کنونی مولفین بورژوا باشندتی بیش از پیش برای اشاعه یک نظریه فرمیستی - لیبرالی میکوشند که بموجب آن محدود بودن دامنه کنترل پروسه

اجتماعی در کشورهای سرمایه داری ناشی از طبیعت عینی سرمایه داری نیست بلکه ناشی از ضعف فعالیت تکنوکراتهاست زیرا بزعم آنان هنوز "استادی تکنوکراتها در زمینه اقتناع و نیز عمق نفوذ آنان در شیوه های اعمال و کردار افراد و سازمانها کافی نیست".

پس از اینکه نظریه مربوط به رشد خود بخودی سرمایه و تنظیم خود بخود امور آن با شکست مواجه شد و مرحای آن نظریه "سرمایه داری قابل تنظیم و کنترل" شیوع یافت، سوسیولوگ های پرهزوا با جهدی بیشتر از پیش به برجسته کردن نقش متخصصین پرداختند. مخالفین مارکسیسم این باالرفتن نقش متخصصین را یکی از راههای عمده خود بسود دعوی نزدیکی سرمایه داری و سوسیالیسم تلقی می نمایند. آرمی تیزدرفصلی از کتاب خود تحت عنوان "دو هنرنگ" در این باره سخن میگوید.

بزعم سوسیولوژی تکنوکراسی گویا در شرایط سوسیالیسم همپای رشد نیروهای مولده سلسله مراتب و مناصب (هیرارشی) متخصصین پدید آمده و گویا خصیصه ممیزه متخصصین چه در سوسیالیسم و چه در سرمایه داری اینستکه آنها مستغرق در کار تخصصی خویشند و پیش از این از ایدئولوژی فارغ میشوند. مولف کتاب دعوی دارد که مبنی بر اینکه مسائل ایدئولوژیک تحتالشعاع مسائل دیگری قرار میگیرد و حتی محتوی مناقشات بر سر کمونیسم "از طرف دوستان و دشمنان بیکسان فراموش شده است" تایید میکند. آرمی تیزد در کتاب خود نظرف "یونگر سوسیولوگ پرهزوا" را نیز نقل میکند. "یونگر مدعیست که بعلمت تغییر نقش سازمان دولتی که تحت تاثیر تکنوکراتها صورت میگیرد "ایدئولوژی زائد میشود". مولف برای اثبات "پشتیبانی روسیه از پرنسپ تکنوکراسی" به رقم اقتصادی در اتحاد شوروی استناد میبرد.

سخن کوتاه. تمام گروه پراهمین که سوسیولوژی تکنوکراسی از آن طرفداری میکنند و مورد پشتیبانی وسیع قرار میدهند در این نظریه با یک روز خلاص میشوند که گویا جامعه سوسیالیستی معاصر در جهت نزدیکی با جامعه سرمایه داری و پیدایش یک "جامعه صنعتی - تکنوکراتیک" واحد تکامل می یابد. ولی بطوریکه میدانیم محتوای اجتماعی پروسه تاریخی به تکنیک منحصر نمیشود. مهمترین نقش در این عرصه به تناسبات اجتماعی تعلق دارد.

برای رد پنداره های تکنوکراتیک باید اسلوب استدلالی که این پندارها بر آن استوارند مورد تحلیل نقاد قرار داده شود.

گروه پراهمین را در اینجا میتوان تمایز کرد. گروه اول سوسیولوژی اشکال لخت و غیر را اختیار میکند و ضمن آن روی محتوای مناسبات اجتماعی انسانها در صورت پندی های (فورمسیونها) اجتماعی متناقض پرد میگذرد. گرایشهای واقعی پیشرفت علمی و فنی بدون در نظر گرفتن طبیعت محیط اجتماعی ای که این گرایشها در آن رشد می یابند مورد بررسی قرار میگیرد. مثلاً این واقعیت که همپای پیشرفت فنی عمده روشنفکران فزونی می پذیرد در نظر گرفته میشود. البته این پروسه هم در کشورهای سوسیالیستی و هم در کشورهای سرمایه داری صورت میگیرد ولی این بدان معنی نیست که گویا سوسیالیسم و سرمایه داری این همان میشوند.

سپس این واقعیت را بررسی میکنند که در ساختمان جامعه سوسیالیستی معاصر نقش اهرمهای اقتصادی پیوسته بالاتر میروند و محل تمام مسائل اجتماعی هرچه بیشتر بر پایه واقع علمی انجام میگیرد و از اینجا چنین نتیجه گرفته میشود که گویا سوسیالیسم "سرمایه داری نزدیک میشود" و حال آنکه کاملاً روشن است که این اقدامات جدید نمود اریست از طبیعت کاملاً خلاق سوسیالیسم. با انجام این

اقدامات موسسالیسم با قوتی بیش از پیش رشد مییابد و پیروزی آن بر سرمایه داری در سابقه اقتصادی تسریع میگردد *

گروه دوم براهین از تخیلات بی پرده بیرون میتراود • ضمناً قطب های متضاد بشیوه صرفاً التقاطی بیکدیگر می پیوندند • مثلاً از یکسوی کوشند ثابت کنند که جهان بمناسبت توسعه دامنه پیشرفت فنی - آینده بکلی قاجعه آمیزی را در پیش خواهد داشت (۱) • و از سوی دیگر از نظریه ای پیروی میکنند که ماهیت آن تخیلی است و موجب آن گویا پیشرفت فنی بخودی خود تضاد های سرمایه داری را با هم آشتی خواهد داد •

باید علاوه بر تحلیل براهینی که بسود نظریه پندار آمیز کنترل و تنظیم پروسه اجتماعی در شرایط سرمایه داری و ایجاد " جهان اوپراسیونال " (operationale) یعنی جهانی که در آن تنها سرمایه داری و موسسالیسم با هم درآمیزند - آورده میشود اسلوبی هم که بکلمه آن این قبیل " حقایق " استخراج میشوند مورد تحلیل قرار گیرد • در این زمینه هم کتاب آرمی تیودر میان نوشته های دیگر شاخص است •

مؤلف در پیشگفتار کتاب خود وعده میدهد که برخلاف " جبر (دترمینیسم) اکید " مارکس و اسلوب تحلیل " عوامل واقعی " را بکار خواهد برد • ولی در قسمتهای بعدی کتاب دیگر از این " اسلوب عینی " سخنی در میان نیست و هیچ کوششی برای بررسی هیچ آمار یا مدرک مبتنی بر فاکت عمل نمیاورد • تنها یکسلسله احکام نظری مطرح میشود که تعلیل آنها هم سپهر یک یک شیوه جهانشمول یعنی نقل قول از کتب عدیده فلاسفه بورژواوانتی کمونیست های " شعری شناس " انجام میگیرد (در کتاب نزدیک به هزار نقل قول و استناد به کتب دیگر وجود دارد) •

البته " جهان اوپراسیونال " عاری از محتوی ، جهان اشکال لخت و مهر چیزی جز پندار نیست و تلاش آید ثولوک های بورژوا برای ایجاد " تخیلات عقلی " (" اوتوبی های راسپوتل ") در عصر کمونیسم علمی از پیش محکوم بشکست است • ولی چون از این نظریات تنها در استدلال تئوریک استفاده نمیشود ، بلکه در عرصه مستقیم مبارزه سیاسی واید ثولوزیک طیه موسسالیسم نیز بکار میروند - از نظر سیاسی شایان دقت هستند • مثلاً در مقاله ر • وایت که در شماره اول سال ۱۹۶۶ مجله " فوریترین آفرین " تحسنت عنوان " موسسالیسم " و " سرمایه داری " • سو " تفاهم بین المللی " بچاپ رسیده انعکاس این نظریات وجود دارد •

در این ایام که سراسر جهان از تجاوز آمریکا به ویتنام در خشم است دعوی میشود که آمریکا دیگر برای آمریکایی ها کشور سرمایه داری نیست و حالاً " بیشتر یک جامعه دموکراتیک یا آزاد است تا یک جامعه سرمایه داری " • نویسنده بانگ میزند که : " پس چرا دهها صدها میلیون نفر در کشورهای دیگر

(۱) - غالباً در این زمینه به پیشگویی تاریک ج • اهرول استناد میگردد که گفته است :

" اگر میخواهید درباره آینده جهان تصویری بدست آورید چهره انسان را در زیر چکمه مجسم کنید " • آرمی تیودر کتاب خود را بالحنی پرهیجان آغاز میکند و مینویسد : همانطور که در عهد باستان لاشکوتون (پسر پیام پادشاه وروایی از گنبد آهزون) با هجوم دمار غلظی که ناگهان از دریا بسرون جستند ، پهلاکت رسید ، در عصر ما نیز در " افق اجتماعی " نیروهای متجاوز پی پدید آمده اند که یکی از آنها " تعرض لایه ناپذیرطم " برجها کنونی است •

معتقدند که ما فرومایگان سرمایه دارچینیا فرومایگان سرمایه دار برما " حکومت میکنند ؟ " .
 نویسنده این وضع را قید ازهر چیز ناشی از آن میداند که تبلیغات کمونیستی منظره واقعی
 جامعه آمریکا را تحریف میکند . و معتزضانه میگوید که چرا تحولاتی که از سال ۱۹۳۳ در ایالات
 متحده آمریکا آغاز شد است نادیده انگاشته میشود .

ولی برای روشن ساختن ماهیت واقعی این " تحولات " نه افسونگریهای سماتیک و غیره
 سودی دارد و نه شکوه های سالوسانه از " تبلیغات سو " . برای روشن ساختن این " تحولات "
 البته مراجعه به واقعیات عیان ازهر کار دیگری بهتر است . وقتی ما می بینیم که در سال ۱۹۶۵ سود
 خالص انحصارات آمریکا ۴۵ میلیارد دلار بوده است (یعنی ۴ برابر سود متوسط سالانه آنها در
 دوران جنگ جهانی دوم) ویا اینکه مثلا زحمتکشان ایتالیا بابت موسساتی که توسط دولت بورژوازی
 در ایتالیا ملی میشود باید به صاحبان شرکتهای برق غرضی معادل با ۲۴۲ میلیارد لیر پرداخت
 ویا وقتی می بینیم که در انگلستان و فرانسه و ایتالیا ۷۰ تا ۸۰ درصد کارگران و کارمندان در موسسات
 خصوصی سرمایه داری کار میکنند چگونه میتوان گفت که این " تحولات " سرمایه داری را بسیستم
 اجتماعی دیگری بدل ساخته است ؟

و اما بهبود معینی که در وضع زندگی برخی از کشورهای زحمتکشان در یکسلسله از کشورهای
 سرمایه داری پدید آمده ناشی از آزاد هواپیکار بهره‌رواها نبوده بلکه به نیروی مبارزات شدید توده ها
 از چنگ آنها بیرون کشیده شده است . تصادفی نیست که طی ده سال اخیر تعداد شرکت کنندگان
 در احصایات در برابر شده و اکنون عدده آنها در هر سال به ۵۵ تا ۵۷ میلیون نفر میرسد . در همین حال
 بنا با اعتراف خود دولت آمریکا اکنون ۳۲ میلیون آمریکائی در حال فقر بسر میبرند . عامل دیگری که
 سرمایه داران را به مانور و یکسلسله از عرصه ها بعقب نشینی در برابر زحمتکشان و امید ارد کامیابیهایی
 اتحاد شوروی و سایر کشورهای اروپا گاه سوسیالیستی است که در برنامهی تکامل تمدن جامعه بشری
 را بر پایه عظمی به زحمتکشان سراسر جهان عرضه میدارند .

و اما در مورد خود واقعیت ترفیع نقش تکنوکراتها در جامعه سرمایه داری باید گفت که این واقعیت
 اتفاقا طبیعت طفیلی گرانه سرمایه داران را پیش از پیش آشکار میسازد و نشان میدهد که این حضرات
 مطلقا بکار مکانیسم اجتماعی نمیخورند . ولی مطلب بهمین جا پایان نمی یابد . هیچیک از این
 " اصلاحات " کنونی جامعه سرمایه داری که در نتیجه بالا رفتن نقش کنترل و تنظیم دولتی و افزایش
 وزن مخصص مالکیت دولتی و بالا رفتن نقش متخصصین در اداره مستقیم امور سرمایه انجام گرفته است
 البته نمیتواند بخودی خود طبیعت جامعه سرمایه داری را تغییر دهد . ولی ادامه رشد ایسمن
 گرایشها میتواند گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم را در کشورهای سرمایه داری رشد یافته تسهیل
 کند .

بعقیده ره و وایت نادیده گرفتن این امر که در سرمایه داری تغییرات کیفی روی میدهد ناشی
 از بکار بردن الفاظ " سرمایه داری " و " سوسیالیسم " است . ضمنا اوسعی در این نقطه نظر
 خود را با آنکا " به مراجعه با تفکار عمومی که در سال ۱۹۶۲ در انگلستان و فرانسه و آلمان غربی و ایتالیا
 انجام گرفت معتدل سازد .

این نویسنده میگوید اکثریت افراد " سوسیالیستهای دموکرات " هستند . با اینجهت باید
 " از بکار بردن بیهوده الفاظ سوسیالیسم و سرمایه داری احتراز کرد زیرا هر دوی آنها پر از دامنه های

سماتیک هستند * مضافاً بر اینکه مبارزه ای که انجام میگیرد میان سرمایه داری و سوسیالیسم نیست بلکه میان توتالیترایسم و دموکراسی است *

مفهوم این تهرینهای سوماتیک کاملاً روشن است : وقتی نتوان گریبان خود را از چنگ سوسیالیسم خلاص کرد باید کوشید سوسیالیسم را بدین خود درآورد و از امیختن آن با سرمایه داری در قالب دارای خصلت میانی بهمیک * جامعه صنعتی - تکنوکراتیک * درآیند و بوجود آورد * وجود چنین روحیاتی در میان ایند فولوک ها و سوسیالیستند آن بورژواطها نشانده تغییرات خاصی است که در ارزیابیها و بیان صحیحتر در سایه روشن رنگهای همان نظریات ارتجاعی روی داده است * اگر در گذشته دعوی میشد که کامیابیهای سوسیالیسم یکی دروغ است و سوسیالیسم همسلا در حال نابودی است ویا بهر تقدیر بزودی نابود خواهد شد زیرا طی الامور قادر به بالبردن سطح زندگی مردم نیست اکنون ماتفریر سمت خاصی را در نظریات سوسیولوژیک بورژوازی مشاهده میکنیم حالا دیگر سوسیالیسم را از همان دم در جواب نمیکند بلکه بر عکس از آن دارند که سوسیالیسم با احراز موفقیت نشو و نما می یابد و حتی بزودی * به حد سرمایه داری خواهد رسید * البته ماهیت ماکیاولیستی این استدلالات که هدف آن دفاع از سرمایه داریست تغییر نکرده است * ولی ما در اینجا شاهد پدیده جالبی هستیم که نشان میدهد چگونه برخی از ایدئولوژیک های خصم سوسیالیسم اکنون بجای پندار قبلی خود درباره سوسیالیسم که پیش از آن از راه راسخ و پیمان درجه مفهوم بود به پندار دیگری درباره نزدیکی سرمایه داری و سوسیالیسم و سپس در آمیختن آن در صدیکدیگر روی میآورند * استراتژی کذایی ایجاد * تحت * نیز بوده همین اندیشه ها استوار است * نبرنگ های پراگماتیکشی اینقبیل سوسیولوژیک ها و سیاستمدان در اینجا بروشنی دیده میشود * برخی از آنها حالا سو استفاده از کمبرداری از زواله دانتهای شهرهای سوسیالیستی را کنار گذاشته و سو استفاده از کامیابیهایی مسلم سوسیالیسم برداخته اند *

گرایشهای جدید تکامل اجتماعی و انعکاس تئوریک آنها در ایدئولوژی بورژوازی ماهیت طبقاتی سرمایه داری را تغییر نداده است * سرمایه داری مبارزه خود را علیه پیشرفت - هم با شیوه سیاسی قدیمی و هم با شیوههای جدید مملایک تئوری * جامعه مختلط * بی شکل (ر * وایت مند) است که این جامعه از * افراط سرمایه داری * فارغ است (که روی مضامینهای آشتی ناپذیر طبقاتی پسرده میکند - ادامه میدهد *

مفهوم سیاسی این نظریه ایدئولوژیک را خود ر * وایت بورژوازی * اوسمگوید : * ما میدانیم که عناصر غیر عقلانی در سیاست خارجی ما هرچه باشد انعکاسی است از تغییرات اجتماعی بزودن اکثریت افراد در تمام طبقات نه انعکاس تسلط پیش از حد یکی از طبقات * * ولی تجاوزکاری ایالات متحده امریکا تغییر ناپذیر بزودن طبیعت طبقاتی سرمایه داری معا صر را به بارزترین نحو نشان میدهد * و اتفاقاً مطلب در آنستکه محافظ جنگ افروز طبقه سرمایه داری امریکانه در سیاست ماجراجویی های جنگی ذینفع هستند و مسئولیت تمهیکاری محافظ نظامی امریکاد رویتام و هشد ه جوانی علیه کوسراپسند ه دارند از پشتیبانی مردم امریکا برخوردار نمیشوند * بطوریکه در کنگره ۹۳ حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان شده است در این اواخر * طبیعت تجاوزکار امریکاییسم و خطر که از جانب امریکاییسم صلح و آزادی و استقلال ملل را تهدید میکند باشدنی پیش از پیش عیان شده است * باینجهت متفرد ساختن ارتجاعی ترین محافظان گسیخته بورژوازی و وظیفه مهم تمام جامعه ترقیخواه بشری و از جمله وظیفه افراد ترقیخواه ایالات متحده امریکا است *

فهرست مندرجات

- ۱ - حیات داخلی حزب کمونیست اتحاد شوروی
پس از گذر به بیست و سوم
 - ۲ - کار و سرمایه • مسائل کنونی مندیها
 - ۳ - برخی مسائل رشد اجتماعی و اقتصادی
هند
 - ۴ - دورنمای همکاری و وحدت نیروهای
ترقیخواه کشورهای عربی
 - ۵ - تاخت و تاز ارتجاع در اردن
 - ۶ - پیشرفت علمی و فنی و ترایشهای رشد اقتصادی
در انحصار شوروی و آمریکا
 - ۷ - نظریات تکنوکراتیک در اقتصاد سیاسی
بورژوازی
 - ۸ - سوسیالیزمی تکنوکراسی
- ای • و کاپیتونف
(دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست)
(اتحاد شوروی)
- بی برژانسوس
(معاون دبیرکل فدراسیون جهانی)
(سندیکاها)
- کین پتواس
- لطفی الحولی
(رجل اجتماعی جمهوری متحد عرب)
- سالم امین
(روزنامه نگار اردنی)
- والنتین کودریف
- پل آبی بر
- ای • نوویک